



EUROPEAN COURT OF HUMAN RIGHTS
COUR EUROPÉENNE DES DROITS DE L'HOMME

راهنمایی بر ماده 2

کنوانسیون اروپایی

حقوق بشر

حق حیات

بروز رسانی در 31 دسامبر 2021

تهیه شده در واحد ثبت. این راهنما، دادگاه را ملزم نمی سازد.



از ناشران یا سازمان‌هایی که مایل به ترجمه و/یا تکثیر تمام یا بخشی از این راهنما در قالب یک نشریه چاپی یا الکترونیکی هستند، دعوت می‌شود برای کسب اطلاعات در مورد روش صدور مجوز با آدرس publishing@echr.coe.int تماس بگیرند.

اگر می‌خواهید بدانید کدام ترجمه‌های راجع به راهنمایی بر رویه‌های قضایی در حال حاضر در حال انجام است، لطفاً به [ترجمه‌های در حال اقدام](#) مراجعه کنید.

این راهنما در اصل به زبان انگلیسی تدوین شده است. این متن، بطور مرتب و حداکثر اخیراً، در 31 دسامبر 2021 بروز رسانی گردید. این راهنما ممکن است در معرض تجدیدنظر ویراستاری قرار گیرد.

راهنماهایی بر رویه قضایی برای دانلود در www.echr.coe.int (رویه قضایی - تحلیل رویه قضایی - راهنماهای رویه قضایی) موجود است. برای به روز رسانی این نشر لطفاً حساب تویییت دادگاه در https://twitter.com/ECHR_CEDH را دنبال کنید.

این ترجمه با هماهنگی شورای اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر منتشر شده است و مسئولیت آن تنها بر عهده [محسن مرهونی] می‌باشد.

© شورای اروپا / دادگاه اروپایی حقوق بشر، 2021

فهرست مطالب

5	یادداشتی برای خوانندگان
6	1. ملاحظات کلی
6	الف. تفسیر ماده 2
6	ب. تعهدات دولت ها بموجب ماده 2
6	ج. اعمال ماده 2 در وضعیت مرگ های قریب الوقوع
8	2. حمایت از حق حیات
8	الف. ماهیت تعهدات مثبت دولت ها
8	ب. گستره تعهدات مثبت دولت ها
9	ج. حمایت از حق حیات در زمینه های مختلف
9	1. حمایت از اشخاص در برابر اعمال قوه قهریه مهلك توسط عوامل غیر دولتی
11	2. حمایت از اشخاص در برابر آسیب به خود
12	3. حمایت از اشخاص در برابر فجایع زیست محیطی یا صنعتی
13	4. حمایت از اشخاص در زمینه مراقبت های بهداشتی درمانی
13	الف. عموم مردم
14	ب. اشخاص محروم از آزادی و اشخاص آسیب پذیر تحت مراقبت دولت ها
15	5. حمایت از اشخاص در زمینه حوادث
17	د. محدوده های زمانی
17	1. آغاز حیات
17	2. مسائل مربوط به پایان حیات
17	الف. اتانازی
18	ب. اعراض از معالجات نگهدارنده حیات
18	3. منع محرومیت عمدی از حیات
18	الف) مجازات اعدام
18	1. تفسیر بند اول ماده 2 کنوانسیون در پرتو پروتکل های شماره 6 و 13 این کنوانسیون
19	2. مسئولیت دولت ها به موجب ماده 2 در موارد اخراج و استرداد اشخاص
19	ب) اعمال قوه قهریه مهلك توسط عوامل دولتی
19	1. ارزیابی شواهد و ادله
20	الف) معیار اثبات
20	ب) بار اثبات دلیل
21	2. حمایت از اشخاص در برابر اعمال قوه قهریه مهلك توسط عوامل دولتی
21	الف) ساز و کار قانونی
21	ب) آموزش و بررسی صلاحیت مامورین دولتی
22	ج) مصداق ها
22	3. استثنائات مجاز اعمال قوه قهریه
22	الف) معیارهای اعمال بررسی های دقیق
23	ب) رویکرد کلی
23	1. اقدامات مامورین دولتی

- 24..... 2. برنامه ریزی و نظارت بر این اقدامات
- 24..... 3. مصداق ها
- 25..... (ج) زمینه های خاص
- 25..... 1. تسریع مرگ با کاربرد روش های خاص بازداشت
- 26..... 2. مرگ در حبس
- 26..... 3. قتل های فرا قضایی
- 26..... 4. عملیات های امنیتی و نظامی
- 27..... 5. مفقود شده ها
- 27..... الف) احتمال فوت (مرگ فرضی)
- 28..... ب) مسئولیت دولت در قبال مرگ احتمالی
- 28..... ج) مسئولیت دولت در حمایت از حق حیات
- 28..... 6. قتل های ارتكابی توسط عوامل دولتی در جایگاه شخصی
- 29..... 4. تعهدات شکلی
- 29..... الف) گستره ی تعهدات شکلی
- 30..... ب) رابطه بین بخش شکلی و ماهوی
- 30..... ج) هدف تحقیقات
- 31..... د) شکل تحقیقات
- 31..... ه) ماهیت و میزان بررسی های دقیق
- 32..... و) معیارهای تحقیقات
- 32..... 1. استقلال
- 33..... 2. کفایت
- 34..... 3. فوریت و شتاب معقولانه
- 35..... 4. نظارت همگانی و مشارکت خویشاوندان
- 36..... ز) مسائل مربوط به تعقیب، مجازات و جبران خسارت
- 37..... ح) تجدید تعهدات شکلی
- 38..... ط) انجام تحقیقات پیرامون جرایم نفرت بار و خشونت مبتنی بر جنسیت
- 38..... ی) تعهدات شکلی در زمینه های فرامرزی
- 39..... ک) تعهدات شکلی در زمینه منازعات مسلحانه
- 39..... ل) تعهدات شکلی در خصوص مرگ ها یا صدمات جدی ناشی از سهل انگاری
- 39..... 1. اصول کلی
- 42..... 2. مصداق ها
- 42..... الف) پرونده های راجع به سهل انگاری های پزشکی مورد ادعا
- 42..... ب) پرونده های راجع به تصادفات
- 43..... فهرست پرونده های استنادی

یادداشتی برای خوانندگان

این راهنما بخشی از مجموعه راهنماهای حقوقی می باشد که توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر (از این پس "دادگاه"، "دادگاه اروپا" یا "دادگاه استراسبورگ") منتشر شده است تا فعالین حقوقی را در مورد احکام و تصمیمات اساسی صادره توسط دادگاه استراسبورگ مطلع سازد. این راهنمای خاص، رویه قضایی راجع به ماده 2 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (از این پس "کنوانسیون" یا "کنوانسیون اروپایی") را تحلیل و جمع بندی می نماید. خوانندگان در اینجا به اصول کلیدی در این زمینه و سوابق مربوطه پی خواهند برد.

رویه قضایی مورد استناد از میان احکام و تصمیمات اصلی، عمده و/یا اخیر انتخاب شده است¹. احکام و تصمیمات دادگاه اروپایی حقوق بشر نه تنها بمنظور تصمیم گیری در مورد پرونده های مطرح شده نزد آن دادگاه صادر می شود، بلکه بطور کلی تر، بمنظور تبیین، تضمین و توسعه قواعد مقرر در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز بکار می رود و بدین وسیله به رعایت تعهدات توسط دولت ها به عنوان طرف های متعاقد کمک می کند (Ireland v. the United Kingdom, § 154, 18 January 1978, Series A no. 25, and, more recently, Jeronovičs v. Latvia [GC], no. 44898/10, § 109, 5 July, 2016).

بنابراین، ماموریت این سیستم مقرر شده توسط این کنوانسیون، تعیین مسائل مرتبط با سیاست عمومی در راستای منافع همگانی می باشد، در نتیجه، معیارهای حمایت از حقوق بشر را ارتقا داده و رویه قضایی راجع به حقوق بشر را در سرتاسر جامعه کشورهای عضو این کنوانسیون گسترش می دهد (Konstantin Markin v. Russia [GC], § 89, no. 30078/06, ECHR 2012). در واقع، این دادگاه بر نقش کنوانسیون به عنوان "سند قانون اساسی نظم عمومی اروپا" در زمینه حقوق بشر تاکید کرده است (Bosphorus Hava Yolları Turizm ve Ticaret Anonim Şirketi v. Ireland [GC], no. 45036/98, § 156, ECHR 2005-VI, and N.D. and N.T. v. Spain [GC], nos 8675/15 and .8697/15, § 110, 13 February 2020).

این راهنما حاوی ارجاعاتی به کلمات کلیدی برای هر ماده مندرج در کنوانسیون و پروتکل های الحاقی آن می باشد. مسائل حقوقی مورد بررسی در هر پرونده در فهرستی از کلمات کلیدی خلاصه شده است که از یک فرهنگ جامع اصطلاحات انتخاب شده (که در بیشتر موارد) مستقیماً از متن کنوانسیون و پروتکل های آن اخذ شده است.

پایگاه داده HUDOC راجع به رویه قضایی دادگاه، جستجو با کلمات کلیدی را امکان پذیر می سازد. جستجو با این کلمات کلیدی امکان یافتن گروهی از اسناد با محتوای قانونی مشابه را فراهم می سازد (استدلال و نتیجه گیری دادگاه در هر پرونده از طریق کلمات کلیدی خلاصه می شود). با کلیک بر روی برجسب Case Details در HUDOC می توان کلمات کلیدی را برای هر پرونده جداگانه پیدا کرد. برای اطلاعات بیشتر در مورد پایگاه داده HUDOC و کلمات کلیدی، لطفاً به راهنمای کاربر HUDOC مراجعه کنید.

¹ لینک پرونده های استناد شده در نسخه الکترونیکی این راهنما به متن احکام و تصمیمات صادره توسط دادگاه و گزارش ها یا تصمیمات کمیسیون اروپایی حقوق بشر (از این پس "کمیسیون") به زبان انگلیسی یا فرانسوی (دو زبان رسمی دادگاه) اشاره دارد. تمام ارجاعات مربوط به حکمی است که توسط یک شعبه دادگاه صادر شده است، مگر اینکه برخلاف آن ذکر شده باشد. مخفف (dec) نشان می دهد که استناد به یک "تصمیم" شعبه دادگاه (بدوی) می باشد و (GC) نشان می دهد که پرونده توسط شعبه عالی دادگاه رسیدگی شده است. احکام شعب بدوی که در زمان انتشار این بروز رسانی قطعی نباشند با نشان ستاره (*) مشخص می شوند.

ماده 2 این کنوانسیون

"1. حق حیات همه افراد می بایست به موجب قانون مورد حمایت واقع شود، هیچ کسی نمی بایست عامدانه از حق حیات خویش محروم شود، مگر به هنگام اجرای حکم یک دادگاه و پیرو محکومیت به جرمی که بابت آن این مجازات قانونی مقرر گردیده باشد.

2. محرومیت از حق حیات به شرح ذیل در مواردی که اعمال زور بیش از حد ضرورت نباشد نمی بایست بعنوان ناقض مفاد این ماده تلقی گردد:

الف) به هنگام دفاع هر شخصی در مقابل خشونت غیرقانونی؛

ب) به منظور بازداشت قانونی یا بمنظور جلوگیری از فرار شخصی که بطور قانونی بازداشت شده است؛

ج) در اقدام قانونی اتخاذ شده بمنظور فرونشاندن یک شورش یا قیام".

کلید واژه های پایگاه داده HUDOC

اخراج (2) – استرداد (2) _ تعهدات مثبت (2)

حیات (2-1) _ مجازات اعدام (2-1): مقرر شده بموجب قانون (2-1); قابلیت دسترسی (2-1); قابلیت پیش بینی (2-1); ضمانت ها در مقابل سوء استفاده (2-1); دادگاه ذیصلاح (2-1) _ تحقیقات موثر (2-1)

استفاده از قوه قهریه (2-2) _ کاملاً ضروری (2-2): دفاع در مقابل خشونت غیرقانونی (2-2); بازداشت قانونی (2-2); جلوگیری از فرار (2-2); سرکوب شورش یا قیام (2-2)

الف. تفسیر ماده 2

1. رویکرد دادگاه استراسبورگ نسبت به تفسیر ماده 2 می بایست با این حقیقت رهنمون شود که هدف و مقصود این کنوانسیون بعنوان سند حمایت از حقوق انسانی افراد، مقرراتش باید به نحوی تفسیر و اعمال شوند که حمایت های مندرج در آن را عملی و موثر سازند (*McCann and Others v. the United Kingdom*, § 146).

2. این ماده در شمار یکی از بنیادی ترین مقررات این کنوانسیون قرار داده شده است تا حدی که در زمان صلح هیچ گونه عدولی را بموجب مفاد ماده 15 نمی پذیرد. این ماده همراه با ماده 3، حق حیات را بعنوان یکی از ارزش های اساسی جوامع دموکراتیک که بوجود آورنده شورای اروپا نیز هست پاس می دارد (*Giuliani and Gaggio v. Italy*, § 174). به معنای دقیق کلمه، مفاد این ماده با این اهمیت، می بایست به طور مضیقی تفسیر شود (*McCann and Others v. the United Kingdom*, § 147).

ب. تعهدات دولت ها به موجب ماده 2

3. ماده 2، دو تعهد اساسی را شامل می شود: تعهد کلی در حمایت از حق حیات به موجب قانون، و ممنوعیت سلب عمدی حق حیات که با فهرستی از استثناات محدود شده است (*Boso v. Italy*, (dec)). ماده 2 این کنوانسیون، با توجه به ماهیت بنیادی آن، یک تعهد شکلی را نیز به منظور انجام تحقیقات موثر پیرامون نقض بخش ماهیتی آن در بر می گیرد (*Armani Da Silva v. the United Kingdom*, § 229).

ج. اعمال ماده 2 در وضعیت مرگ های قریب الوقوع

4. دادگاه استراسبورگ در بسیاری از موارد بر این امر تاکید نموده است که ماده 2 حتی چنانچه شخصی که ادعای نقض حق حیاتش می شود، نمرده باشد نیز می توان اعمال نمود. به ویژه، این دادگاه مقرر داشته است که در شرایط استثنایی، بسته به ملاحظاتی نظیر شدت و نوع قوه قهریه مورد استفاده و ماهیت صدمات و جراحات وارده، کاربرد قوه قهریه بوسیله عوامل دولتی که منجر به مرگ نگردد نیز ممکن است نقض ماده 2 این کنوانسیون تلقی گردد، مشروط بر اینکه رفتار عوامل دولتی، ماهیتاً زندگی شخص را در معرض خطر جدی قرار دهد، حتی اگرچه وی زنده بماند (*Makaratzis v. Greece*, [GC], § 55; *Soare and Others v. Romania*, §§ 108-109; *Trevalet v. Belgium*, §§ 55-61). در همه موارد دیگری که شخصی مورد حمله یا مورد بدرفتاری توسط مامورین دولتی قرار می گیرد، شکایت آنان در عوض به موجب ماده 3 این کنوانسیون رسیدگی خواهد شد (*Makaratzis v. Greece*, [GC], § 51; *Ilhan v. Turkey*, [GC], § 76). دادگاه استراسبورگ، در پرونده های راجع به خواهان هایی

که از یک حمله بالقوه مرگبار عوامل غیر دولتی جان سالم به در برده اند رویکرد مشابهی همانند پرونده های راجع به مواردی که عوامل دولتی از قوه قهریه استفاده می کنند، اتخاذ نموده است (Yotova v. Bulgaria, § 69).

5. دادگاه استراسبورگ همچنین مقرر داشته است که ادعاهای افرادی که از یک بیماری جدی و سخت رنج می برند چنانچه به طور بالقوه دولت مسئول آن باشد، می بایست به موجب ماده 2 این کنوانسیون به آن رسیدگی شود. به طور مثال در پرونده راجع به خواهانی که از سرطان خون رنج می برد (L.C.B. v. The United Kingdom, §§ 36-41)؛ در پرونده راجع به خواهانی که از یک بیماری بالقوه تهدیدکننده ی زندگی بنام هیپاتیت رنج می برد (G. N. and Others v. Italy)؛ در پرونده راجع به خواهان هایی که از انواع مختلف سرطان پیشرفته رنج می برند (Hristozov and Others v. Bulgaria)؛ در پرونده راجع به خواهانی که در آن وی به ویروس HIV مبتلا شده است که جان وی را به خطر انداخته است (Oyal v. Turkey)؛ در پرونده راجع به پرسنل پزشکی که از انجام درمان معمول انسولین برای بیماران دیابتی در شرایط پرمخاطره خودداری می ورزیدند (Aftanache v. Romania, § 53)؛ در پرونده دیگری دادگاه استراسبورگ مقرر می دارد که ماده 2 نسبت به خواهانی که بعنوان کارمندان سابق کشتیرانی دولتی که در حال تعمیر کشتی در معرض آژبست (ماده سمی) قرار گرفته بودند، اعمال نمی شود، چرا که وضعیت فعلی جسمانی آنها نه بیانگر عامل اجتناب پذیر علائم تشخیص سرطان نادر مرتبط با آژبست می باشد و نه تهدیدکننده حیات (Brincat and Others v. Malt, § 84).

6. این دادگاه همچنین به لحاظ ماهیتی ادعاهای مطرح شده توسط افرادی را که مدعی بودند زندگی آنان در معرض خطر جدی می باشد را به موجب ماده 2 این کنوانسیون مورد بررسی و رسیدگی قرار داده است، اگرچه چنین خطری تا آن لحظه محقق نگردیده بود، لیکن این دادگاه متقاعد شده بود که تهدید جدی نسبت به حیات آن افراد وجود داشته است. به طور مثال در پرونده راجع به خواهان هایی که از برنامه حمایتی مربوط به شهود محروم شده بودند (R.R. and Others v. Hungary, §§ 26-32)؛ در پرونده راجع به یک متهم در حالی که قصد داشت با تبر درب اتاق خواهان را بشکند، وی را تهدید به مرگ می کرد (Makuchyan and Minasyan v. Azerbaijan and Hungary, §§ 93-94)؛ و در مقابل، در پرونده راجع به خواهانی که از مقاله ی یک روزنامه که جان وی را به خطر انداخته بود شکایت نموده بود (Selahattin Demirtas v. Turkey, §§ 30-36).

7. به همین ترتیب، در پرونده های راجع به حوادث بالقوه کشنده و مهلک (Alkin v. Turkey, § 29)؛ Cakmakci v. Turkey (dec), § 32؛ Marius Alexandru and Marinela v. Caviti Tinarlioglu v. Turkey, § 67؛ Kotelnikov v. Russia, § 98؛ Fergac v. Croatia, §§ 21-24؛ Stefan v. Romania, § 75)؛ یا فجایع زیست محیطی (Kolyadenko and Others v. Russia, § 155)، دادگاه استراسبورگ به موجب ماده 2 این کنوانسیون، دادخواهی خواهان هایی را که خوشبختانه از این حوادث جان سالم به در برده بودند را مورد رسیدگی و بررسی قرار داده است. اصل این است که در چنین شرایطی، ماده 2 اعمال می شود چنانچه (الف) فعالیت مورد بحث ماهیتا خطرناک بوده و جان افراد مربوطه را در معرض خطر واقعی و قریب الوقوع قرار دهد، یا چنانچه (ب) صدمات وارده بر آنها به طور جدی تهدید کننده حیات آنان باشد. ارزیابی خطر یا صدمات وارده به عوامل مختلفی بستگی دارد (Nicolae Virgiliu Tanase v. Romania [GC], §§ 139-145).

8. در پرونده Jeanty v. Belgium، که یک بازداشتی با مشکلات روانی در تلاش های متعدد خود برای خودکشی ناکام مانده بود، دادگاه استراسبورگ معتقد بود که ماده 2 در شرایط و اوضاع و احوال این پرونده قابل اعمال می باشد، صرف نظر از این واقعیت که صدمات متحمل شده با توجه به ماهیت اقدام مورد بحث که جان خواهان را در معرض خطری واقعی و قریب الوقوع قرار می داد، شدید نبوده است (§ 40).

9. در واقع، دادگاه استراسبورگ اخیرا تاکید نموده است که ماده 2 همچنین در شرایطی اعمال می شود که شخص مورد نظر قربانی فعالیت یا رفتاری اعم از سوی مقام دولتی یا شخصی گردیده که اساسا زندگی وی را در معرض خطری واقعی و قریب الوقوع قرار داده یا متحمل صدماتی می نماید که بنظر می رسد تهدیدکننده حیات وی باشد، حتی اگر در نهایت وی جان سالم به در ببرد (Tershana v. Albania, § 132)؛ Lapshin v. Azerbaijan, § 71).

<p>پاراگراف اول ماده (2) کنوانسیون</p> <p>1. حق حیات همه افراد می بایست بموجب قانون مورد حمایت واقع شود...</p>
<p>کلید واژه های پایگاه داده HUDOC</p> <p>تعهدات مثبت (2) _ حق حیات (2-1)</p>

الف) ماهیت تعهدات مثبت دولت

10. پاراگراف اول ماده 2 نه تنها دولت ها را به خودداری از گرفتن عمدی و غیرقانونی جان افراد ملزم می سازد بلکه همچنین آنها را به اتخاذ اقدامات مقتضی بمنظور حفاظت و تضمین جان افرادی که در قلمرو و صلاحیت قضایی آنان می باشند، ملزم می نماید (Centre for Legal Resources on Behalf Valentin Campeanu v. Romania [GC], § 130). به عبارت کلی تر، این تعهدات مثبت شامل دو جنبه می باشد؛ الف) وظیفه ایجاد ساختار نظارتی؛ و ب) تعهد به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه عملیاتی.

ب) گستره تعهدات مثبت دولت ها

11. دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که تعهدات مثبت دولت ها به موجب ماده 2 مبتنی بر اتخاذ اقدامات مقتضی به منظور تضمین جان افرادی است که در قلمرو صلاحیت قضایی آنها قرار دارند و در زمینه هر فعالیتی چه عمومی و یا غیر آن که در آن ممکن است حق حیات فرد در خطر باشد این اقدامات مثبت اعمال می گردد (Centre for Legal Resources on Behalf Valentin Campeanu v. Romania, § 130).

12. بدین ترتیب، دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که تعهدات مثبت دولت ها به موجب ماده 2 در پرونده هایی در زمینه های مختلف نظیر مثال های ذیل مطرح می باشند:

_ در زمینه مراقبت های بهداشتی درمانی (Vo v. France [GC]; Calvelli and Ciglio v. Italy [GC])
 _ در زمینه فعالیت های خطرناک از جمله فجایع زیست محیطی یا صنعتی (Budayeva and Others v. Russia; Oneryildiz v. Turkey [GC])
 _ در زمینه حوادث روی عرشه یک کشتی (Leray and Others v. France (dec))؛ یا در قطار (Kalender v. Turkey)؛ یا در یک سایت کارگاهی و ساخت و ساز (Pereira Henriques v. Luxembourg)؛ یا در زمین بازی (Koceski v. The Former Yugoslav Republic of Macedonia)؛ یا در یک مدرسه (Ilbeyi Kemaloglu and Meriye Kemaloglu v. Turkey)؛
 _ در زمینه ایمنی جاده ها (Anna Todorova v. Bulgaria; Rajkowska v. Poland (dec))؛ ارائه خدمات اضطراری (Furdik v. Slovakia (dec))؛ یا در زمینه ی عملیات غواصی در دریاها عمیق (Vilnes and Others v. Norway)؛

_ در زمینه مراقبت های پزشکی و کمک های اعطاء شده به افراد آسیب پذیری که در مراکز دولتی نگهداری می شوند (Nencheva and Others v. Bulgaria)؛
 _ در خصوص ناتوانی دولت در زمینه پاکسازی مناسب مناطقی که توسط ارتش مین گذاری شده است (Pasa and Erkan Erol v. Turkey)؛
 _ در خصوص واکنش فوری به شرایط و اوضاع و احوال تهدیدکننده زندگی فرد مفقود شده (Dodov v. Bulgaria; Osmanoglu v. Turkey)؛
 _ در زمینه مراقبت های پزشکی و کمک های اعطاء شده به افراد آسیب پذیری که در مراکز دولتی نگهداری می شوند (Dumpe v. Latvia (dec); Central For Legal Resources on Behalf of Valentin Campeanu v. Romania [GC]; v. Bulgaria)؛

در خصوص ناتوانی دولت در زمینه پاکسازی مناسب مناطقی که توسط ارتش مین گذاری شده است (Pasa and Erkan Erol v. Turkey)؛
 _ در زمینه ایمن سازی و نظارت بر مناطق جنگی که دارای مهمات عمل نکرده می باشند (Oruk v. Turkey)؛ و در خصوص واکنش فوری به شرایط و اوضاع و احوال تهدیدکننده زندگی فرد مفقود شده (Dodov v. Bulgaria; Osmanoglu v. Turkey)؛

13. در موردی که شوهر خواهان پس از برخورد به یک درخت در یک مرکز بهداشتی درمانی فوت می کند، دادگاه استراسبورگ مقرر می دارد که وظیفه دولت در تضمین حق حیات به اتخاذ اقدامات و تدابیر معقولانه بمنظور تامین ایمنی افراد در اماکن عمومی گسترش می یابد (Ciechonska v. Poland, § 67).

14. با این حال، دادگاه استراسبورگ، بارها تاکید نموده است که ماده 2 این کنوانسیون را نمی توان بعنوان تضمین کننده امنیت کامل هر فردی در هر فعالیتی که در آن حق حیاتش ممکن است در خطر باشد، تفسیر نمود، به ویژه در مواردی که شخص مربوطه به دلیل آنکه خودش را در معرض یک خطر غیر قابل توجیه قرار داده است، خود نیز تا حدی دارای مسئولیت باشد (Molie v. Romania (dec), § 44)؛ (Koseva v. Bulgaria (dec))؛ (Cakmar v. Turkey (dec); Gokdemir v. Turkey (dec), § 17).

ج) حمایت از حق حیات در زمینه های مختلف

15. همانطور که در بالا ذکر شد، تعهدات مثبت دولت ها در زمینه های مختلفی مطرح می شود که برخی از آنها در ذیل ذکر شده است.

1. حمایت از اشخاص در برابر اعمال قوه قهریه مهلك توسط عوامل غير دولتی

16. دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که ماده 2 این کنوانسیون در برخی شرایط کاملا مشخص به طور تلویحی اشاره به یک تعهد مثبت مقامات در اتخاذ تدابیر پیشگیرانه عملیاتی در حمایت از زندگی افرادی دارد که خود در معرض اقدامات مجرمانه شخص دیگری می باشند (*Osman v. the United Kingdom*, § 50؛ *Branko Tomasic and Others v. Croatia*, § 115).

17. با این حال، با توجه به مشکلات مربوط به سیاست گذاری در جوامع مدرن، غیرقابل پیش بینی بودن رفتار انسان و گزینه های عملیاتی که لازم است با توجه به اولویت ها و منابع صورت گیرد، چنین تعهدی می بایست به گونه ای تفسیر شود که بار نامتناسب و غیرممکنی بر مقامات تحمیل ننماید. بر این اساس، از نظر دادگاه استراسبورگ هر خطر مورد ادعا نسبت به جان یک فرد را نمی توان به موجب الزامات کنوانسیون مستلزم اتخاذ تدابیر عملیاتی توسط مقامات جهت جلوگیری از تحقق آن خطر دانست (*Osman v. the United Kingdom*, § 116؛ *Choreftakis and Choreftaki v. Greece*, § 46).

18. در این راستا، دادگاه استراسبورگ ضرورت تضمین این مهم را مورد توجه قرار می دهد که پلیس می بایست اختیارات خود را برای کنترل و جلوگیری از ارتکاب جرم به شیوه ای بکار برد که فرایندهای مقتضی و سایر ضمانت هایی را که به طور مشروع محدودیت هایی بر گستره اقدامات آنان در انجام تحقیقات راجع به جرم و حاضر نمودن متهمان نزد دادگاه مقرر می دارد مطابق با مفاد مواد 2، 5 و 8 این کنوانسیون رعایت شود (*Osman v. the United Kingdom*, § 116).

19. به منظور تحقق تعهدی مثبت می بایست اثبات گردد که مقامات در آن زمان از وجود یک خطر واقعی و فوری ناشی از اقدامات مجرمانه یک شخص ثالث برای زندگی فرد و یا افراد مشخص آگاهی داشته اند و یا می بایست آگاهی می داشتند و اینکه آنها نتوانستند در حدود اختیاراتشان اقدامات لازمی را که منطقی از آنان انتظار می رود به منظور جلوگیری از آن خطر بعمل آورند (*Mastromatteo v. Italy* [GC], § 68؛ *Paul and Audrey Edwards v. the United Kingdom*, § 55).

20. در این رابطه، دادگاه استراسبورگ تاکید کرده است که وظیفه اتخاذ اقدامات عملیاتی پیشگیرانه بموجب ماده 2 نوعی تعهد به وسیله است نه تعهد به نتیجه. بنابراین، در شرایطی که مقامات ذیصلاح متوجه خطر واقعی و فوری برای جان کسی شده باشند که تعهد به اقدام از سوی آنها را می طلبد و اینکه آنان با اتخاذ تدابیر مقتضی در چارچوب اختیارات خود به خطر مزبور بمنظور جلوگیری از تحقق آن واکنش نشان داده باشند، این واقعیت را که چنین اقداماتی ممکن است با این وجود به نتیجه مطلوب نرسد به خودی خود قادر به توجیه احراز یک تخلف نمی نماید. از سوی دیگر، دادگاه استراسبورگ اظهار می دارد که در این زمینه، ارزیابی ماهیت و میزان خطر بخش جدایی ناپذیر از وظیفه انجام اقدامات عملیاتی پیشگیرانه در موارد وجود یک خطر محسوب می شود. بنابراین، بررسی پایبندی و تبعیت دولت به این وظیفه بموجب مفاد ماده 2 می بایست شامل تجزیه و تحلیلی از هم کفایت ارزیابی خطر ایجاد شده توسط مقامات داخلی باشد و هم کفایت اقدامات پیشگیرانه اتخاذ شده در مواردی که خطر مربوطه باعث اقدام به وظیفه ای که ایجاد نموده و یا می بایست ایجاب نماید، باشد (*Kurt v. Austria* [GC], § 160).

21. برای دادگاه استراسبورگ کافی است خواهان نشان دهد که مقامات تمام آنچه که از آنها انتظار منطقی می رفت تا در جلوگیری و رفع خطرات واقعی و فوری که از آن اطلاع داشته اند و یا می بایست می داشتند، بعمل نیاورده اند. به نظر دادگاه استراسبورگ به این سوال صرفا با توجه به شرایط و اوضاع و احوال پرونده تحت بررسی می توان پاسخ داد (*Osman v. the United Kingdom*, § 116). علاوه بر این، این دادگاه می بایست در مورد بررسی مجدد وقایع با نگاه به گذشته محتاط باشد. این بدان معنی است که یک مورد مشخص که در آن یک خطر واقعی و فوری تحقق یافته است می بایست از نقطه نظر آنچه در زمان مربوطه برای مقامات ذیصلاح شناخته شده بود ارزیابی شود (*Kurt v. Austria* [GC], § 160).

22. چنانچه نظر دادگاه استراسبورگ بر این باشد که اثبات نگردیده است مقامات در زمان مربوطه از وجود خطری که هم واقعی و هم فوری بوده آگاهی داشته اند و یا می بایست می داشتند، در این صورت، هیچ تعهدی برای دولت در خصوص انجام اقدامات عملیاتی پیشگیرانه در این زمینه ایجاد نمی شود (*Kurt v. Austria* [GC], § 211؛ همچنین مراجعه کنید به *Derenik Mkrtychyan and Gayane Mkrtychyan v. Armenia*, §§ 59-60. در خصوص مرگ یک کودک ده ساله با سابقه بیماری که در جریان یک دعوا با همسالانش در کلاس درس، در حالی که معلم غیبت داشت، روی داده بود و *Fernandes de Oliveira v. Portugal* [GC], §§ 131-132).

23. این دادگاه دولت هایی را که پیشاپیش متعهد به اتخاذ تدابیر عملیاتی پیشگیرانه در حمایت از یک یا چند فرد معین بعنوان اهداف بالقوه یک اقدام مهلك می باشند، در زمینه هایی نظیر موارد ذیل مورد بررسی قرار داده است:

_ قتل یک زندانی (Paul and Audrey Edwards v. the United Kingdom, § 57):

_ خشونت خانگی (Tkheldidze v. Georgia, § 57; Opuz v. Turkey, § 129; Branko Tomasic and Others v. Croatia, §§ 52-53):

_ حمایت از شهود در رسیدگی کیفری (A and B v. Romania, § 118; Van Colle v. the United Kingdom):

_ کشتن افراد غیرنظامی در منطقه درگیری (Mahmut Kaya v. Turkey, § 88; Kilic v. Turkey, § 63):

_ قتل یک سرباز وظیفه در دوران خدمت نظامی (سربازی) (Yabansu and Others v. Turkey, § 91):

_ ربودن یک فرد (Olewnik-Cieplinska and Olewnik v. Poland, § 125).

24. این دادگاه همچنین اصول فوق الذکر را در پرونده هایی که تعهد به انجام حمایت کلی نسبت به جامعه در برخی زمینه های خاص مطرح شده است نظیر موارد ذیل نیز اعمال کرده است:

_ قتل ارتكابی توسط محکومین به زندان که در مرخصی هستند یا تحت نظام نیمه آزادی قرار دارند (Mastromatteo v. Italy [GC], § 69):

_ قتل توسط قاتلین محکومی که پس از اعطای آزادی مشروط به آنها واقع می شود (Choreftakis and Choreftaki v. Greece, §§ 48-49):

_ قتل توسط مامور پلیس در خارج از زمان انجام وظیفه (Gorovenky and Bugara v. Ukraine, § 32):

_ قتل وکیل توسط شوهر موکلش که بیماری روانی داشت (Bljakaj and Others v. Croatia, § 121):

_ قتل های صورت گرفته در جریان گروگانگیری های گسترده توسط تروریست ها (Tagayeva and Others v. Russia, §§ 482-492) از سوی دیگر (Finogenov and Others v. Russia (dec), § 173).

25. در یک مورد اخیر، مقامات بطور پیشگیرانه اقدام به مصادره اسلحه ی یک دانش آموز نکردند، در حالیکه پست های اینترنتی او قبل از ارتكاب قتل در مدرسه، اگرچه حاوی تهدید خاصی نبود، لیکن در مورد آمادگی او برای نگهداری ایمن و بی خطر آن اسلحه تردید ایجاد می نمود. بنابراین، دادگاه استراسبورگ بر این واقعیت تاکید کرده است که استفاده از سلاح گرم مستلزم سطح بالایی از خطر ذاتی برای جان افراد است و در نتیجه دولت می بایست سیستمی از ضمانت های کافی و موثر جهت مقابله و جلوگیری از هر گونه استفاده خطرناک و نادرست از چنین سلاح هایی ایجاد کرده و به طور جدی اعمال نماید (Kotilainen and Others v. Finland, § 88).

26. در پرونده Ribcheva and Others v. Bulgaria که مربوط به مرگ یک افسر مجری قانون طی یک عملیات برنامه ریزی شده می باشد، دادگاه استراسبورگ بر این باور است که مقامات به هنگام تصمیم گیری برای مشارکت دادن خواهان ها (افسران) در این عملیات، هر یک در جایگاه خودش بعنوان یک افسر متخصص که وظیفه برخورد با افراد خطرناک را دارند، می بایست در چارچوب یک تعهد مثبت تا آنچه را که معقولانه از آنها انتظار می رود برای محافظت از آن افسران در برابر خطرات احتمالی نظیر چنین عملیاتی انجام دهند. در این رابطه، این دادگاه با استناد به رویه قضایی مقرر خود تاکید نمود که معیار عقلانیت در رابطه با این تعهد مثبت بموجب پاراگراف اول ماده 2 به اندازه تعهد منفی بموجب پاراگراف دوم ماده 2 در خصوص خودداری از توسل بیش از حد به قوه قهریه، سختگیرانه نمی باشد (اعمال کاملا متناسب قوه قهریه بدون هر گونه حاشیه صلاحدید). در عوض، گستره و محتوای تعهد مثبت عملیاتی مورد بحث، می بایست به گونه ای تعریف می شد که با توجه به انتخاب هایی که مقامات بموجب اولویت ها و منابع با آن مواجه هستند و با توجه به غیرقابل پیش بینی بودن رفتار انسانی، بار غیر ممکن یا نامتناسبی را بر دوش آنان تحمیل ننماید § 165. بر اساس اطلاعات مندرج در پرونده، دادگاه استراسبورگ دریافت در حالیکه مقامات در برنامه ریزی و اجرای این عملیات مرتکب اشتباه شده اند، با این حال، اقداماتی که آنها برای به حداقل رساندن خطر برای جان افسر اتخاذ نموده بودند، معقول بوده است § 180.

2. حمایت از اشخاص در برابر آسیب به خود

27. دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که ماده 2 ممکن است در برخی شرایط کاملا مشخص به تعهدات مثبت از سوی مقامات در اتخاذ تدابیر پیشگیرانه عملیاتی در جهت حفاظت از جان افراد از آسیب هایی که ممکن است به خود وارد سازند، دلالت نماید (Renolde v. France, § 81).

28. به ویژه، افراد بازداشت شده در وضعیت آسیب پذیری قرار دارند و مقامات می بایست حمایت و حفاظت از آنها را بر عهده بگیرند (Keenan v. the United Kingdom, § 91). به همین ترتیب، مقامات زندان می بایست وظایف خود را به شیوه ای سازگار و مطابق با حقوق و آزادی های آن افراد انجام دهند. تدابیر و اقدامات احتیاطی کلی به منظور کاهش و از بین بردن فرصت های آسیب به خود وجود دارد که استقلال شخصی افراد را نیز نقض نمی نماید. اینکه آیا اقدامات سختگیرانه تری در خصوص زندانیان ضروری می باشد یا خیر و اینکه آیا منطقی است که چنین اقداماتی نسبت به زندانیان اعمال شود همگی بستگی به شرایط و اوضاع و احوال پرونده مورد بررسی دارد (Renolde v. France, § 83).

29. به همین ترتیب، در خصوص افرادی که خدمت نظامی را انجام می دهند، این دادگاه تاکید کرده است که همانند افراد در بازداشت، سربازان وظیفه و نظامیان قراردادی که شرایط زندگی و خدمت آنان با سربازان وظیفه مطابقت دارد، تحت کنترل انحصاری مقامات دولتی هستند و اینکه این مقامات وظیفه محافظت از آنان را برعهده دارند (Beker v. Turkey, §§ 41-42; mosendz v. Ukraine, § 92; Boychenko v. Russia, § 80).

30. اشخاص دارای معلولیت ذهنی، گروه آسیب پذیری به شمار می آیند که لازم است از آنان در برابر آسیب به خودشان محافظت شود (Renolde (S.F. v. Switzerland, § 78; France, § 84).

31. به ویژه، این مقامات وظیفه عملیاتی کلی جهت اتخاذ اقداماتی معقول بمنظور جلوگیری از آسیب یک شخص به خود، صرف نظر از اینکه بستری شدن داوطلبانه یا غیر ارادی باشد، بر عهده دارند. در این رابطه، اقدامات خاص مورد لزوم به شرایط و اوضاع و احوال خاص هر پرونده بستگی دارد و آن شرایط خاص اغلب بسته به اینکه بیمار به طور داوطلبانه یا غیر ارادی بستری شده باشد، متفاوت خواهد بود. با این حال، در مورد بیمارانی که در پی دستور قضایی و در نتیجه بطور غیر ارادی بستری می شوند، دادگاه استراسبورگ ممکن است به هنگام ارزیابی خود در این خصوص، معیارهای دقیق تر و سختگیرانه تری را اعمال نماید (Fernandes de Oliveira v. Portugal [GC], § 124).

32. در نهایت، به منظور تحقق یک تعهد مثبت در مواردی که خطر ایجاد شده برای یک شخص ناشی از آسیب به خود نظیر خودکشی در زندان یا در بیمارستان روانی باشد، می بایست معلوم شود که مقامات در آن زمان از وجود خطر واقعی و فوری نسبت به جان یک شخص معین آگاهی داشته و یا می بایست می داشتند و اگر چنین باشد، می بایست اثبات گردد که آن مقامات نتوانستند در حدود اختیاراتشان به شیوه منطقی و متعارف اقدامات مقتضی را که از آنان برای جلوگیری و رفع آن خطر انتظار می رفت بعمل آورند (Younger v. the United Kingdom (dec); Fernandes de Oliveira v. Portugal [GC], § 110).

33. به منظور تعیین اینکه آیا مقامات می دانستند و یا می بایست می دانستند که جان یک فرد معین در معرض خطر واقعی و فوری قرار دارد که موجب اتخاذ اقدامات پیشگیرانه مناسب می باشد، دادگاه استراسبورگ تعدادی از عوامل را مورد توجه قرار می دهد، از جمله الف) آیا فرد سابقه مشکلات روانی داشته است یا خیر؛ ب) شدت این وضعیت روانی؛ ج) تلاش های قبلی برای خودکشی یا آسیب به خود؛ د) قصد یا تهدید به خودکشی و ه) علائم پریشانی جسمی یا روانی (Fernandes de Oliveira v. Portugal [GC], § 115 و Boychenko v. Russia, § 80).

34. علاوه براین، این دادگاه مجدداً تاکید می نماید که تعهد به حمایت از سلامتی و بهداشت افراد در بازداشت به طور آشکاری شامل تعهد به محافظت از زندگی این افراد در مقابل خطرات قابل پیش بینی نیز می باشد (Eremiasova and Pechova v. The Czech Republic; Keller v. Russia, § 88 (revision)).

35. تعهد به اتخاذ اقدامات عملیاتی پیشگیرانه تاکنون به طور عمده در زمینه های زیر مطرح شده است:

_ بازداشت در بازداشتگاه یا زندان (Ketreb v. De Donder and De Clippel v. Belgium; Akdogdu v. Turkey; Trubnikov v. Russia)

_ (S.F. v. Switzerland; Keller v. Russia; Mitic v. Serbia; Volk v. Slovenia; France)

_ خدمت نظامی اجباری (Malik Babayev v. Perevedentsev v. Russia; ataman v. Turkey; Kilinc and Others v. Turkey)

_ (Boychenko v. Russia) یا خدمت نظامی قراردادی.

_ مراقبت های روانپزشکی داوطلبانه/غیر داوطلبانه (Fernandes de Oliveira v. Portugal [GC]; Reynolds v. the United Kingdom)

_ Hiller v. Austria.

36. در پرونده ای که همسر خواهان در اعتراض به اخراج اجباری از کشور، خود را به آتش کشید، دادگاه استراسبورگ مقرر داشت در شرایطی که یک فرد آشکارا در انتظار مامورین دولتی تهدید به گرفتن جان خود می کند و علاوه براین، در مواردی که این تهدید یک واکنش عاطفی مستقیمی باشد که به خاطر اقدامات یا درخواست های مقامات دولتی بوجود آمده است، مقامات دولتی می بایست با نهایت جدیت نسبت به این تهدید که موجب به خطر انداختن جان یک فرد می باشد رفتار کنند، بدون در نظرگرفتن اینکه این خطر چقدر ممکن است دور از انتظار باشد. در چنین شرایطی، چنانچه مقامات دولتی از قبل به اندازه کافی از چنین تهدیدی آگاه بوده باشند، تعهدی مثبت به موجب ماده 2 مطرح می گردد که آن مقامات را به هر وسیله ای که در آن اوضاع و احوال، معقول و عملی می باشد ملزم به جلوگیری از تحقق آن خطر می نماید (Mikayil Mammadov v. Azerbaijan, § 115).

3. حمایت از اشخاص در برابر فجایع زیست محیطی و صنعتی

37. دادگاه استراسبورگ در زمینه فعالیت های صنعتی که اساسا بخاطر ماهیتشان آنها را خطرناک تلقی می نماید، توجه ویژه ای به مقررات مرتبط با ویژگی های خاص آن فعالیت ها معطوف داشته است، بویژه در خصوص میزان خطر بالقوه برای حیات بشر. بنابراین، دادگاه استراسبورگ بر این باور است که این مقررات می بایست ناظر بر صدور مجوز و اعتبار، نصب و تاسیس، بهره برداری و ایمنی و نظارت بر آن فعالیت ها باشد و برای همه افراد مسئول، اتخاذ اقدامات عملی و مفید در جهت تامین و حفاظت موثر از جان شهروندانی که در معرض خطر حتمی هستند، اجباری گردد.

38. در میان این تدابیر پیشگیرانه، می بایست توجه خاصی بر حق اطلاع رسانی و آگاهی مردم معطوف شود و آنگونه که در روبه قضایی این کنوانسیون مقرر شده است نهادها و مقررات مربوطه همچنین می بایست رویه های شکلی مقتضی و مناسبی با توجه به جنبه های تخصصی فعالیت های مورد بحث مقرر دارند و همچنین می بایست اقدام به تعیین و شناسایی کمبودها و نواقص موجود در فرایندهای مربوطه و تعیین تعهد افراد مسئول در سطوح مختلف، نمایند (90) § [GC], *Oneryildiz v. Turkey*; § 132 *Budayeva and Others v. Russia*; *Kolyadenko and Others v. Russia*, § 159).

39. در خصوص اختیارات راجع به انتخاب نوع اقدامات عملی خاص، دادگاه استراسبورگ به طور پیوسته تصریح نموده است در مواردی که دولت ها ملزم به اتخاذ اقدامات مثبت می باشند انتخاب گزینه های عملیاتی در این خصوص اساسا به عنوان موضوعی می باشد که در حاشیه اختیارات صلاحیددی دولت متعاقد قرار می گیرد. راههای مختلفی در این خصوص برای تضمین حقوق مندرج در این کنوانسیون وجود دارد و حتی چنانچه دولت ها قادر به اعمال تدابیر خاص مندرج در قوانین داخلی خود نباشند باز هم این امکان وجود دارد که از طریق ابزارها و طرق دیگر، تعهد مثبت خود را عملی سازند. در این خصوص نمی بایست بار نامتناسب و غیرممکنی را بر مقامات تحمیل نمود، بدون آنکه به اختیارات عملیاتی که آنها می بایست با توجه به اولویت ها و منابع خود اتخاذ نمایند، توجه شود. این نتایج همانگونه که دادگاه استراسبورگ قبلا نیز مقرر داشته بود ناشی از حاشیه اختیارات صلاحیددی دولت ها در حوزه های اجتماعی و تخصصی مختلف می باشد (134-135) § *Budayeva and Others v. Russia*; § 220 *Brincat and Others v. Malta*; § 101 *Vilnes and Others v. Norway*).

40. به منظور ارزیابی راجع به اینکه آیا دولت خوانده به تعهدات مثبت خود عمل کرده است یا خیر؟ دادگاه استراسبورگ می بایست شرایط و اوضاع و احوال خاص هر پرونده را مورد بررسی قرار دهد. در میان سایر مولفه ها توجه می بایست به قانونی بودن افعال و ترک فعل های مقامات، فرایند تصمیم گیری های داخلی از جمله تحقیقات و بررسی های مقتضی و پیچیدگی موضوعات به ویژه در مواقعی که این موارد با منافع کنوانسیون در تعارض واقع شود- معطوف گردد. دامنه تعهدات مثبت قابل انتساب به دولت ها در اوضاع و احوال خاص مبتنی بر منشاء و خاستگاه تهدید و همچنین گستره ای که در آن یک خطر و یا سایر خطرها مستعد کاهش یافتن هستند- می باشد (-136) § *Budayeva and Others v. Russia*; § 137, 161 *Kolyadenko and Others v. Russia*).

41. هر گاه یک دولت، سازماندهی یا انجام فعالیت های خطرناک را متقبل شود یا آن فعالیت ها را مجاز سازد، آن دولت می بایست از طریق نظامی از قواعد و مقررات و از طریق نظارت کافی تضمین نماید که این خطرات به حداقل معقولی کاهش می یابد (126) § *Mucibabic v. Serbia*). با این وجود، چنانچه خسارات ایجاد شود، این صرفا منجر به نقض تعهدات مثبت دولت خواهد شد، به شرطی که این خسارات و نقض تعهدات به دلیل فقدان قواعد و مقررات یا نظارت کافی باشد، در غیر این صورت، چنانچه این خسارات به دلیل رفتار سهل انگارانه خود فرد یا یک سلسله از رویدادهای ناگوار باشد، نقض تعهدات دولت تلقی نخواهد شد (61) § *Stoyanovi v. Bulgaria*).

42. اطلاعات دقیق تر را می توان در راهنمایی بر روبه قضایی راجع به محیط زیست یافت.

4. حمایت از اشخاص در زمینه مراقبت های بهداشتی درمانی

الف. عموم مردم

43. در زمینه مراقبت های بهداشتی درمانی، این تعهدات مثبت، دولت ها را ملزم می سازد تا با وضع قوانین و مقرراتی بیمارستان ها را اعم از خصوصی یا دولتی در اتخاذ اقداماتی مقتضی و مناسب در حفاظت از جان بیمارانشان مکلف نماید (49) § [GC], *Calvelli and Ciglio v. Italy*; Vo § 89 *France* [GC], § 166 *Lopes de Sousa Fernandes v. Portugal* [GC]).

44. در این رابطه، تعهد دولت ها در مقررات گذاری می بایست به معنای موسع تری که شامل وظیفه دولت ها در تضمین عملکرد موثر ساختار آن قوانین و مقررات نیز می باشد، درک و تفسیر نمود. بنابراین، وظایف مقررات گذاری شامل اقدامات ضروری در تضمین از جمله نظارت و اجرای آن قوانین و مقررات می باشد (190) § [GC], *Lopes de Sousa Fernandes v. Portugal*).

45. با این حال، این سوال که آیا دولت در انجام وظایف نظارتی خود شکست خورده است یا خیر؟، مستلزم ارزیابی دقیق راجع به نقص های مورد ادعا به جای موارد ذهنی و انتزاعی می باشد. بنابراین، صرف این واقعیت که ساختار نظارتی ممکن است از بعضی جهات ناقص باشد به خودی خود برای مطرح نمودن موضوع نقض حقوق خواهان به موجب ماده 2 این کنوانسیون کافی نمی باشد؛ چرا که می بایست اثبات گردد که عملکرد این ساختار به ضرر بیمار بوده است (Lopes de Sousa Fernandes v. Portugal [GC], § 188).

46. دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که حتی در مواردی که غفلت و سهل انگاری پزشکی احراز شده باشد، این دادگاه معمولاً در صورتی رای به نقض ماده 2 می دهد که ساختار نظارتی مربوطه در بیمارستان در تامین حمایت مناسب از جان بیماران ناتوان بوده باشد (Lopes de Sousa Fernandes v. Portugal [GC], § 187). در این ارتباط، دادگاه استراسبورگ مقرر می دارد در مواردی که دولت متعهد برای تضمین معیارهای عالی حرفه ای در میان متخصصان بهداشت و درمان و حمایت از جان بیماران اقدام به وضع مقررات کافی نموده باشد، موضوعاتی نظیر خطا در تصمیم گیری از سوی متخصصان بهداشت و درمان یا عدم هماهنگی بین این متخصصان به هنگام معالجه یک بیمار خاص همگی برای مسئول دانستن دولت متعهد از نقطه نظر تعهد به اتخاذ تدابیر مثبت برای حمایت از زندگی بیماران به موجب ماده 2 نمی توان کافی دانست (Powell v. the United Kingdom (dec); Dodov v. Bulgaria, § 82; kundra v. Croatia, § 102; Lopes de Sousa Fernandes v. Portugal [GC], § 187).

47. با این وجود، دادگاه استراسبورگ این احتمال و امکان را مستثنی نساخته است که اعمال و اقدامات و همچنین امتناع مقامات در زمینه سیاست گذاری های بهداشتی و درمانی ممکن است در برخی شرایط و اوضاع و احوال به موجب بخش اساسی و ماهیتی ماده 2 موجب ایجاد مسئولیت برای دولت های متعهد گردد (Powell v. the United Kingdom (dec)) و اینکه ممکن است این مسئله در راستای ماده 2 مطرح شود، بدین نحو که مقامات دولت متعهد زندگی یک فرد را از طریق نادیده گرفتن و امتناع از مراقبت های بهداشتی و درمانی که آنها پذیرفته اند در اختیار و در دسترس همگان قرار دهند- در معرض خطر قرار داده بودند (Cyprus v. Turkey [GC], § 219; Hristozov and Others v. Bulgaria, § 106).

48. در دو شرایط بسیار استثنایی، دادگاه استراسبورگ به موجب بخش ماهیتی ماده 2، مسئولیت دولت را در خصوص افعال و ترک فعل های راجع به ارائه دهندگان مراقبت های بهداشتی درمانی پذیرفته است: اولاً؛ در مواردی که زندگی یک شخص به طور آگاهانه به دلیل امتناع دولت از فراهم نمودن تسهیلات و عدم امکان دسترسی به مراقبت های بهداشتی درمانی اضطراری نجات دهنده بیماران از سوی دولت در معرض خطر قرار گرفته شده باشد (Mehmet Senturk and Bekir Senturk v. Turkey)، و دوماً؛ در مواردی که اختلال ساختاری و سیستماتیک در خدمات بیمارستانی ایجاد شده که منجر به محرومیت یک بیمار از دسترسی به درمان اضطراری نجات بخش گردیده است، این در حالی است که مقامات از این خطر آگاهی داشتند و یا می بایست آگاهی می داشتند و نتوانستند تدابیر ضروری برای جلوگیری از تحقق آن خطر اتخاذ نمایند. بنابراین، زندگی آن بیمار را در معرض خطر قرار داده بودند (Aydogdu v. Turkey).

49. از دیدگاه دادگاه استراسبورگ، به منظور احراز عدم تهیه تسهیلات درمان اضطراری نجات بخش و عدم دسترسی به آن از سوی دولت، می بایست مجموعه عوامل ذیل به صورت دسته جمعی محقق گردد:

اولاً، افعال و ترک فعل های ارائه دهندگان خدمات بهداشتی درمانی می بایست فراتر از صرف خطا یا سهل انگاری پزشکی باشد. بدین معنا که ارائه دهندگان این خدمات، با امتناع از درمان اضطراری یک بیمار علیرغم آگاهی کامل از اینکه جان آن بیمار ممکن است به خطر بیفتد، تعهدات پزشکی خود را نقض نموده باشند؛

ثانیاً، اختلال عملکردی مورد اعتراض می بایست به طور عینی و واقعی، به لحاظ سیستماتیک و ساختاری قابل شناسایی باشد تا بتوان این اختلال را به مقامات دولتی منتسب ساخت؛

ثالثاً: می بایست بین اختلال عملکردی و آسیب وارده رابطه ای وجود داشته باشد؛

نهایتاً، این اختلال می بایست ناشی از قصور دولت در انجام تعهداتش در ایجاد ساختار نظارتی در معنایی موسع تر باشد (Lopes de Sousa Fernandes v. Portugal [GC], §§ 191-196).

50. دادگاه استراسبورگ تعدادی از پرونده های مطرح شده در مورد سهل انگاری پزشکی و یا منع دسترسی به معالجه در بیمارستان را نظیر موارد ذیل مورد رسیدگی قرار داده است:

- تجویز دارو به کودکان معلول علیرغم مخالفت مادرشان (Glass v. the United Kingdom (dec));

- مرگ یک زن مسن به دلیل ابتلا به یک عفونت ریه (Sevim Gungor v. Turkey (dec));

- مرگ زن بارداری که از زخم و ورم مخاط روده ی بزرگ رنج می برد (Z v. Poland);

- مرگ در بیمارستان به دلیل عوارض ریوی و امتناع از اعلام رضایت جهت درمان (*Arskaya v. Ukraine*);

- مرگ زن باردار ناشی از امتناع پزشکان از انجام عمل فوری به دلیل عدم توانایی وی در پرداخت هزینه های پزشکی (*Mehmet Senturk and Bekir Senturk v. Turkey*);

- فوت نوزاد تازه متولد شده در آمبولانس پس از عدم پذیرش در تعدادی از بیمارستان های دولتی (*Asiye Genc v. Turkey*);

- مرگ بر اثر سکت قلبی ناشی از تجویز دارو (*Altug and Others v. Turkey*);

- مرگ پسر خواهان در بیمارستانی که در آن اقدامات پزشکی غیرمجاز توسط پزشکانی که فاقد مجوزها یا صلاحیت های قانونی لازم بودند، انجام شده بود (*Sarishvili-Bolkvadze v. Georgia*).

51. دادگاه استراسبورگ در تعدادی از پرونده ها به اتهامات راجع به عدم پذیرش و دسترسی به معالجات پزشکی به دلیل امتناع دولت از پرداخت کامل هزینه های درمانی معمول یک بیماری خاص رسیدگی نمود (*Nitecki v. Poland (dec)*; *Pentiacova and Others v. Moldova (dec)*; *Wiater v. Poland (dec)*; *Gheorghie v. Romania (dec)*).

52. در پرونده *Hirstozov and Others v. Bulgaria*، بیماران مبتلا به سرطان پیشرفته شکایت کردند که از دسترسی به یک داروی غیرمجاز آزمایشی منع شده اند. دادگاه استراسبورگ نیز اظهار داشت که در مقررات حاکم راجع به دسترسی به چنین محصولات پزشکی غیرمجاز، در شرایطی که اشکال معمول معالجات پزشکی به نظر ناکافی می رسد، تخلفی روی نداده است و مقرر داشت که ماده 2 این کنوانسیون را نمی توان به گونه ای تفسیر نمود که ضرورت دسترسی به داروهای غیر مجاز پزشکی برای بیمارانی که وضعیت بیماریشان در مرحله پیشرفته ای می باشد به شیوه ای خاص مقررات گذاری گردد § 108.

ب. اشخاص محروم از آزادی و اشخاص آسیب پذیر تحت مراقبت دولت ها

53. دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که حقوق همه زندانیان در شرایط بازداشت می بایست با شان و منزلت انسانی آنان سازگار باشد و به گونه ای تضمین گردد که شیوه و روش اجرای تدابیر تحمیل شده، آنها را در معرض پریشانی و سختی های شدید و غیرقابل تحمل قرار ندهد؛ علاوه بر سلامت و بهداشت زندانیان، می بایست با توجه به مطالبات حیاتی و اصلی آنان، راحتی و آسایش زندانیان در زندان نیز تضمین گردد (*Dzieciak v. Poland*, § 91).

54. دادگاه استراسبورگ اذعان می دارد که تسهیلات و امکانات پزشکی موجود در بیمارستان های زندان ممکن است همیشه مطابق با بهترین موسسات پزشکی برای عموم مردم نباشد. با این وجود، دولت ها می بایست اطمینان حاصل نمایند که سلامت و آسایش بازداشت شدگان با ارائه خدمات پزشکی لازم به آنها در کنار موارد دیگر به اندازه کافی تضمین شده است. مقامات نیز می بایست اطمینان حاصل نمایند که تشخیص ها و مراقبت ها سریع و دقیق می باشند و اینکه در صورتی که شرایط پزشکی ایجاب نماید، نظارت می بایست منظم و سیستماتیک و شامل راهکار درمانی جامع با هدف علاج بیماری های بازداشت شدگان یا جلوگیری از تشدید آنها باشد (*Pitalev v. Russia*, § 54). با این حال، این کنوانسیون را نمی توان بعنوان واضح یک تعهد کلی جهت آزادی زندانیان به دلایل جسمانی تفسیر نمود (*Dzieciak v. Poland*, § 91).

55. از آنجا که دولت مسئولیت مستقیم رفاه شخص محروم از آزادی را برعهده دارد، بنابراین در صورتی که چنین شخصی در نتیجه یک مشکل بهداشتی-پزشکی فوت کند، دولت می بایست توضیحی در مورد علت فوت و خدمات پزشکی ارائه شده به فرد مربوطه قبل از مرگ وی ارائه نماید (*Kats and Others v. Ukraine*, § 104; *Slimani v. France*, § 27).

56. دادگاه استراسبورگ در معالجات پزشکی انجام شده نسبت به اشخاص محروم از آزادی، تقصیر را در موارد ذیل نیز احراز نموده است:

- هنگامی که مقامات با وجود آگاهی کامل از مشکلات جسمانی یک محکوم مبتلا به بیماری های مزمن، نتوانستند به درستی معاینه و خدمات پزشکی به وی ارائه نمایند. محکوم با تاخیر به بیمارستان منتقل شد و جراحی به روی وی ناقص و به درستی انجام نگردید و در نهایت از بیمارستان مرخص شد، علیرغم اینکه پزشکان آگاهی داشتند که او به عمل جراحی فوری بیشتری به دلیل عوارض بعد آن عمل نیاز دارد، آنها همچنین جزئیات مهمی در مورد عمل جراحی وی و عوارض پس از آن را نادیده گرفتند. کارکنان بیمارستان زندان به جای یک مورد اورژانسی، با وی بعنوان یک بیمار معمولی بعد از عمل برخورد کردند که نتیجه آن انجام دیر هنگام عمل جراحی بود، علاوه بر این، بیمارستان زندان به اندازه کافی برای مواجهه با خونریزی شدید مجهز نبوده است (*Tariyeva v. Russia*, §§ 88-89).

- عدم همکاری و هماهنگی بین مقامات مختلف دولتی؛ عدم انتقال خواهان به بیمارستان برای دو عمل برنامه ریزی شده؛ عدم اطلاع رسانی کافی و سریع به دادگاه رسیدگی کننده در مورد وضعیت بهداشتی و درمانی شخص خواهان؛ عدم اطمینان از دسترسی او به پزشک در روزهای پایانی زندگی اش؛ عدم توجه به سلامتی وی به هنگام تمدید خودکار بازداشت او همگی در این میان وجود داشته است (*Dzieciak v. Poland*, § 101).

- عدم مراقبت پزشکی با توجه به اینکه شخص مبتلا به HIV مثبت از بیماری های جدی متعددی رنج می برد، امتناع از انتقال وی به یک مرکز پزشکی و امتناع از بررسی درخواست آزادی او به طور فوری در حالی که شرایط وی به طور جدی رو به وخامت گذاشته و متعاقباً آزادی دیر هنگام وی در آن زمان، موجب فوت نامبرده به دلیل بیماری های مرتبط با HIV می شود (Kats and Others v. Ukraine, §§ 105-112).

- معالجات انجام شده بروی اولین خواهان که از سل مقاوم به چند دارو رنج می برد، ناقص بود؛ چرا که تشخیص و درمان وی با داروهای درجه دوم دیر موقع بوده و کادر پزشکی نیز تخصص لازم را در زمینه مدیریت بیماری وی نداشته است (Makharadze and Sikharulidze v. Georgia, §§ 90-93).

57. دادگاه استراسبورگ در مورد معالجات پزشکی اشخاص آسیب پذیر تحت مراقبت دولت، رویکرد مشابهی اتخاذ نموده است؛ بطور مثال، در مواقعی که مقامات داخلی علیرغم آگاهی از شرایط وحشتناکی که بعداً منجر به فوت افرادی گردید که در خانه های مراقبت اجتماعی و بیمارستان قرار داشتند، با این وجود، بطور غیرمنطقی جان این افراد را به خطر انداخته بودند. به ویژه در پرونده Centre for Legal Resource on behalf of Valentin Campeanu v. Romania [GC], §§ 133 and 143-144 راجع به جوان دارای HIV مثبت که از یک ناتوانی ذهنی رنج می برد و به دلیل فقدان مراقبت کافی از جمله مراقبت های پزشکی در بیمارستان روانی فوت می کند، بر عکس آن، در پرونده Dump v. Latvia (dec), §§ 56 and 57، که مربوط است به اتهامات سهل انگاری پزشکی در مراقبت از پسر خواهان که در یک موسسه دولتی مراقبت اجتماعی نگهداری می شد و از چندین بیماری جدی رنج می برد.

5. حمایت از اشخاص در زمینه حوادث

58. دادگاه استراسبورگ تصریح نموده است که تعهدات مثبت موضوع ماده 2 ایجاب می کند که دولت ها مقررات مربوط به حمایت از امنیت مردم در اماکن عمومی را تصویب نمایند و عملکرد موثر ساختار نظارتی بموجب آن مقررات را تضمین نمایند (Ciechonska v. Poland, § 69; Banel v. Lithuania, § 68).

59. از این نظر، نمی توان نادیده گرفت که در شرایط خاص، افعال و ترک فعل های مقامات در زمینه سیاست های تضمین ایمنی در اماکن عمومی می تواند موجبات مسئولیت آن ها را بموجب بخش ماهیتی ماده 2 کنوانسیون محقق سازد. با این وجود، در مواردی که یک دولت متعاهد، مقررات و چارچوب قوانینی کلی متناسب با زمینه های مختلف در رابطه با اماکن عمومی بمنظور حمایت از افرادی که از آنها استفاده می کنند، اتخاذ کرده باشد، دادگاه استراسبورگ نمی تواند بپذیرد که مسائلی مانند اشتباه در برداشت از سوی یک فرد عادی یا هماهنگی سهل انگارانه میان متخصصان، اعم از دولتی یا خصوصی، به خودی خود بتواند برای پاسخگویی یک دولت متعاهد از نقطه نظر تعهد مثبتش بموجب ماده 2 کنوانسیون جهت حمایت از جان افراد، کافی باشد (Marius Alexandru and Marinela Stefan v. Romania, § 100; Smiljanic v. Croatia, § 70).

60. دادگاه استراسبورگ علاوه بر این تاکید نمود که این تعهدات مثبت نمی بایست به گونه ای تفسیر شوند که بار (مسئولیت) بیش از حدی را بر مقامات تحمیل نماید، به ویژه با در نظر گرفتن غیرقابل پیش بینی بودن رفتار انسانی و انتخاب های عملیاتی که می بایست بر اساس اولویت ها و منابع اتخاذ شوند (Ciechonska v. Poland, § 64; Marius Alexandru and Marinela Stefan v. Romania, § 100).

61. علاوه بر این، این دادگاه یادآور شد که انتخاب وسیله و یا روشهایی برای تضمین تعهدات مثبت بموجب ماده 2 در اصل موضوعی است که در حاشیه اختیارات صلاحیددی دولت ها قرار می گیرد. در واقع، راههای مختلفی برای تضمین حقوق مندرج در کنوانسیون وجود دارد، حتی اگر دولت ها در اعمال یک اقدام خاص مقرر شده توسط قوانین داخلی خود ناکام شوند، همچنان ممکن است بتوانند با روش های دیگر به تعهدات مثبت خود عمل نمایند (Ciechonska v. Poland, § 65; Marius Alexandru and Marinela Stefan v. Romania, § 102).

62. در نهایت، این سوال که آیا دولت در انجام وظایف نظارتی و مقررات گذاری خود کوتاهی کرده است یا خیر؟، مستلزم ارزیابی عینی نه انتزاعی راجع به این کاستی های مورد ادعا می باشد (Marius Alexandru and Marinela Stefan v. Romania, § 103 and Smiljanic v. Croatia, § 72).

63. در زمینه فعالیت هایی که به دلیل ماهیت ذاتاً خطرناک آن ها ممکن است زندگی انسان ها به خطر بیفتند، مانند فعالیت های انجام شده در کارگاه های ساختمانی، دولت ها موظفند اقدامات معقولی را برای تضمین ایمنی افراد در صورت لزوم از جمله از طریق اعمال مقررات متناسب با ویژگی های خاص یک فعالیت اتخاذ نمایند (Cevrioglu v. Turkey, § 57). به طور خاص، در فقدان اقدامات ایمنی احتیاطی ضروری، هر گونه محل ساخت و ساز، به ویژه در مناطق مسکونی، امکان وقوع حوادث خطرناک جانی وجود دارد که ممکن است نه تنها کارگران حرفه ای ساختمانی که بیشتر با خطرات احتمالی آشنا هستند، مورد تهدید قرار دهد، بلکه همچنین نسبت به عموم مردم از جمله گروه های آسیب پذیر مانند کودکان که به راحتی ممکن است در معرض این خطرات قرار گیرند نیز حادثه ساز گردد (Zinatullin v. Russia, § 28).

64. در پرونده مربوط به ادعاهای راجع به قصور در اجرای ساختار نظارتی و مقررات گذاری در زمینه ایمنی راهها، دادگاه استراسبورگ تاکید نمود که تعهدات مثبت در این زمینه، در وهله اول، مستلزم تعهد به ایجاد مجموعه ای مناسب از اقدامات پیشگیرانه می باشد، اقداماتی که برای تضمین ایمنی عمومی و به حداقل رساندن تعداد تصادفات جاده ای و ثانیاً بمنظور تضمین عملکرد موثر آن اقدامات در عمل انجام می شود ([Smiljanic v. Croatia](#), § 69).

65. دادگاه استراسبورگ تصریح نموده است که دولت خوانده در پرونده های ذیل در انجام وظیفه و تعهدات خود در زمینه حمایت از حق حیات قصور ورزیده است:

- پرونده راجع به کشته شدن دو نفر در یک تصادف راه آهن ([Kalender v. Turkey](#), § 49):

- پرونده راجع به فرزند خواهان که به هنگام بازی در بیرون خانه در اثر جراحات وارده ناشی از فروریختن بخشی از بالکن ساختمان خانه فوت می کند ([Banel v. Lithuania](#), § 69):

- پرونده راجع به پسر بچه ده ساله ی خواهان که پس از ناکامی از بیرون کشیدن وی از یک سوراخ پر از آب در یک محل ساخت و ساز فوت می کند ([Cevrioglu v. Turkey](#), § 72); و همچنین پرونده راجع به افتادن پدر خواهان به داخل چاه آسانسور ساختمانی که ساخت و ساز آن رها شده بود ([Binnur Uzun and Others v. Turkey](#), § 49):

- پرونده راجع به خواهانی که در یک تصادف رانندگی ناشی از تکرار تخلف رانندگی تحت تاثیر الکل کشته می شود ([Smiljanic v. Croatia](#), § 85).

66. در مقابل، دادگاه استراسبورگ هیچ گونه نقض انجام تعهدی از سوی دولت خوانده به موجب ماده 2 کنوانسیون در حمایت از حق حیات در پرونده های ذیل را احراز ننموده است:

- پرونده راجع به کارگری که در حین انجام کار بطور اتفاقی دیواری از یک ساختمان در حال تخریب بروی سر او ریخت و کشته شد ([Cecilia Pereira Henriques and Others v. Luxembourg](#) (dec)):

- پرونده راجع به عملیات اضطراری نجات در کوهستان ([Furdik v. Slovakia](#) (dec)):

- پرونده راجع به یک تصادف مرگبار در سالن ورزش مدرسه ([Molie v. Romania](#) (dec), § 47):

- پرونده راجع به جراحات تهدیدکننده جان خواهان ناشی از برخورد با یک قایق موتوری به هنگام شنا در یک منطقه شنا که مرزبندی نشده بود ([Cavit Tinarlioglu v. Turkey](#), § 107):

- پرونده راجع به یک تصادف رانندگی به دلیل سقوط درخت به روی خودروی خواهان ها در حین رانندگی در جاده اصلی ([Marius Alexandru and Marinela Stefan v. Romania](#), § 109):

- پرونده راجع به مرگ پسر خواهان که هنگام شرکت در یک گردهمایی ساحلی مرتبط با یک سنت دانشجویی که شامل فعالیت های توام با تمسخر، تحقیر و حتی گاه خطرناک می باشد، به دریا کشیده شده بود ([Soares Campos v. Portugal](#), § 172):

- پرونده راجع به مرگ پسر خواهان بر اثر مسمومیت با گاز مونوکسید کربن در پی وصل مجدد آبگرمکن گازی که علیرغم اخطار شرکت گاز، نادرست نصب شده بود ([Vardosanidze v. Georgia](#), § 61).

د. محدوده های زمانی

1. آغاز حیات

67. برخلاف ماده 4 کنوانسیون حقوق بشر آمریکا که مقرر می دارد: "حق حیات می بایست به طور کلی از لحظه انعقاد جنین مورد حمایت واقع شود"، ماده 2 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص محدوده های زمانی حق حیات ساکت است و به ویژه، اصطلاح "هرکسی" را که حق حیات آنان بوسیله این کنوانسیون مورد حمایت واقع می شود را تعریف نمی کند ([Vo v. France](#) [GC], § 75).

68. دادگاه استراسبورگ با توجه به فقدان اجماع اروپایی راجع به تعریف علمی و حقوقی از آغاز حیات، مقرر داشت: "این مسئله که چه هنگام حق حیات شروع می شود، به طور کلی، در حاشیه اختیارات صلاحیابی دولت ها قرار می گیرد"، این دادگاه به طور کلی معتقد است که اختیار تصمیم گیری در این خصوص بهتر است بر عهده دولت ها باشد ([Vo v. France](#) [GC], § 82).

69. در پرونده [GC], *Vo v. France*، خواهان به دلیل سهل انگاری پزشکی مجبور به سقط درمانی شد، دادگاه استراسبورگ معتقد است که بررسی این موضوع که آیا پایان ناگهانی بارداری خواهان در محدوده مفاد ماده 2 این کنوانسیون قرار می گیرد، ضروری نمی باشد، با توجه به اینکه حتی چنانچه آن ماده قابل اجرا باشد هیچ قصوری از طرف دولت خواننده در اجرا و رعایت الزامات مربوط به حمایت و محافظت از حق حیات در حوزه بهداشت و درمان عمومی روی نداده است (*Mehmet Senturk and Bekir Senturk v. Turkey*, § 109).

70. در پرونده [GC], *Evans v. the United Kingdom*، خواهان شکایت کرد که قوانین بریتانیا به شریک سابقش اجازه داده است که رضایت خود را برای ذخیره و استفاده مشترک از جنین های موجود آمده پس بگیرد. این دادگاه دریافت که طبق قوانین انگلستان جنین از حقوق یا منافع مستقلی برخوردار نمی باشد و نمی تواند طرح دعوی نماید یا از طرف وی ادعا شود که بموجب ماده 2 دارای حق حیات می باشد. از این رو، در راستای مفاد ماده 2، جنین مورد بحث، حق حیات ندارد (§§ 54-56).

2. مسائل مربوط به پایان حیات

الف. اتانازی

71. دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که هیچ گونه حق مرگی چه به دست شخص ثالثی یا با کمک یک مقام دولتی از مفاد ماده 2 این کنوانسیون برداشت نمی شود. این دادگاه خاطر نشان ساخته است که در همه پرونده های مطرح شده نزد آن دادگاه، تأکیدی مداوم بر تعهد دولت ها بر حق حیات گردیده است (*Pretty v. the United Kingdom*, § 39).

72. در پرونده اخیر که مربوط به امتناع مقامات از تهیه دارو برای کمک به خودکشی یک بیمار روانی بود، دادگاه استراسبورگ با تأکید بر این که باید این کنوانسیون را بعنوان یک کل تفسیر نمود، دریافت که استناد به ماده 2 این کنوانسیون هنگامی مناسب است که این دادگاه دعوی مزبور را به موجب ماده 8 کنوانسیون مورد بررسی قرار دهد. این دادگاه مقرر می دارد که مفاد ماده اخیر، مقامات داخلی را موظف می نماید به بازداشتن افراد از گرفتن جان خودشان در صورتی که این تصمیم به طور آزادانه و با آگاهی کامل از آنچه که به آن مربوط می شود، اتخاذ نگردیده باشد (*Haas v. Switzerland*, § 54).

ب. اعراض از معالجات نگهدارنده حیات

73. پرونده [GC], *Lambert and Others v. France*، که مربوط است به تصمیم مقامات برای قطع مواد غذایی و سرم تزایی که بیمار را در شرایط کاملا وابسته به آنها به طور مصنوعی زنده نگه می داشت، دادگاه استراسبورگ خاطر نشان ساخت که هیچ گونه اجماعی در میان کشورهای عضو شورای اروپا در خصوص اجازه برداشتن شیوه های درمانی نگه دارنده حیات به طور مصنوعی وجود ندارد، هر چند که به نظر می رسد اکثر کشورها این اجازه را صادر می کنند. در این راستا، دادگاه خاطر نشان می نماید در حالیکه ترتیبات و تشریفات مفصل راجع به صرف نظر کردن از این گونه معالجات از یک کشور به کشور دیگر متفاوت می باشد، با این وجود، اجماعی در خصوص اهمیت اساسی خواسته های بیمار در فرایند تصمیم گیری در این خصوص وجود دارد، در صورتی که آن درخواست ها بیان شده باشد. بنابراین، دادگاه استراسبورگ معتقد است که در گستره راجع به پایان حیات همانند گستره راجع به آغاز حیات، دولت ها می بایست نه تنها در خصوص اجازه صرف نظر کردن یا صرف نظر نکردن از برداشتن شیوه های نگه دارنده حیات مصنوعی و ترتیبات مفصل حاکم بر آن، بلکه همچنین در خصوص روش ها و شیوه های ایجاد تعادل بین حمایت از حق حیات بیمار و حمایت از حق وی در احترام به زندگی خصوصی و استقلال فردی او، برخوردار از حاشیه اختیارات صلاحیدی باشند. با این وجود، دادگاه استراسبورگ تأکید نموده است که این اختیارات صلاحیدی نامحدود نمی باشد و این دادگاه اختیار بررسی اینکه آیا دولت ها به تعهدات خود در راستای مفاد ماده 2 عمل کرده اند یا خیر را برای خود نگه داشته است (§§ 147-148).

74. با پرداختن به مسئله تجویز یا صرف نظر کردن از معالجات پزشکی، دادگاه استراسبورگ مولفه های ذیل را در نظر می گیرد: وجود قوانین داخلی و رویه های ساختار نظارتی و مقرراتی در مطابقت با الزامات ماده 2؛ اینکه آیا خواست ها و تمایلات تصریح شده پیشین خواهان و افراد نزدیک به وی، همچنین نظرات سایر پرسنل پزشکی مورد توجه قرار گرفته است یا خیر و اینکه آیا امکان مراجعه به دادگاه در صورت تردید در خصوص اخذ بهترین تصمیم به نفع بیمار نیز مورد اهمیت واقع شده است یا خیر (*Gard and Others v. the United Kingdom* (dec), § 83؛ و *Parfitt v. the United Kingdom* (dec.), § 37).

3. منع محرومیت عمدی از حیات

الف. مجازات اعدام

<p>پاراگراف اول ماده 2 کنوانسیون</p> <p>1. حق حیات همه افراد می بایست بوسیله قانون مورد حمایت واقع شود. هیچ کس نمی بایست عمداً از حق حیات خود محروم شود؛ مگر به هنگام اجرای حکم دادگاهی که پیرو محکومیت او به جرمی که بموجب آن، این مجازات بر اساس قانون مقرر می گردد.</p>
<p>کلید واژه های پایگاه داده HUDOC</p> <p>اخراج (2) _ استرداد (2)</p> <p>حیات (2-1) _ مجازات اعدام (2-1): مقرر شده توسط قانون (2-1); قابلیت دسترسی (2-1); قابلیت پیش بینی (2-1); ضمانت ها علیه سوء استفاده (2-1); دادگاه ذیصلاح (2-1)</p>

1. تفسیر بند اول ماده 2 کنوانسیون در پرتو مفاد پروتکل های شماره 6 و 13 این کنوانسیون

75. هنگامی که این کنوانسیون تدوین شد، مجازات اعدام نقض مقررات و استانداردهای بین المللی تلقی نمی گردید. از این رو، به عنوان استثنایی بر حق حیات درج گردید، به نحوی که بند اول ماده 2 مقرر داشت که "هیچ کسی نمی بایست به طور عمدی از حق حیاتش محروم گردد، مگر به هنگام اجرای مجازات دادگاه و پیرو محکومیت به ارتکاب جرمی که بموجب آن این مجازات طبق قانون مقرر گردیده باشد". با این وجود، متعاقباً تحولاتی در جهت لغو عملی و قانونی کامل مجازات اعدام در میان کشورهای عضو شورای اروپا روی داده است (*Al-Saadoon and Mufdhi v. the United Kingdom*, § 116).

76. **پروتکل شماره 6 این کنوانسیون** که مجازات اعدام را به جز در مورد اعمال ارتكابی در زمان جنگ یا خطر قریب الوقوع جنگ لغو نمود، در تاریخ 28 آوریل 1983 برای امضاء مفتوح گردید و در 1 مارس 1985 لازم الاجرا شد. همه کشورهای عضو شورای اروپا اکنون پروتکل شماره 6 را امضا نموده اند و همه ی آنها به جز روسیه آن را به تصویب رسانده اند (*Al-Saadoon and Mufdhi v. the United Kingdom*, § 116). **پروتکل شماره 13** که در هر شرایطی مجازات اعدام را لغو نمود، در تاریخ 3 می 2002 برای امضا مفتوح گردید و در 1 جولای 2003 لازم الاجرا شد. در سال 2010 همه کشورهای عضو شورای اروپا به جز دو کشور (آذربایجان و روسیه) این پروتکل را امضاء کرده اند و همه به جز سه کشوری که آن را امضا نموده بودند، آن را تصویب کرده اند (*ibid.*, § 117).

77. ارقام فوق الذکر، همراه با رویه هماهنگ دولت ها در تعلیق اجرای مجازات اعدام، به عقیده دادگاه استراسبورگ همگی نشانه هایی است بر این که ماده 2 به گونه ای اصلاح گردیده است که مجازات اعدام را در هر شرایطی منع می نماید (*Al-Saadoon and Mufdhi v. the United Kingdom*, § 120).

2. مسئولیت دولت ها به موجب ماده 2 در موارد استرداد و اخراج

78. ماده 2 این کنوانسیون استرداد یا اخراج یک فرد به کشوری دیگر که در آنجا دلایلی مهم و قابل توجه مبنی بر اینکه جان وی در معرض خطری جدی نظیر مواجهه با مجازات اعدام می باشد را منع می نماید (*Al Nashiri v. Poland*, § 577; *F.G. v. Sweden* [GC], § 110).

79. اطلاعات دقیق تر را می توانید در **راهنمایی بر رویه قضایی در مورد مهاجرت بیابید.**

² در تاریخ آخرین به روز رسانی این راهنما، تعداد امضاها و تصویب نامه های پروتکل شماره 6 و تعداد امضاها و تصویب نامه های پروتکل شماره 13 تاکنون دقیق هستند. در مورد تعداد تصویب نامه های پروتکل شماره 13، از بین تمام کشورهایی که آن را امضاء کرده اند، تنها یک کشور (ارمنستان) هنوز آن را تصویب نکرده است.

ماده 2 کنوانسیون

1. حق حیات همه افراد می بایست بوسیله قانون مورد حمایت واقع شود. هیچ کسی نمی بایست عمداً از حق حیات خود محروم شود؛ مگر به هنگام اجرای حکم دادگاهی که پیرو محکومیت به جرمی که بموجب آن، این مجازات بر اساس قانون مقرر می گردد.

2. محرومیت از حق حیات نمی بایست ناقض مفاد این ماده تلقی شود، هنگامی که این محرومیت در نتیجه ی اعمال قوه قهریه ایی باشد که ضرورتاً اجتناب ناپذیر می باشد:

الف) به هنگام دفاع هر شخص در مقابل خشونت غیرقانونی؛

ب) بمنظور اقدام به بازداشت قانونی یا جلوگیری از فرار شخصی که بطور قانونی زندانی شده است؛

ج) در اقدام قانونی اتخاذ شده به منظور فرونشاندن شورش یا قیام.

کلید واژه های پایگاه داده HUDOC

حیات (2-1) _ استفاده از قوه قهریه (2-2) _ ضرورت مطلق (2-2): دفاع در مقابل خشونت غیرقانونی (2-2)؛ اقدام به بازداشت قانونی (2-2)؛ جلوگیری از فرار (2-2)؛ فرونشاندن شورش یا قیام (2-2)

1. ارزیابی شواهد و ادله

80. دادگاه استراسبورگ به عنوان پیشگام در رویه و قواعد خود، آزادی کامل دارد که نه تنها قابل استماع و مرتبط بودن، بلکه همچنین ارزش اثباتی هر یک از شواهد و ادله موجود نزد خود را نیز ارزیابی نماید. این دادگاه بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یا بموجب اصول کلی قابل اعمال در محاکم بین المللی، ملزم به قواعد سختگیرانه شواهد نمی باشد و هیچ مانع شکلی برای قابلیت پذیرش شواهد در دادرسی نزد دادگاه استراسبورگ وجود ندارد (Carter v. Russia, § 97).

81. با این حال، دادگاه استراسبورگ بایستی به هنگام اتخاذ نقش محاکم بدوی کشورها، در مورد اطلاعات (شواهد و ادله) پرونده آگاه و مراقب باشد که این اطلاعات بموجب اوضاع و احوال هر پرونده، اجتناب ناپذیر و حتمی نباشد (Mckerr v. the United Kingdom (dec)). به عنوان یک قاعده کلی، در مواردی که رسیدگی داخلی صورت گرفته است، وظیفه دادگاه استراسبورگ این نیست که ارزیابی های خود راجع به اطلاعات و واقعیت های موجود در پرونده را با ارزیابی های محاکم داخلی جایگزین نماید، بلکه وظیفه دادگاه استراسبورگ آن است که واقعیات را بر مبنای ادله و مدارک نزد آن محاکم احراز و اثبات نماید (Klaas v. Germany, § 29; Edwards v. the United Kingdom, § 34). اگرچه در این میان، دادگاه استراسبورگ خود را مقید به آرا محاکم داخلی کشورها نمی سازد و آزاد است که با توجه به همه اطلاعات و داده هایی که در اختیار دارد، ارزیابی و درک خودش را از آن مدارک و شواهد داشته باشد، در شرایط معمول و عادی، این دادگاه به مولفه های معقول و منطقی آشکاری نیاز دارد که بتواند آرا صادره توسط محاکم داخلی را رد نماید (Barbu Anghelescu v. Romania, § 52; Avsar v. Turkey, § 283). در این رابطه، دادگاه استراسبورگ تأکید نموده است که اتکایش به شواهد و مدارک به دست آمده در نتیجه تحقیقات داخلی (کشورها) و اطلاعات (شواهد و مدارک) اثبات شده در دادرسی داخلی به کیفیت فرایند این تحقیقات داخلی، جامع و کامل بودن و انسجام و ثبات رویه این دادرسی مورد بحث بستگی دارد (Carter v. Russia, § 98).

الف. معیار اثبات

82. تعدادی از اصول بوسیله دادگاه استراسبورگ در خصوص دادخواست هایی که این دادگاه با وظیفه احراز اطلاعات راجع به حوادثی که بر اساس آن طرفین با یکدیگر اختلاف نظر دارند، ایجاد شده است: یافته های واقعی که می بایست مبتنی بر معیارهای اثبات فراتر از شک معقول باشند، چنین ادله اثباتی ممکن است ناشی از همزیستی استنتاج های روشن، هماهنگ و به اندازه کافی قاطع و اثرگذار یا ناشی از پیش فرض های غیرقابل انکار راجع به واقعیات باشند. در این زمینه، رفتار طرفین هنگام به دست آوردن شواهد نیز ممکن است مورد توجه قرار گیرد (Tanis and Others v. Turkey, § 160; Tagayeva and Others v. Russia, § 586; Kukhalashvili and Others v. Georgia, § 148).

ب. بار اثبات دلیل

83. میزان اقماعی که برای رسیدن به یک نتیجه گیری خاص لازم است و در رابطه با رسیدن به این اقماع، توزیع بار اثبات ادله به طور اساسی با صحت و دقت اطلاعات، ماهیت ادعاهای مطرح شده و حق مورد بحث مرتبط می باشد (Tagayeva and Others v. Russia, § 586).

84. در مواردی که حوادث مورد بحث کاملاً یا بخش عمده ای از آن در حیطه آگاهی انحصاری مقامات داخلی می باشد؛ نظیر افرادی که در زندان تحت کنترل مقامات می باشند، پیش فرض ها و اماره های جدی و موثری در خصوص اطلاعات راجع به جراحات و مرگ در جریان چنین بازداشت هایی مطرح می گردد، در واقع، بمنظور ارائه توضیحی رضایت بخش و قانع کننده، بار اثبات ادله ممکن است بر عهده این مقامات گذاشته شود (Salman v. Turkey [GC], § 100).

85. این اصل همچنین در مواردی اعمال می شود که در آن اگر چه ثابت نمی گردد که شخصی توسط مقامات بازداشت شده است، اما می توان اثبات کرد که وی به طور رسمی توسط ارتش یا پلیس احضار شده و وارد مکانی تحت کنترل آنها شده بود و تاکنون دیده نشده است. در چنین شرایطی، بار اثبات بر عهده دولت می باشد تا در خصوص آنچه در آن مکان ها اتفاق افتاده توضیحاتی قانع کننده ارائه دهد و نشان دهد که شخص مورد نظر بوسیله مقامات بازداشت نشده، بلکه آن محل را ترک کرده بدون اینکه متعاقباً از آزادی اش محروم شده باشد (Tanis and Others v. Turkey, § 160).

86. به همین ترتیب، دادگاه استراسبورگ این اصل را در پرونده های مربوط به درگیری های مسلحانه و در مناطق تحت نظارت و کنترل انحصاری دولت که افرادی را در آن مجروح، ناپدید و یا مرده پیدا می کند، بیشتر گسترش داده است و همچنین در مواردی که شواهد اولیه مبنی بر دخالت عوامل دولتی وجود داشته باشد، این اصل بیشتر توسط دادگاه استراسبورگ اعمال شده است (Akkum and Others v. Turkey, § 211; Aslakhanova and Others v. Russia, § 97 با ارجاعات بیشتر).

87. به عنوان مثال، در یک سری از پرونده های راجع به ادعاهای ناپدید شدن در قفقاز شمالی روسیه، دادگاه استراسبورگ بر این باور بوده است که فقط کافی است خواهان ها در بدو امر یک پرونده آدم ربایی توسط مامورین دولتی تشکیل دهند، بنابراین، آنها در کنترل این مقامات قرار می گرفتند، در این صورت دولت وظیفه داشت از طریق افشای اسنادی که بطور انحصاری در اختیار دارد و یا با ارائه توضیحی رضایت بخش و قانع کننده راجع به چگونگی رویدادهای مورد بحث، بار اثبات ادله خود را بر عهده گیرد. حال، چنانچه دولت نتواند ادله خود را اثبات نماید، این امر منجر به نقض بخش اساسی و ماهیتی ماده 2 کنوانسیون خواهد شد. برعکس، اگر خواهان ها نتوانند دعوی قابل استماع و محمول بر صحتی را طرح نمایند، این بار اثبات ادله، معکوس نمی گردد (بر عهده دولت قرار نمی گیرد) (Estemirova v. Russia, § 63).

88. در واقع، دادگاه استراسبورگ تأکید نموده است که در همه پرونده هایی که به دلایلی عیناً به مقامات نسبت داده می شود نمی توان شرایط و اوضاع و احوال دقیق یک پرونده را احراز نمود و این بر عهده دولت خوانده می باشد که به شکلی رضایت بخش و قانع کننده به ترتیب وقایع را توضیح دهد و ادله محکمی که بتواند ادعاهای خواهان را رد نماید، ابراز کند (Mansuroglu v. Turkey, § 80; Carter v. Russia, § 152). دادگاه استراسبورگ همچنین به دشواری های خواهان ها در بدست آوردن مدارک و مستندات لازم جهت اثبات ادعاهایشان در پرونده هایی که دولت خوانده اسناد مربوطه را در دست داشته و خواهان ها نتوانسته اند آن را ارائه کنند، تأکید نموده است. اگر مقامات در این صورت نتوانند اسناد مهمی را برای قادر ساختن دادگاه جهت احراز حقایق افشا کنند یا در غیر این صورت نتوانند توضیحی قانع کننده و رضایت بخش ارائه نمایند، ممکن است نتایجی قاطع و منطقی حاصل شود (Varnava and Others v. Turkey [GC], § 184). تکیه و استناد دادگاه استراسبورگ بر مدارک و شواهد بدست آمده در نتیجه تحقیقات داخلی بموجب واقعیت های احراز شده در جریان دادرسی های داخلی تا حد زیادی به کیفیت فرایند تحقیقات، جامع و کامل بودن و ثبات و یکپارچگی رویه آن تحقیقات بستگی دارد (Tagayeva and Others v. Russia, § 586; Lapshin v. Azerbaijan, § 95).

89. سرانجام، هنگامی که در محاکم داخلی کشورها راجع به همین ادعاها رسیدگی کیفی انجام شده باشد، باید در نظر داشت که مسئولیت حقوق کیفری از مسئولیت حقوق بین الملل به موجب این کنوانسیون متمایز است. صلاحیت دادگاه استراسبورگ نیز محدود به مسئولیت حقوق بین الملل تحت مفاد این کنوانسیون می باشد. مسئولیت به موجب این کنوانسیون مبتنی است بر مقررات خاص خود که می بایست بر اساس اهداف کنوانسیون و با توجه به اصول مربوط به حقوق بین الملل تفسیر و اعمال شود. در واقع، مسئولیت یک دولت به موجب این کنوانسیون ناشی از اقدامات سازمان ها، کارگزاران و خدمتگذاران آن نباید با مسائل حقوقی راجع به مسئولیت کیفری یک فرد در حال بررسی در محاکم داخلی کشورها اشتباه گرفته شود. دادگاه استراسبورگ در پی صدور رای به معنای احراز تقصیر (محکومیت) یا برائت نمی باشد (Tanli v. Turkey, § 111; Giuliani and Gaggio v. Italy [GC], § 182).

2. حمایت از اشخاص در برابر اعمال قوه قهریه مهلك توسط عوامل دولتی

الف. ساز و کار قانونی

90. در زمینه استفاده از قوه قهریه توسط عوامل و مامورین دولتی، وظیفه اصلی دولت برای تضمین حق حیات بویژه مستلزم ایجاد ساختار اداری و چارچوب قانونی برای تعیین شرایط محدود و مشخص شده ای که در آن مجری قانون می تواند با توجه به معیارهای بین المللی مرتبط، از زور و سلاح گرم استفاده نماید (Giuliani and Gaggio v. Italy [GC], § 209؛ Makaratzis v. Greece [GC], §§ 57-59).

91. مطابق با اصل تناسب مضیق و ذاتی در ماده 2، ساختار قانونی کشورها می بایست سلاح های گرم را بر اساس ارزیابی های دقیق پیرامون شرایط و اوضاع و احوال به کار برند (Giuliani and Gaggio v. Italy [GC], § 209) و همچنین به ویژه در ساختار قانونی کشورها استفاده از سلاح گرم می بایست بر اساس ارزیابی راجع به ماهیت جرم ارتكابی بوسیله فرد مورد نظر و تهدیدی که وی بوجود آورده توجیه شود (Nachova and Others v. Bulgaria [GC], § 96). علاوه بر این، قوانین داخلی تنظیم کننده ی عملیات های پلیسی می بایست سیستمی از ضمانت های موثر و کافی در برابر خودسری ها و سوء استفاده از زور و حتی در برابر اتفاقات اجتناب ناپذیر- تضمین نماید (Giuliani and Gaggio v. Italy [GC], § 209؛ Makaratzis v. Greece [GC], § 58).

92. دادگاه استراسبورگ ضمن تمایز و تفکیک میان عملیات های معمول پلیس و وضعیت های راجع به عملیات های ضد تروریستی گسترده مقرر داشت که در عملیات های ضد تروریستی اغلب در شرایط بحرانی و حاد، نیازمند واکنش های سنجیده و مناسب می باشد، بنابراین، دولت ها می بایست به راه حل هایی متوسل شوند که متناسب با آن اوضاع و احوال می باشد. همانطور که گفته شد، دادگاه استراسبورگ همچنین تاکید نموده است که در یک عملیات امنیتی قانونی که در وهله اول هدفش حمایت از جان افرادی است که خود را در معرض خطر خشونت های غیرقانونی اشخاص ثالث می یابند، اعمال قوه قهریه مهلك همچنان می بایست تحت نظارت و تابع قواعد مضیق راجع به ضرورت مطلق و حتمی در راستای مفاد ماده 2 این کنوانسیون باشد. بنابراین، این حقیقت که مقررات داخلی بوسیله همین اصل راهنمایی و هدایت می شوند اهمیت بسیاری دارد و این مقررات نشانه ها و اماره های واضحی از جمله تعهد بر کاهش خطرات راجع به صدمات غیر ضروری و منع استفاده از سلاح ها و مهماتی که عواقب و پیامدهای غیرقابل توجیهی را به دنبال دارند، در بر می گیرد (Tagayeva and Others v. Russia, § 595).

ب. آموزش و بررسی صلاحیت مامورین دولتی

93. دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که مامورین اجرای قانون می بایست آموزش ببینند تا بتوانند راجع به این حقیقت که آیا ضرورتی مطلق برای استفاده از سلاح گرم، نه تنها بر اساس قوانین و مقررات مربوطه، بلکه با توجه به اولویت های احترام به جان انسان بعنوان یک ارزش بنیادی، وجود دارد یا ندارد را مورد ارزیابی قرار دهند (Nachova and Others v. Bulgaria [GC], § 97؛ Kakoulli v. Turkey, § 110).

94. به عنوان مثال، در موارد مربوط به استفاده از زور برای فرونشاندن آشوب یا قیام، ارزیابی دادگاه استراسبورگ شامل بررسی و رسیدگی به این واقعیت می باشد که آیا نیروهای امنیتی به نحوه صحیح و مقتضی تجهیز شده اند یا خیر (Gulec v. Turkey, § 71؛ Simsek and Others v. Turkey, § 117). اینکه آیا آنها آموزش های موثری را با هدف رعایت معیارهای بین المللی در مورد حقوق بشر و اقدامات و عملیات های پلیسی دریافت کرده اند یا خیر و اینکه آیا آنها دستورالعمل های واضح و دقیقی درباره نحوه و شرایط استفاده از سلاح های گرم داشته اند یا خیر (ibid., § 109)؛ به ویژه، این دادگاه تاکید کرده است که آتش گشودن در هر زمان ممکن می بایست ابتدا با شلیک های هشداردهنده انجام شود (Giuliani and Gaggio v. Italy [GC], § 177).

95. علاوه بر این، از دولت ها انتظار می رود که معیارهای حرفه ای بالایی را در سیستم های اجرای قوانین خود وضع نمایند و اطمینان حاصل کنند که ماموران اجرای قانون معیارهای لازم را رعایت می کنند. به ویژه، هنگام تجهیز نیروهای پلیس با سلاح های گرم، نه تنها می بایست آموزش های فنی لازم به آنان داده شود، بلکه گزینش و انتخاب مامورین مجاز به حمل این سلاح های گرم نیز می بایست تحت نظارت و دقت ویژه قرار گیرد (Saso v. Gorgiev v. the former Yugoslav Republic of Macedonia, § 51).

ج. مصداق ها

96. با اعمال این اصول، دادگاه استراسبورگ به عنوان مثال، ساختار قانونی بلغارستان را ناقص و دارای ایراد توصیف می کند؛ چرا که به پلیس اجازه می دهد تا هر عضو فراری نیروهای مسلح که بلافاصله پس از اخطار شفاهی و شلیک هوایی تسلیم نشوند، آنان را مورد هدف قرار دهند. در اینجا هیچ گونه تضمین روشنی برای جلوگیری از اقدام به گرفتن خودسرانه جان افراد وجود نداشت (Nachova and Others v. Bulgaria [GC], §§ 99-102).

97. به همین ترتیب، دادگاه استراسبورگ همچنین نواقص و ایراداتی را در ساختار قانونی ترکیه مصوب 1934 شناسایی کرده است، که شامل طیف گسترده ای از وضعیت ها و موقعیت هایی می شد که در آن یک افسر پلیس می توانست از سلاح گرم استفاده کند، بدون آنکه مسئولیت عواقب آن را بر عهده گیرد (Erdogan and Others v. Turkey, §§ 77-79). از سوی دیگر، در پرونده دیگری، این دادگاه بر این باور است که یک مجموعه مقررات می تواند فهرست جامعی از وضعیت ها و موقعیت هایی را در بر گیرد که ژاندارم ها بموجب آن مجازند سلاح های گرم را مطابق با مفاد این کنوانسیون بکار برند. این مقررات مشخص می نماید که استفاده از سلاح گرم فقط می بایست آخرین چاره و راه حل پیش بینی شده باشد و قبل از شلیک به پاها و یا هر جای دیگر بدن، می بایست شلیک هوایی انجام شود (Bakan v. Turkey, § 51).

98. در پرونده [GC] Makaratzis v. Greece، که مربوط است به تعقیب پلیس ضد شورش که در آن خواهان، چراغ قرمز را نادیده گرفته بود، در اثر شلیک بشدت مجروح شد، دادگاه استراسبورگ دریافت که قوانین داخلی یونان دستورالعمل ها و معیارهای روشن و مشخصی که ناظر بر اعمال قوه قهریه در زمان صلح به مامورین اجرای قانون باشد- مقرر ننموده است، همچنین این دادگاه دریافت که در صورت عدم آموزش و دستورالعمل مناسب، غیرقابل اجتناب است که مامورین پلیسی که خواهان را تعقیب کرده و سرانجام دستگیر نموده اند از استقلال عمل بیشتر برخوردار نبوده و قادر به اتخاذ ابتکارات غیرقابل ملاحظه نباشد (70 §).

99. دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که مقامات مسئول، یک افسر پلیس را قبل از توزیع و تقسیم اسلحه گرم به درستی گزینش و سنجش نموده بودند. بنابراین، همان افسر پلیس به هنگامی که بیرون از محل و زمان خدمتش بوده درگیر یک نزاع شده و با سلاح خدمتی خود بستگان خواهان را به قتل رسانده است (Gorovenky and Bugara v. Ukraine, § 39؛ همچنین مراجعه کنید به پرونده Saso Gorgiev v. the former Yugoslav Republic of Macedonia, § 52).

3. استثنائات مجاز اعمال قوه قهریه

100. استثنائات مندرج در بند دوم ماده 2 نشان می دهد که این ماده قتل عمد را نیز در گستره مفهومی خود قرار می دهد، لیکن انحصاراً مربوط به آن نیست. متن این ماده به طور کلی، نشان می دهد که پاراگراف دوم اساساً به تعریف موارد مجاز قتل یک فرد نمی پردازد، بلکه به توصیف وضعیت هایی می پردازد که کاربرد قوه قهریه در آن وضعیت ها ممکن است منجر به قتل به عنوان نتیجه ای ناخواسته گردد. با این حال، کاربرد قوه قهریه نمی بایست بیش از "ضرورت حتمی" برای تحقق یکی از اهداف مندرج در بندهای (الف)، (ب) و (ج) باشد (McCann and Others v. the United Kingdom, § 148؛ Ramsahai and Others v. the Netherlands [GC], § 286؛ Yuksel Erdogan and Others v. Turkey, § 86؛ Giuliani and Gaggio v. Italy [GC], § 17).

الف. معیارهای اعمال بررسی های دقیق

101. بعنوان یک قاعده، استفاده از اصطلاح "مطلقاً ضروری" مندرج در پاراگراف دوم ماده 2 نشان می دهد که نسبت به کاربرد معمول این اصطلاح بموجب پاراگراف دوم مواد 8 الی 11 این کنوانسیون به هنگام تعیین اینکه آیا اقدام یک دولت در جوامع دموکراتیک ضروری می باشد یا خیر، می بایست این اصطلاح را بموجب مفاد این ماده با معیاری مضیق تر و الزام آور تر بکار برد. به طور خاص، کاربرد قوه قهریه می بایست کاملاً متناسب با تحقق اهداف مندرج در بندهای الف، ب و ج این ماده باشد (McCann and Others v. the United Kingdom, § 149).

102. آنگونه که گفته شد، دادگاه استراسبورگ تأکید نموده است که کاملاً آگاه به دشواری های پیش روی دولت های مدرن در مبارزه با تروریسم می باشد. در همین ارتباط، این دادگاه بر لزوم تمایز بین راه حل های سیاسی مطرح شده در جریان مبارزه با تروریسم که ماهیت آن ها خارج از نظارت و بررسی این دادگاه می باشد و سایر جنبه های عملیاتی تر اقدامات این مقامات که تأثیر مستقیمی بر حقوق مورد حمایت این کنوانسیون دارد، تأکید نموده است. بنابراین، اعمال معیار "ضرورت مطلق" تصریح شده در ماده 2 نسبت به این وضعیت (مبارزه با تروریسم) مقید به کاربرد میزان متفاوتی از نظارت و بررسی دقیق راجع به این امر می باشد که آیا مقامات بر این وضعیت و سایر محدودیت های ذاتی مرتبط با آن به هنگام تصمیم گیری عملیاتی در این حوزه حساس، کنترل و نظارتی دارند یا خیر و اینکه این کنترل و نظارت به چه میزان می باشد (Tagayeva and Others v. Russia, § 481).

103. در زمینه خاص عملیات نجات گروگان ها، دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که به طور معمول، برنامه ریزی و انجام عملیات نجات می تواند مورد بررسی دقیق قرار گیرد. در انجام این کار، دادگاه مولفه های ذیل را مورد توجه قرار داده است: (الف) اینکه آیا این عملیات بی مقدمه و خودجوش بوده و اینکه آیا مقامات می توانسته اند بر آن وضعیت تأثیری گذاشته و تمهیداتی اتخاذ نمایند؛ (ب) اینکه آیا مقامات در وضعیتی قرار دارند که به برخی از طرح های کلی تهیه شده برای موارد اضطراری تکیه کنند، طرح هایی که مربوط به آن بحران خاص نمی باشند؛ (ج) اینکه آیا میزان کنترل این وضعیت در خارج از ساختمان، جایی که غالب تلاش های نجات انجام می شود، بسیار بیشتر است؛ (د) اینکه آیا هر چه خطر قابل پیش بینی تر باشد، تعهدی بیشتر برای اقدام حمایتی در برابر آن وجود خواهد داشت (Tagayeva and Others v. Russia, § 563).

ب. رویکرد کلی

104. با توجه به اهمیت مفاد این ماده در جوامع دموکراتیک، دادگاه استراسبورگ می بایست با ارزیابی خود، موارد محرومیت از حق حیات را مورد توجه و بررسی دقیق قرار دهد؛ به ویژه، در مواردی که قوه قهریه کشنده به طور عمدی مورد استفاده قرار می گیرد، دادگاه می بایست نه تنها اقدامات مامورین دولتی را که عملاً قوه قهریه را به کار می برند مورد توجه قرار دهد، بلکه همه شرایط و اوضاع و احوال پیرامون آن از جمله موضوعات راجع به برنامه ریزی و نظارت بر این اقدامات مورد بررسی را نیز می بایست مورد ملاحظه قرار دهد (§ McCann and Others v. the United Kingdom, Ergi v. Turkey, § 79, 150).

105. ناگفته نماند که بین هدف مورد نظر و وسایل مورد استفاده برای دستیابی به آن می بایست تعادلی برقرار شود (§ 71, Gulec v. Turkey).

106. برای مثال، دادگاه استراسبورگ تأکید کرده است که هدف مشروع از انجام یک بازداشت قانونی صرفاً می تواند به خطر انداختن جان یک انسان در شرایط و اوضاع و احوال دارای ضرورت حتمی و مطلق را توجیه نماید. بنابراین، در اصل، نمی توان چنین ضرورتی را محقق دانست، در مواردی که مشخص باشد شخصی که می بایست دستگیر شود تهدیدی برای جان یا صدمات به دیگری نیست و مظنون به ارتکاب جرم خشونت آمیزی نیز نمی باشد، حتی چنانچه عدم موفقیت در استفاده از قوه قهریه کشنده نیز ممکن است منتهی به عدم بازداشت شخص مورد نظر و فرصتی برای فرار وی گردد (§ 95, Nachova and Others v. Bulgaria [GC], § 108, Kakoulli v. Turkey).

107. به همین ترتیب، در زمینه کنترل مرزی، دادگاه استراسبورگ تأکید نمود که اگرچه دولت های متعاهد اصولاً می توانند ترتیباتی را در مرزهای خود بمنظور جلوگیری از ورود غیرمجاز به قلمرو خود اتخاذ نمایند و همچنین اگرچه این دولت ها می توانند با استفاده از قوه قهریه لازم بمنظور جلوگیری از ورود غیرقانونی به قلمرو خود اقدام نمایند، با این وجود، نیاز به نظارت مرزی نمی تواند توسل به اقداماتی که با این کنوانسیون و پروتکل های آن سازگار نمی باشد را توجیه نماید (§ 65, Bisar Ayhan v. Turkey).

1. اقدامات مامورین دولتی

108. کاربرد قوه قهریه به وسیله مامورین دولتی در جهت تحقق هدف و یا اهداف مشخص شده در بند دوم ماده 2 این کنوانسیون ممکن است بموجب مفاد این ماده در مواردی توجیه گردد که مبتنی باشد به باوری که در آن زمان صادقانه و معتبر و به دلایلی منطقی به نظر می رسد، لیکن متعاقباً روشن شده است که اشتباه می باشد، این اقدام در غیر این صورت ممکن است موجب تحمیل بار مسئولیت غیر واقعی به دولت و مامورین اجرای قانون به هنگام انجام وظیفه شان گردد که شاید این خود موجب آسیب به جان خودشان و دیگران گردد (§ 200, United Kingdom, § 192, Andronicou and Constantinou v. Cyprus, § 138, Bubbins v. the United Kingdom, § 96, Huohvanainen v. Finland).

109. دادگاه استراسبورگ همچنین اضافه نمود که صرف نظر از وقایع مورد بحث، نمی تواند ارزیابی خود را از آن وضعیت که در آن یک افسر پلیس در اوج هیجان مستلزم واکنش برای دفع خطری که از روی حسن نیت برای خود و دیگری می پنداشته، جایگزین کند (§ 139, Huohvanainen v. Finland, § 97).

110. به هنگام بررسی اقدامات مامورین دولتی سوال اصلی که می بایست به آن پرداخته شود این است که آیا آن فرد دارای یک باور منطقی و صادقانه راجع به استفاده از قوه قهریه بوده است یا خیر؟، حال به هنگام پرداختن به این سوال، دادگاه استراسبورگ می بایست با توجه به شرایطی که در زمان مربوطه وجود داشته بررسی نماید که آیا این باور بلحاظ ادراک فردی، معقول و متعارف بوده است یا خیر؟، اگر باور آن فرد به لحاظ ادراک فردی، منطقی نبوده باشد (یعنی آن باور مبتنی بر دلایل شخصی معقولی نباشد) این احتمال وجود دارد که دادگاه استراسبورگ به سختی بپذیرد که این باور به طور صادقانه و منطقی اخذ شده است (§ 248, Armani Dasilva v. the United Kingdom [GC], البته در زمینه تعهدات شکلی).

2. برنامه ریزی و نظارت بر این اقدامات

111. به هنگام تصمیم گیری و تعیین اینکه آیا قوه قهریه مورد استفاده مطابق با مفاد ماده 2 این کنوانسیون می باشد یا خیر؟، ممکن است به این سوال نیز پرداخته شود که آیا یک عملیات اجرای قانون به نحوی برنامه ریزی و نظارت شده است که توسل به اعمال قوه قهریه کشنده را تا بیشترین حد ممکن به حداقل برساند و تلفات جانی اتفاقی را نیز به حداقل کاهش دهد (§ 136, Bubbins v. the United Kingdom, § 94, Huohvanainen v. Finland).

112. به هنگام اقدام به ارزیابی در مرحله برنامه ریزی و نظارت بر عملیات از نقطه نظر ماده 2 این کنوانسیون، دادگاه استراسبورگ می بایست توجه ویژه ای به زمینه ای که در آن حادثه روی داده و همچنین به مسیر و طریقی که در آن این وضعیت گسترش یافته است، بنماید (§ 182, Constantinou v. Cyprus, § 86, Yuksel Erdogan and Others v. Turkey).

113. در این مرحله، تنها موضوع مهمی که دادگاه استراسبورگ می بایست به ارزیابی آن بپردازد این است که آیا در شرایط و اوضاع و احوال برنامه ریزی و نظارت بر این عملیات، مقامات هر گونه اقدام مقتضی به منظور تضمین به حداقل رساندن خطرات نسبت به جان فرد بعمل آورده اند یا خیر و همچنین آیا آنها در انتخاب اقدامات و گزینه های عملیاتی خود غفلت و سهل انگاری به خرج داده اند یا خیر؟ (*Bubbins v. the United Kingdom*, § 141).

3. مصداق ها

114. دادگاه استراسبورگ در موارد ذیل استفاده از قوه قهریه را کاملا متناسب یا مطلقا ضروری در جهت تحقق اهداف تصریح شده در بند دوم ماده 2 این کنوانسیون نمی داند:

- در پرونده *Gulec v. Turkey*, § 71، جایی که پسر خواهان در جریان تظاهراتی کشته شد که در آن نیروهای امنیتی به مقابله با اقدامات خشونت آمیز پرداختند و این نیروها هیچ گونه باتومی، هیچ گونه سپر ضد شورش، ماشین آب پاشی، گلوله های لاستیکی یا گاز اشک آور و مسلسل های مستقر شده با خود نداشتند. همچنین در پرونده *Evrin Oktem v. Turkey*، جایی که یک نوجوان به دلیل اصابت گلوله ی سرگردان با شلیک اسلحه یک افسر پلیس در جریان عملیات سرکوب یک تظاهرات به شدت مجروح شد.

- در پرونده *Kakoulli v. Turkey*, § 121، جایی که یک یونانی-قبرسی غیر مسلح که وارد منطقه مرزی حائل بین قبرس شمالی و جنوبی شده بود بوسیله سربازان ترک با شلیک گلوله کشته شد.

- در پرونده *Wasilewska and Kalucka v. Poland*, § 57، جایی که یک فرد مظنون در جریان یک عملیات پلیسی کشته شد.

- در پرونده *Trevalet v. Belgium*, § 87، جایی که یک روزنامه نگار بوسیله واحد عملیات ویژه پلیس که از حضور قانونی و مجاز وی در این عملیات اطلاع نداشتند، مورد اصابت گلوله قرار گرفت.

- در پرونده *Nachova and Others v. Bulgaria* [GC], § 109، جایی که دو فراری غیرمسلح رومی در جریان تلاش برای بازداشت آنان بوسیله یک نظامی ارتشی به ضرب گلوله کشته شدند.

- در پرونده *Tagayeva and Others v. Russia*, § 611، جایی که تعدادی از گروگان ها طی عملیات نجات در جریان گروگان گیری بسیار گسترده ی تروریست ها در مدرسه ای در سبلان، اوسیتای شمال، کشته شدند؛ در مقابل، در پرونده *Finogenov and Others v. Russia*, §§ 226 and 236، جایی که تعدادی از گروگان ها در جریان یک عملیات نجات در خصوص گروگان گیری توسط تروریست ها در یک تئاتر در مسکو کشته شدند.

- در پرونده *Kukhalashvili and Others v. Georgia*, § 157، که در آن پلیس طی یک عملیات ضد شورش در زندان اقدام به کاربرد بی رویه و بیش از حد از قوه قهریه مهلك نمود.

- در پرونده *Yukhymovych v. Ukraine*, § 86، جایی که پسر خواهان طی یک عملیات پلیسی سازماندهی شده در زمینه تحقیقات جنایی راجع به اخذی، کشته شد.

115. برخلاف پرونده های ذکر شده در فوق، دادگاه استراسبورگ اعمال زور در پرونده های ذیل را کاملا متناسب در جهت تحقق یکی از اهداف تصریح شده در بند دوم ماده 2 این کنوانسیون تلقی می نماید:

- در پرونده *Bubbins v. the United Kingdom*, § 141، جایی که برادر خواهان توسط مامورین پلیس در آپارتمان خود به دنبال محاصره دو ساعته مورد اصابت گلوله قرار گرفت؛ *Huohvanainen v. Finland*, § 107.

- در پرونده *Giuliani and Gaggio v. Italy* [GC], § 194، که مربوط به تیراندازی منجر به مرگ یک تظاهرکننده توسط یک عضو نیروهای امنیتی در نشست جی 8 (هشت کشور صنعتی) بود.

- در پرونده *Perk and Others v. Turkey*, § 73، که مربوط به کشته شدن بستگان خواهان ها در طی یک عملیات پلیسی علیه یک جنبش مسلحانه تندرو بود. همچنین در پرونده *Yuksel Erdogan and Others v. Turkey*, § 100، که مربوط به کشتن بستگان خواهان ها هنگام درگیری مسلحانه با افسران پلیس می باشد.

- در پرونده *Mendy v. France* (dec.), §§ 31-33، که در آن یک فرد مبتلا به اختلال روانی که جان مردی را با چاقو تهدید می کرد، در حین دستگیری توسط یک افسر پلیس کشته شد.

ماده 2 کنوانسیون

1. حق حیات همه ی افراد می بایست بوسیله قانون مورد حمایت قرار گیرد. هیچ کسی نمی بایست عمدا از حق حیات خود محروم شود؛ مگر به هنگام اجرای حکم دادگاهی که پیرو محکومیت به جرمی که برای آن، این مجازات بموجب قانون مقرر می گردد.

2. محرومیت از حق حیات نمی بایست ناقض مفاد این ماده تلقی شود، هنگامی که این محرومیت در نتیجه ی اعمال قوه قهره ایی باشد که ضرورتا اجتناب ناپذیر می باشد:

(الف) به هنگام دفاع هر شخص در مقابل خشونت غیرقانونی؛
 (ب) بمنظور اقدام به بازداشت قانونی یا جلوگیری از فرار شخصی که بطور قانونی زندانی شده است؛
 (ج) در اقدام قانونی اتخاذ شده به منظور فرونشاندن شورش یا قیام.

کلید واژه های پایگاه داده HUDOC

تعهدات مثبت (2) - حیات (2-1)

کاربرد قوه قهریه (2-2) - ضرورت مطلق (2-2): دفاع در برابر خشونت غیرقانونی (2-2)؛ اقدام به بازداشت قانونی (2-2)؛ جلوگیری از فرار (2-2)؛ فرونشاندن شورش یا آشوب (2-2)

1. تسریع مرگ با کاربرد روش های خاص بازداشت

119. در تعدادی از پرونده هایی که با استفاده از روش های خاص بازداشت که به خودی خود کشنده نبودند، لیکن مرگ تسریع گردیده بود، دادگاه استراسبورگ این امر را مورد بررسی قرار داد که آیا رابطه سببی بین قوه قهریه مورد استفاده و مرگ فرد وجود دارد یا خیر و اینکه آیا مامورین دولتی از حق حیات با ارائه کمک های پزشکی لازم به آن فرد، حمایت می کردند یا خیر؟ پرونده *Scavuzzo-Hager and Others v. Switzerland*, § 55. مربوط به بازداشت یک فرد معتاد بسیار مضطرب توسط نیروهای پلیس می باشد که متعاقبا فوت می کند؛ پرونده *Saoud v. France*، که مربوط به مرگ ناشی از کم خونی تدریجی مرد جوانی می باشد که به وی دستبند زده شده بود و توسط مامورین پلیس بیش از 30 دقیقه از صورت بروی زمین قرار گرفته بود؛ پرونده *Boukrourou and Others v. France*، که مربوط است به یک شخص معلول ذهنی، از بستگان خواهان ها، که طی یک عملیات پلیسی به دلیل نارسایی قلبی درگذشت و پرونده *Semache v. France*، که مربوط است به مرگ یک راننده مست سالخورده که با بستن سرش روی زانوهایش بی حرکت شده بود.

2. مرگ در حبس

117. افراد در حبس در وضعیت آسیب پذیری قرار دارند و مقامات وظیفه دارند از آنها محافظت کنند، در نتیجه، هنگامی که شخصی با وضعیت جسمانی خوب به بازداشتگاه پلیس منتقل می شود و در پی آزادی اش معلوم می گردد که مجروح شده است، در اینجا وظیفه دولت این است که توضیحی معقول و موجه راجع به چگونگی ایراد این آسیب ها ارائه دهد. تعهد مقامات به پاسخگویی در خصوص نحو رفتار با فرد بازداشت شده بسیار دقیق و سختگیرانه می باشد به ویژه در مواردی که این گونه رفتارها منجر به مرگ آن فرد بازداشتی گردد (*Salman v. Turkey* [GC], § 99)؛ *Tekin and Arslan v. Belgium*, § 83؛ *Tanli v. Turkey*, § 141).

118. دادگاه با توضیحات دولت خوانده راجع به شرایط پیرامون درگذشت بستگان خواهان ها در پرونده های ذیل متقاعد نگردیده است:

- در پرونده *Anguelova v. Bulgaria*, § 121، که یک نفر از نزدیکان خواهان چند ساعت پس از بازداشت در اثر جراحات مجسمه درگذشت.
- در پرونده *Kismir v. Turkey*, § 105، راجع به مرگ پسر خواهان ناشی از نارسایی تنفسی مربوط به ورم ریه در مقر پلیس دیاربکر می باشد.
- در پرونده *Aktas v. Turkey*, § 294، که یکی از بستگان خواهان ها به دلیل خفگی خود به خودی ایجاد شده در طول بازداشت فوت می کند.
- در پرونده *mojsiejew v. Poland*, § 65، که مربوط به مرگ پسر خواهان در یک مرکز هوشبری می باشد.
- در پرونده *Khayrullina v. Russia*, §§ 84-85، جایی که شوهر خواهان در اثر جراحات وارده در مدت بازداشت غیرقانونی اش در بازداشتگاه پلیس فوت می کند.

3. قتل های فراقضایی

119. دادگاه استراسبورگ همچنین با دادخواست هایی مواجه شده است که خویشاوندان خواهان ها بدون تردید در شرایط و اوضاع و احوالی که خارج از استثنائات مندرج در بند دوم ماده 2 این کنوانسیون می باشد، فوت کرده اند. در این موارد، چنانچه دادگاه استراسبورگ بر مبنای مدارک و شواهد موجود در پرونده ها محرز نماید که بستگان خواهان ها بوسیله مامورین دولتی یا با اغماض یا مصالحه آنان کشته شده اند، در نتیجه این دادگاه، دولت مربوطه را مسئول قتل آنان می داند (Avsar v. Turkey, §§ 413-416; Khashiyev and Akayeva v. Russia, § 147; Amuyeva and Others v. Russia, §§ 83-84; Musayeva and Others v. Russia, § 155; Estamirov and Others v. Russia, § 114; Lapshin v. Azerbaijan, § 119). که خواهان در زندان از یک سوء قصد، جان سالم به در برد و برخلاف پرونده های (Denizci and Carter v. Seyhan v. Turkey, § 82; Nuray Sen v. Turkey (no.2), § 173; Buldan v. Turkey, § 81; Others v. Cyprus, § 373; Russia, §§ 170-172).

120. هر چند، حتی در شرایط و اوضاع و احوالی که دادگاه استراسبورگ ورای هر گونه شک معقول نتواند اثبات نماید که مامور دولتی در قتل دخالت داشته است، با این وجود، این دادگاه می تواند دولت خوانده را مسئول بداند، چنانچه بر این باور باشد که مقامات آن دولت نتوانسته اند اقدامات و تدابیر معقولی را برای محافظت و حمایت از حق حیات قربانی مورد نظر اتخاذ نمایند (Mahmut Kaya v. Turkey, §§ 87 and 101; Kilic v. Denizci and Others v. Cyprus, §§ 374 and 377). برخلاف پرونده های (Gongadze v. Ukraine, §§ 170-171; Turkey, §§ 64 and 77).

4. عملیات های امنیتی یا نظامی

121. در زمینه خاص عملیات های امنیتی، دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که مسئولیت دولت محدود به شرایطی نیست که شواهد مهمی مبنی بر سوء مدیریت مامورین دولتی در مهار آتشی که منجر به کشته شدن یک شهروند گردیده است، در دست باشد. دادگاه استراسبورگ می تواند دولتها را مسئول بداند در مواردی که آنها نتوانند کلیه اقدامات احتیاطی مناسب در زمینه انتخاب وسایل و روش های انجام عملیات امنیتی علیه گروه مخالف با هدف جلوگیری یا، در هر صورت، به حداقل رساندن تلفات اتفاقی شهروندان غیرنظامی اتخاذ نماید (Ahmet Ozkan and Others v. Turkey, § 297).

122. در این زمینه، دادگاه استراسبورگ برای مثال دریافت کرده است که:

- ارتش اقدامات احتیاطی کافی برای محافظت از جان غیرنظامیان اتخاذ نموده بود؛ بطور مثال در پرونده Ergi v. Turkey, § 81، که خواهر خواهان در جریان یک عملیات کمین انجام شده توسط نیروهای امنیتی علیه "پ.ک.ک" کشته شد؛

- در حالی که روش نیروهای امنیتی در گشودن آتش سنگین در واکنش به شلیک هایی که به آنها از یک روستا می شد، یک ضرورت مطلق برای حفاظت از جان افراد می بود، با این حال، دولت ترکیه نتوانست در راستای مفاد ماده 2 به تعهداتش در حمایت از حق حیات عمل کند؛ چرا که نیروهای امنیتی متعاقباً نتوانستند در خصوص تعداد تلفات غیرنظامیان تحقیق و بررسی نمایند، بطور مثال در پرونده Ahmet Ozkan and Others v. Turkey, §§ 306-308، که مربوط است به کشته شدن دو کودک در جریان یورش نظامی انجام شده بر یک روستا به منظور دستگیری تروریست ها.

- عملیات نظامی توأم با انجام مراقبت های لازم برای حفاظت از جان غیرنظامیان برنامه ریزی و اجرا نشده است. بطور مثال، در پرونده Isayeva and Others v. Russia, § 199، که راجع به کشته شدن غیرنظامیان با بمباران یک کاروان مسافر توسط جت های نظامی روسیه می باشد؛ همچنین پرونده Abuyeva and Others v. Russia, § 203 و Benzer and Others v. Turkey, § 184، که دادگاه استراسبورگ مجدداً تأکید نمود که بمباران هوایی کور و بدون هدف غیرنظامیان و روستاهای آنها در یک جامعه دموکراتیک قابل قبول نمی باشد یا با هیچ کدام از دلایل مقرر شده جهت اعمال قوه قهریه مندرج در بند دوم ماده 2 این کنوانسیون، قواعد عرفی حقوق بین الملل بشر دوستانه یا معاهدات بین المللی تنظیم کننده استفاده از قوه قهریه در درگیری های مسلحانه منطبق نمی باشد.

- در پرونده Sirin Yilmaz v. Turkey، جایی که همسر خواهان در اثر گلوله های توپخانه کشته شد، دادگاه استراسبورگ ورای هر گونه شک معقول نتوانست به این نتیجه گیری دست یابد که قربانی به عمد یا از روی بی پروایی توسط نیروهای امنیتی کشته شده است (Zengin v. Turkey, § 44). (همچنین ببینید پرونده Zengin v. Turkey, § 44).

- در مقابل، دادگاه استراسبورگ دریافت که مجروح شدن خواهان اول و کشته شدن بستگان به جا مانده خواهان ها در اثر شلیک خمپاره توسط سربازان در نزدیکی مرز ایران به دلیل آنکه آنها به طور غیرقانونی از یک منطقه نظامی ممنوعه عبور کرده بودند، استفاده نامتناسب از قوه قهریه ای که مطلقاً ضروری نبود محسوب می شد (Bisar Ayhan v. Turkey, § 74).

123. دادگاه در ادامه تاکید نموده است که ماده 2 می بایست تا حد امکان با توجه به اصول کلی حقوق بین الملل از جمله قواعد حقوق بین الملل بشر دوستانه که نقشی ضروری و لحاظ جهانی پذیرفته شده در کاهش درگیری های نظامی وحشیانه و غیر انسانی ایفا می کند- تفسیر شود. در منطقه ای از درگیری های بین المللی، دولت های متعاقد این کنوانسیون وظیفه دارند تا از جان آنهایی که هیچ نقش و دخالتی در منازعات نداشته و یا هم اکنون ندارند حفاظت نمایند. این امر، ارائه خدمات پزشکی به زخمی ها را نیز شامل می شود. در جاییکه جنگجویان مرده اند یا زخم ها آن ها را از پای در آورده اند، ضرورت پاسخگویی، دفن مناسب اجساد را ایجاب می کند و مقامات را ملزم به جمع آوری و تهیه اطلاعات راجع به هویت و سرنوشت سایر افراد می نماید یا می بایست به نهادهایی نظیر کمیته بین المللی صلیب سرخ اجازه انجام چنین کارهایی داده شود (*Varnava and Others v. Turkey* [GC], § 185)؛ بنابراین، حتی در موقعیت درگیری های مسلحانه بین المللی، تضمین های مندرج در این کنوانسیون همچنان می بایست اعمال شوند، هرچند که بر اساس مقررات حقوق بین الملل بشردوستانه، تفسیر شوند (*Hassan v. the United Kingdom* [GC], § 104).

5. مفقود شده ها

الف. احتمال فوت (مرگ فرضی)

124. در مواردی که فردی در سلامتی کامل تحت بازداشت قرار گیرد، اما در زمان آزادی وی معلوم شود که مجروح شده است، این وظیفه دولت است که توضیحی موجه و منطقی در مورد چگونگی ایجاد این جراحات ارائه دهد، در غیر این صورت موضوعی بر اساس ماده 3 کنوانسیون مطرح می شود. در همین راستا، ماده 5، تعهدی را بر مقامات تحمیل می نماید که آنان می بایست در خصوص محل نگهداری هر شخصی که در بازداشت به سر می برد و بدین ترتیب تحت کنترل مقامات قرار گرفته است، پاسخگو باشند. اینکه آیا عدم ارائه توضیحی موجه و قابل قبول از سوی مقامات در خصوص سرنوشت یک بازداشتی، در صورت مفقود شدن وی، ممکن است موضوعاتی را نیز بموجب ماده 2 این کنوانسیون مطرح نماید، به همه شرایط و اوضاع و احوال پرونده و به ویژه وجود قرائن و اماره های مبتنی بر مولفه هایی منسجم، بستگی دارد، چرا که بر اساس همه اینها می توان به این معیار ضروری ادله اثبات دست یافت که می بایست فرض شود فرد بازداشت شده فوت نموده است (*Timurtas v. Turkey*, § 82).

125. از این نظر، مدت زمانی که یک فرد در بازداشت قرار گرفته است، گرچه به خودی خود تعیین کننده نیست، لیکن یک عامل مهمی است که می بایست مورد توجه قرار گیرد. باید پذیرفت که هر چه زمان بیشتری بدون هیچ گونه خبری از شخص بازداشت شده می گذرد احتمال اینکه وی فوت کرده باشد بیشتر می شود. بنابراین، گذر زمان ممکن است تا حدی بر ارزش و اهمیت سایر مولفه های آن قرائن و امارات تاثیر بگذارد قبل از آنکه بتوان به این نتیجه گیری دست یافت که شخص مورد نظر فرضا فوت کرده است. بر این مبنا، دادگاه استراسبورگ مقرر می دارد که این وضعیت مسائلی فراتر از صرف بازداشت غیرقانونی در نقض ماده 5 را مطرح می سازد. چنین تفسیری با توجه به حمایت موثر از حق حیات آنگونه در ماده 2 تصریح شده است که بعنوان یکی از بنیادی ترین مقررات این کنوانسیون به شمار می آید (*Tanis and Others v. Turkey*, § 201).

126. با این حال، این اماره فوت بطور قهری و غیر ارادی نمی باشد و صرفا با بررسی اوضاع و احوال پرونده از جمله مولفه های مرتبط نظیر مدت زمانی که از دیده شدن آن شخص یا شنیدن راجع به زنده بودن وی می گذرد- حاصل می شود (*Varnava and Others v. Turkey* [GC], § 143)؛ *AslaKhanova and Others v. Russia*, § 100).

127. علاوه بر این، رای به مداخله دولت در مفقود شدن یک فرد، شرطی اساسی و لازم بمنظور احراز اینکه که آیا آن شخص را می توان مرده فرض کرد یا نه، نمی باشد. در برخی شرایط، مفقود شدن یک شخص ممکن است به خودی خود تهدیدکننده زندگی یک فرد تلقی شود (*Medova v. Russia*, § 90).

128. به عنوان مثال؛ در خصوص درگیری ها در چچن، دادگاه استراسبورگ به این نتیجه رسیده است که وقتی شخصی توسط مامورین ناشناس بازداشت می شود و بعدا بدون هیچ گونه تایید و اعلام این بازداشت، به زندان می افتد، این می تواند بعنوان اقدام تهدید کننده جان شخص تلقی شود (*Baysayeva v. Russia*, § 119؛ *Beksultanova v. Russia*, § 83).

129. به همین ترتیب، دادگاه استراسبورگ بر این باور است که مفقود شدن یک فرد در جنوب شرقی ترکیه بین سال های 1992 و 1996 می تواند تهدید کننده حق حیات تلقی گردد (*Osmanoglu v. Turkey*, §§ 57-58؛ *Meryem Celik and Others v. Turkey*, § 58). به ویژه چنانچه آن شخص بوسیله مقامات متهم به همکاری با "P.K.K" باشد (*Enzile Ozdemir v. Turkey*, § 45).

ب. مسئولیت دولت در قبال مرگ احتمالی

130. در مواردی که عقیده دادگاه استراسبورگ کاملا مشخص شده است که ماورای هر گونه شک معقول، شخصی که مفقود شده است می بایست پس از بازداشت غیر رسمی وی توسط مامورین دولتی، مرده فرض شود و دولت مسئول آن شناخته شود. حال از آنجا که چنین شرایطی هیچ گونه

توجیهی بر اساس هیچ یک از دلایل ذکر شده در بند دوم ماده 2 این کنوانسیون ارائه نمی کند، بنابراین، دادگاه استراسبورگ دولت مربوطه را مسئول مرگ احتمالی شخص مفقود شده می داند (101 § *Akdeniz and Others v. Turkey*; 331 § *Orhan v. Turkey*; 168 § *Ipek v. Turkey*; 111 § *Bazorkina v. Russia*; 99 § *Magomadov and Others v. Russia*; 60 § *Meryem Celik and Others v. Turkey*; *Mikiyeva*; 160 § *and Others v. Russia*; 83 § *Kushtova and Others v. Russia (No. 2)*; و در مواردی نیز دادگاه استراسبورگ این دولت ها را مسئول نمی شناسد (219-217 § *Tahsin Acar v. Turkey* [GC]; 68 § *Nesibe Haran v. Turkey*; 79 § *Shafiyeva v. Russia*; 97 § *Kagirov v. Russia*).

ج. مسئولیت دولت در حمایت از حق حیات

131. ناپدید شده شخصی در شرایط تهدید کننده ی حیات، دولت مربوطه را به موجب تعهدات مثبت ذاتی مندرج در ماده 2 این کنوانسیون ملزم به اتخاذ تدابیر عملی در جهت حمایت و حفاظت از حق حیات فرد مفقود شده می نماید (132 § *Koku v. Turkey*; *Osmanoglu v. Turkey*, § 75).

132. در همین رابطه، هر گونه سهل انگاری مقامات تحقیق و نظارت در مواجهه با تهدیدات واقعی و قریب الوقوع نسبت به جان یک فرد معین ناشی از عملکرد فراقانونی مامورین دولتی، ممکن است به نقض تعهدات مثبت دولت ها در حمایت از حق حیات منجر شود (*Gongadze v. Ukraine*, § 170; 100-101 § *Turluyeva v. Russia*).

6. قتل های ارتكابی توسط عوامل دولتی در جایگاه شخصی

133. دولت های متعاقد در راستای مفاد این کنوانسیون در برابر نقض حقوق بشر بموجب اعمال ارتكابی مامورین خود به هنگام انجام وظیفه، مسئول می باشند (53 § *Krastanov v. Bulgaria*). اینکه آیا شخصی در راستای اهداف این کنوانسیون مامور دولت بوده یا خیر بر مبنای معیارهای چندگانه ای مشخص می شود که از جمله یکی از آنها، معیار تبعیت (وابستگی شخص به شغل و حرفه خود) می باشد (*Fergec v. Croatia*, § 36). این دادگاه همچنین تصریح نموده است که در مواردی که رفتار مامور دولتی غیرقانونی باشد، این سوال که آیا اعمال مورد اعتراض را می توان به دولت منتسب کرد یا نه خود مستلزم ارزیابی کلیت اوضاع و احوال و در نظر گرفتن ماهیت و شرایط رفتار مورد بحث می باشد (*Saso v. Gorgiev v. the Former Yugoslav Republic of Macedonia*, §§ 47-48).

134. به ویژه، این دادگاه مقرر داشته است که دولت ها، در اصل، مستقیماً مسئول هر گونه قتل ارتكابی یا جراحات وارده توسط مامورین دولتی در موقعیت و سمت شخصی آنان نمی باشند، مگر آنکه این مامورین به هنگام ارتكاب عمل غیرقانونی مورد بحث، با حداقل اغماض و مسامحه از سوی مقامات مسئول، صرفنظر از اینکه آن مامور دولتی در هنگام انجام آن عمل در راستای موقعیت و وظیفه دولتی اش بوده یا شخصی، از سمت و موقعیت دولتی خود سوء استفاده نموده باشد (290 § *Enukidze and Girvliani v. Georgia*; 93 § *Kotelnikov v. Russia*; *Fergec v. Croatia*, § 36).

135. با این حال، در چنین شرایطی، تعهد دولت ها در اتخاذ اقدامات مقتضی در جهت تضمین حیات افرادی که در صلاحیت یا قلمرو قضایی آنان می باشند، باقی است (31-40 § *Gorovenky and Bugara v. Ukraine*).

136. در یک پرونده اخیر که یک افسر آذربایجانی یک افسر ارمنی را کشته و یک سرباز ارمنی دیگر را در حین شرکت در دوره ناتو در بوداپست تهدید به مرگ کرده بود، دادگاه استراسبورگ بر این باور است که دولت آذربایجان را نمی توان مسئول اعمال مورد بحث دانست. بر این مبنای، این دادگاه اهمیت اساسی را به این واقعیت داد که شخص مرتکب در اجرای وظایف رسمی خود یا به دستور مافوق خود عمل نکرده است. دادگاه همچنین استدلال خواهان ها را بر اساس ماده 11 پیش نویس مواد سازمان ملل در مورد مسئولیت بین المللی دولت ها راجع به اقدامات اشتباه رد نمود: در حالیکه اقدامات اتخاذ شده توسط دولت آذربایجان آشکارا تایید و تصدیق اقدامات کیفری مرتکب را نشان می داد، البته، بطور قانع کننده ای نشان داده نمی شد که دولت آذربایجان به وضوح و بطور صریحی اقدامات او را به عنوان اعمال خود تایید و تصدیق نموده باشد، بنحوی که بطور مستقیم و قاطعانه مسئولیت قتل یک قربانی و تلاش برای قتل قربانی دیگر را پذیرفته باشد (*Makuchyan and Minasyan v. Azerbaijan and Hungary*, §§ 111-118).

137. در مقابل، در پرونده ای که به قتل هدفمند یک ناراضی و پناهنده سیاسی روسی در بریتانیا بوسیله میزان زیادی پولونیوم 210، مربوط می شد، دادگاه استراسبورگ با توجه به شواهد ظاهری دال بر مداخله دولت مبنی بر آنکه دولت خوانده موفق به ربودن قربانی نشده بود، دریافت که دو فرد روسی که تحقیقات داخلی در بریتانیا آنها را بعنوان مرتکب نشان داده بود، به عنوان عوامل دولتی عمل می کردند و از این رو این اقدام مورد شکایت به دولت روسیه نسبت داده می شد (162-169 § *Carter v. Russia*).

<p>پاراگراف اول ماده 2 کنوانسیون</p> <p>"1. حق حیات همه افراد می بایست مورد حمایت قانون واقع شود...."</p>
<p>کلید واژه های پایگاه داده HUDOC</p> <p>تحقیقات موثر (1-2)</p>

الف. گستره ی تعهدات شکلی

138. تعهدات شکلی دولت ها برای اولین بار نسبت به کاربرد قوه قهریه مرگبار توسط مامورین دولتی، مطرح گردید که بموجب آن دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که ممنوعیت قانونی و همه جانبه قتل های خودسرانه توسط مامورین دولتی موثر نخواهد بود، چنانچه در عمل، هیچ رویه ای برای بررسی قانونی بودن کاربرد قوه قهریه مرگبار توسط مقامات دولتی وجود نداشته باشد. این دادگاه تاکید نموده است که تعهد به حمایت از حق حیات بموجب این ماده، می بایست همواره با وظیفه کلی دولت ها بر اساس مفاد ماده 1 این کنوانسیون مبنی بر "تضمین حقوق و آزادی های تعریف شده در این کنوانسیون برای همه افراد در صلاحیت قضایی"، تفسیر گردد و همه ی اینها دلالت بر این دارد که هنگامی که افراد در نتیجه کاربرد قوه قهریه کشنده بوسیله از جمله مامورین دولتی کشته شده باشند، می بایست نوعی تحقیقات رسمی موثر انجام شود (*McCann and Others v. the United Kingdom*, § 161).

139. از آن زمان به بعد، دادگاه استراسبورگ پذیرفته است که این تعهد در شرایط و اوضاع و احوال گوناگونی ایجاد می شود، شرایطی که در آن، فردی متحمل صدماتی جانی شده و منجر به فوت وی گردیده یا که در اوضاع و احوالی مشکوک یا خشونت آمیزی ناپدید شده است؛ صرف نظر از اینکه افراد مسئول مورد ادعا مامورین دولتی یا اشخاص خصوصی بوده یا ناشناس باشند و یا اقدام توسط خود فرد صورت گرفته باشد. بطور مثال، در پرونده راجع به خشونت در بین زندانیان (*Paul Audrey Edwards v. the United Kingdom*, § 69)؛ یا در پرونده راجع به قتل های ارتكابی توسط زندانیانی که از آزادی زودهنگام یا طرح های باز اجتماعی شدن بهره مند گردیده بودند (*Maiorano and Others v. Italy*, §§ 123-126)؛ یا ترور افراد مشهور (*Kolevi v. Bulgaria*, §§ 191-215)؛ یا راجع به خشونت های خانگی (*Opuz v. Turkey*, § 150)؛ یا راجع به مرگ ها یا ناپدید شدن های مشکوک (*Tashin Acar v. Turkey [GC]*, § 226؛ *Iorga v. Moldova*, § 26)؛ یا راجع به خودکشی (*Trubnikov v. Russia*)؛ (*Vasilca v. the Republic of Moldova*, § 28؛ *Mosendz v. Ukraine*, § 92).

این تعهد از مفاد ماده 2 این کنوانسیون نشأت گرفته است، بدین معنا که تکلیفی را بر عهده دولت های متعاقد جهت تضمین حق حیات، با وضع مقررات کیفری موثر از سوی آن دولت ها، بمنظور جلوگیری از ارتكاب جرایم علیه اشخاص، با حمایت دستگاه های مجری قانون در راستای پیشگیری، سرکوب و مجازات ناقضان چنین مقرراتی، تحمیل می نماید. این تعهد به طور ضمنی مستلزم آن است که می بایست تحقیقات رسمی و موثری در صورت وجود دلیل یا دلایلی مبنی بر اینکه در اوضاع و احوالی مشکوک، شخصی متحمل آسیب های جانی شده است، انجام گردد؛ حتی چنانچه مرتکب فرضی آن حمله مرگبار عامل دولتی نباشد (*Mustafa Tunc and Fecire Tunc v. Turkey [GC]*, § 171).

140. این دادگاه علاوه براین گستره ی این تعهد را نسبت به شرایطی که در آن، شخصی متحمل آسیب های جانی شده یا شرایطی که در آن، جان شخصی احتمالا به دلیل سهل انگاری مقام دولتی از دست رفته است نیز توسعه داده است (مشاهده کنید، برای مثال، در زمینه مراقبت های بهداشتی (*Lopes De Sousa Fernandes v. Portugal [GC]*, § 214)؛ و تصادفات جاده ای (*Anna Todorova v. Bulgaria*, § 72)). در چنین پرونده هایی، دادگاه استراسبورگ اظهار داشته است که ماده 2 این کنوانسیون همچنین می بایست الزام دولت ها به ایجاد یک سیستم قضایی مستقل و موثری را مقرر داشته به نحوی که ابزارهای قانونی امکان اثبات حقایق را فراهم ساخته تا افراد مقصر را وادار به پاسخگویی و جبران خسارت مناسب به قربانی نماید (*Sinin v. Turkey*, § 59؛ *Ciechonska v. Poland*, § 66). در چنین مواردی، این دادگاه با انطباق های معین و به صورت مقطعی، اصول کلی مربوط به وظیفه انجام تحقیق، به ویژه معیارهای حداقلی لازم را تغییر داده است³.

³. به بخش تعهدات شکلی (رویه ای) در رابطه با مرگ یا صدمات جدی مراجعه کنید.

141. هنگامی که قربانی یک حمله مرگبار، یک مامور دولتی است که وظایف رسمی خود را انجام می دهد، دادگاه استراسبورگ تأکید می نماید که تعهدات شکلی دولت مستلزم تحقیقاتی مضاعف در مورد این است که آیا افعال یا ترک فعل هایی سهل انگارانه مقامات نیز مستقیماً در تحقق آن مرگ نقش داشته است یا خیر؟ (Ribcheva and Others v. Bulgaria, §§ 125-130).

ب. رابطه بین بخش شکلی و ماهوی

142. تعهد دولت ها برای انجام تحقیقاتی موثر در رویه قضایی دادگاه استراسبورگ بعنوان تعهد ذاتی مندرج در ماده 2 مطرح شده است که مستلزم آن است که از جمله حق حیات بموجب قانون مورد حمایت واقع شود. اگرچه عدم رعایت چنین تعهدی ممکن است پیامدهایی برای حق مورد حمایت بموجب ماده 13 داشته باشد. در این میان، تعهد شکلی ماده 2 بعنوان تعهدی مجزا تلقی می شود (Ilhan v. Turkey [GC], §§ 91-92)؛ این ممکن است منجر به اخذ یک نتیجه مبنی بر مداخله ای مستقل و جداگانه از سوی دولت ها در حق های مورد حمایت گردد. این نتیجه از این واقعیت ناشی می شود که دادگاه استراسبورگ همواره مسائل راجع به تعهدات شکلی را به طور جداگانه از مسائل ناشی از رعایت تعهدات ماهوی بررسی کرده است و در صورت لزوم، بطور جداگانه رای به نقض ماده 2 از آن جهت داده است و این واقعیت وجود دارد که به دفعات، نقض تعهدات شکلی بموجب ماده 2 در صورت فقدان هر گونه شکایت در خصوص جنبه ماهوی مطرح شده است (Armania Da Silva v. the United Kingdom [GC], § 231).

ج. هدف تحقیقات

143. هدف اساسی از انجام تحقیقات بموجب ماده 2، تضمین اجرای موثر قوانین داخلی جهت حمایت از حق حیات و در مواردی که در ارتباط با مامورین یا نهادهای دولتی می باشد، در جهت تضمین و اطمینان از پاسخگویی آنها در مورد مرگ های ناشی از مسئولیتشان می باشد (Hugh Jordan v. the United Kingdom, § 105؛ Nachova and Others v. Bulgaria [GC], § 110؛ Al-Skeini and Others v. the United Kingdom [GC], § 163).

د. شکل تحقیقات

144. اینکه چه شکلی از تحقیقات، اهداف ماده 2 را محقق می سازد بسته به شرایط و اوضاع و احوال هر پرونده ممکن است متفاوت باشد. با این وجود، هر حالت و طریقی که بکار رود، مقامات می بایست هنگامی که موضوعی نزد آنان مطرح می شود بر اساس پیشنهاد و نظر خودشان عمل کنند. آنها نمی توانند شکل و حالت این تحقیقات را بر اساس ابتکار نزدیک ترین خویشاوندان فرد قربانی چه از طریق طرح یک شکایت رسمی و چه از طریق پذیرفتن مسئولیت انجام هر گونه اقدام تحقیقاتی، به آنان محول نمایند (Al-Skeini and Others v. the United Kingdom [GC], § 165).

145. در رابطه با قتل هایی که گفته می شود توسط یا در تباری با مامورین دولتی صورت گرفته است، رسیدگی های حقوقی که به ابتکار نزدیکترین خویشاوندان فرد قربانی انجام شده نه به وسیله مقامات دولتی، و مستلزم شناسایی یا مجازات هیچ مرتکبی نمی باشد را نمی توان در ارزیابی راجع به رعایت و پیروی دولت ها از تعهدات شکلی بموجب ماده 2 این کنوانسیون مورد توجه و ملاحظه قرار داد (Hugh Jordan v. the United Kingdom, § 141)؛ چرا که در چنین مواردی، تعهدات شکلی دولت ها بموجب مفاد ماده 2، صرفاً با اعطای خسارت محقق نمی گردد (Mckerr v. the United Kingdom (dec.), § 121؛ Bazorkina v. Russia, § 117؛ Al-Skeini and Others v. the United Kingdom [GC], § 165).

146. دادگاه استراسبورگ توضیح داده است که در موارد راجع به قتل، تفسیر ماده 2 مستلزم تعهد به انجام تحقیقات رسمی می باشد، نه تنها به دلیل هر گونه ادعاهای راجع به چنین جرمی که معمولاً منجر به مسئولیت کیفری می گردد، بلکه همچنین به دلیل اینکه غالباً در عمل در رابطه با قتل هایی که ادعا می شود توسط یا با تباری مامورین دولتی صورت گرفته است نیز قابل توجیه می باشد. البته مقامات دولتی ممکن است تا حد زیادی به تنهایی مطلع از احوال واقعی راجع به مرگ ها باشند، به نحوی که طرح دعاوی و رسیدگی های مقتضی در نظام حقوقی کشورها از جمله تعقیب کیفری، دعاوی و رسیدگی های انتظامی و انضباطی و طرح دعوی به منظور جبران خسارت برای قربانیان یا خانواده ی آنها همگی منوط به انجام تحقیقات رسمی کافی توسط همین مقامات دولتی باشد (Khashiyev and Akayeva v. Russia, § 73؛ Makaratzis v. Greece [GC], §§ 120-121).

ه. ماهیت و میزان بررسی های دقیق

147. ماهیت و میزان بررسی دقیقی که حداقل آستانه اثر بخشی تحقیقات را محقق می سازد بستگی به اوضاع و احوال و شرایط خاص هر پرونده دارد. در واقع ماهیت و میزان بررسی دقیق می بایست بر اساس همه اطلاعات و حقایق مربوطه و با توجه به واقعیات عملی راجع به کار تحقیقاتی، مورد ارزیابی قرار گیرد (Centre for Legal Resources on behalf of Valentin Campeanu v. Romania [GC], § 147). بنابراین، نمی توان

تنوع این موقعیت هایی را که ممکن است اتفاق بیفتد به مجموعه از اقدامات عاری از انجام تحقیقات لازم و موثر یا سایر معیارهای ساده شده کاهش داد (80 Velikova v. Bulgaria, §).
 داد (80 Velikova v. Bulgaria, §).

148. در مواردی که قتل مشکوکی به دست یک مقام دولتی روی داده باشد، می بایست به طور ویژه ای، نظارت دقیق و سختگیرانه ای بوسیله مقامات داخلی کشورها به منظور انجام تحقیقات اعمال شود (277 Enukidze and Girgvliani v. Georgia, §؛ Armani Da Silva v. the United Kingdom [GC], § 234).

149. در خصوص مفقود شده ها، با توجه به این حقیقت که ناپدید شدن یک پدیده ی متفاوت و مشخصی می باشد که با یک وضعیت نامعلوم و مبهم و غیرقابل ارزیابی شناخته می شود که در آن کمبود اطلاعات و یا حتی پنهان کردن و پیچیده کردن عمدی آنچه اتفاق افتاده است وجود دارد و همه این وضعیت ها اغلب با گذشت زمان انجام می شود، طولانی شدن عذاب و شکنجه بستگان قربانی با مولفه متمایز دیگری متعاقباً راجع به عدم پاسخگویی در خصوص محل احتمالی و سرنوشت شخص گمشده منجر به ادامه وضعیت موجود می گردد. بنابراین، در چنین مواردی، تعهد شکلی به طور بالقوه ادامه خواهد یافت تا زمانی که سرنوشت آن شخص، نامعلوم باشد. در این میان، عدم انجام تحقیقات لازم و مستمر به عنوان نقض ادامه دار تلقی خواهد شد. این گونه است که در نهایت، شخص مفقود شده ممکن است مرده فرض شود (Varnava and Others v. Turkey [GC], § 148).

150. در پرونده های راجع به قتل های قراردادی، دادگاه استراسبورگ این نظر را اتخاذ نمود که در صورت نبود تلاش های واقعی و جدی تحقیقاتی برای شناسایی عامل فکری جنایت، یعنی شخص یا اشخاصی که این ترور را مرتکب شده اند، نمی توان تحقیقات را کافی دانست. در چنین مواردی، نظارت و بررسی دقیق از سوی مقامات می بایست هدفی فراتر از شناسایی یک قاتل داشته باشد (75-79 Mazepa and Others v. Russia, §§).

151. در مواردی که قربانی قتل یک روزنامه نگار می باشد، دادگاه استراسبورگ با اشاره به توصیه نامه 4 (2016) CM/Rec، در مورد حمایت از روزنامه نگاری و امنیت روزنامه نگاران و سایر عوامل رسانه ای، معتقد است که بررسی ارتباط احتمالی میان این جنایت و فعالیت حرفه ای روزنامه نگار، از اهمیت بسیاری برخوردار می باشد (73 Mazepa and Others v. Russia, §).

و. معیارهای تحقیقات

1. استقلال

152. برای انجام تحقیقات قانونی پیرامون ادعای قتل های غیرقانونی ارتكابی توسط مامورین دولتی، این امر ضروری تلقی می گردد که این تحقیقات نسبت به افراد مسئول انجام شده و کاملاً مستقل از افرادی باشد که در ارتكاب آن قتل دخیل می باشند. این نه تنها به معنای عدم ارتباط سلسله مراتبی و نهادی، بلکه همچنین به معنای یک استقلال عملی می باشد. آنچه در اینجا مورد بحث می باشد چیزی کمتر از اعتماد عمومی به انحصار دولت در استفاده از زور نیست (232 Armani Da Silva v. the United Kingdom [GC], §).

153. الزامات ماده 2 مستلزم بررسی دقیق و همه جانبه راجع به استقلال تحقیقات به جای یک ارزیابی انتزاعی (نظری) می باشد (Mustafa Tunc and Fecire Tunc v. Turkey [GC], § 222).

154. علاوه بر این، ماده 2 مستلزم آن نیست که اشخاص و نهاد های مسئول تحقیقات از استقلال مطلق برخوردار باشند، بلکه تا حدی مستلزم آن است که آن اشخاص و نهادهای تحقیق از اشخاص و سازمان هایی که ممکن است در نقض این ماده دخیل بوده، مستقل باشند. میزان استقلال مورد لزوم و کافی با توجه به همه ی اوضاع و احوال، ضرورتاً برای هر پرونده بطور خاص مورد ارزیابی قرار می گیرد (223 ibid, §).

155. با این حال، در مواردی که استقلال قانونی یا نهادی مورد سوال باشد، چنین وضعیتی اگر چه تعیین کننده نمی باشد، لیکن مستلزم بررسی دقیقی از سوی دادگاه استراسبورگ راجع به اینکه آیا این تحقیقات به شیوه ای مستقل انجام شده است یا خیر؟ می باشد. در مواردی که موضوعی راجع به استقلال و بی طرفی یک تحقیق مطرح می شود، رویکرد صحیح مبتنی بر بررسی این است که آیا و به چه میزان شرایط مورد بحث، اثر بخشی و ارزش این تحقیقات و قابلیت آن در روشن نمودن شرایط مرگ و مجازات افراد مسئول را زیر سوال برده و بی اعتبار می سازد (224 ibid, §).

156. در این خصوص، دادگاه استراسبورگ تأکید نموده است که دادستان ها ناگزیر از اعتماد و استناد به اطلاعات و وابسته به حمایت و پشتیبانی پلیس می باشند و البته این به خودی خود منجر به این نتیجه گیری نمی گردد که دادستان ها در مقابل نیروی پلیس از استقلال کافی برخوردار نمی باشند، بلکه در مقابل، چنانچه بین دادستان با یک نیروی پلیس بطور خاص، رابطه ی کاری نزدیکی وجود داشته باشد، مسائل و مشکلاتی بوجود می آید (344 Ramsahai and Others v. the Netherlands [GC], §).

157. دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که تحقیقاتی که فاقد استقلال تشخیص داده می شوند در مواردی است که بطور مثال بازرسان خود:

- مظنونان بالقوه بودند (66 §, *Bektas and Ozalp v. Turkey*; 342 §, *Orhan v. Turkey*):

- شرکای نزدیک و مستقیم افراد تحت تحقیق بودند و یا احتمالاً این چنین می باشند (, [GC], *Ramsahai and Others v. the Netherlands*):

335-341 §§, 85 and 95 §, *Emars v. Latvia*):

- در یک رابطه سلسله مراتبی با مظنونان بالقوه می باشند (74 §, *Sandru and Others v. Romania*; *Enukidze and Girgvliani v.*

Georgia, 247 et seq. §):

158. در بعضی پرونده ها، دادگاه استراسبورگ برخی اقدامات خاص از سوی نهادهای تحقیق را بعنوان اماره ای مبنی بر عدم استقلال تفسیر کرده است. نظیر:

- عدم انجام تدابیر و اقدامات مشخصی که موجب روشن شدن اوضاع و احوال پرونده می گردد (§§, *Sergey Shevchenko v. Ukraine*):

72-73):

- دادن اعتبار و ارزش بیش از حد به اظهارات مظنونین (89 §, *Kaya v. Turkey*):

- عدم مذاقه و بررسی برخی روش ها و رویه های ضروری تحقیق (90-91 §§, [GC], *Ogur v. Turkey*):

- عدم تمایل به انجام تحقیق (123-124 §§, *Rupa v. Romania (no.1)*):

159. دادگاه استراسبورگ در شرایط و اوضاع و احوال ذیل مسئله ای راجع به استقلال تحقیقات احراز نموده است:

- صرف این واقعیت که مامورین تحقیق و اشخاص مورد تحقیق و بازجویی شده در خصوص یک عملیات نظامی انجام شده در خارج از کشور،

در یک مکان مشترک بسر می بردند، دلیلی بر عدم استقلال آنان نمی باشد (189 §, [GC], *Jaloud v. the Netherlands*):

- در موردی که یک دادگاه نظامی تحقیقاتی را مورد بازنگری قرار داده لیکن خود از استقلال قانونی کاملی برخوردار نبوده باشد را نمی توان دلیلی

بر عدم استقلال این نهاد دانست، چنانچه این دادگاه فاقد هر گونه روابط سلسله مراتبی و نهادی مستقیم و یا سایر روابط با مظنونین اصلی احتمالی

بوده و همچنین رویکرد و روش خاص این دادگاه منعکس کننده فقدان بیطرفی یا عدم استقلال آن در انجام تحقیقات نباشد (*Mustafa Tunc and*

Fecire Tunc v. Turkey [GC], § 254).

2. کفایت

160. یک تحقیق می بایست موثر باشد؛ بدین منظور که می بایست در چارچوب ماده 2 این کنوانسیون قابل درک باشد. تحقیق درباره مرگی که طرف

متعاقد را بموجب ماده 2 مسئول می داند می بایست در ابتدا از اصل کفایت برخوردار باشد (*Ramsahai and Others v. the Netherlands* [GC], § 324).

این بدان معناست که یک تحقیق می بایست منتهی به این نتیجه شود که آیا قوه قهریه مورد استفاده در آن شرایط قابل توجیه بوده

است یا خیر و اینکه آیا قادر به شناسایی و تعیین قوه قهریه توجیه پذیر می باشد یا نه و در نهایت آیا در صورت مقتضی منتهی به مجازات افراد

مسئول می گردد یا خیر (243 §, [GC], *Armani Da Silva v. the United Kingdom*). این امر، یک تعهد به نتیجه نمی باشد، بلکه تعهد به وسیله

است (223 §, [GC], *Tahsin Acar v. Turkey*; 186 §, [GC], *Jaloud v. the Netherlands*).

161. مقامات برای حفظ شواهد مربوطه به حادثه می بایست بتوانند هر اقدام منطقی لازم را اتخاذ نمایند؛ از جمله شهادت شاهدان عینی، شواهد

پزشکی قانونی و در صورت لزوم کالبد شکافی که گزارش و شرح کامل و دقیقی از آسیب ها و تجزیه و تحلیل عینی یافته های بالینی از جمله علت

مرگ را ارائه می دهد (233 §, [GC], *Armani Da Silva v. the United Kingdom*). در این رابطه، دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که

تحقیقات موثر ممکن است، در برخی شرایط، علیرغم مخالفت خانواده، مستلزم نبش قبر اجساد متوفی باشد (*Solska and Rybicka v. Poland*, §§ 120-121).

علاوه بر این، در موارد کاربرد قوه قهریه توسط مامورین دولتی، تحقیقات همچنین می بایست موثر باشد، بدین معنا که این

تحقیقات می بایست منتهی به این نتیجه گیری گردد که آیا قوه قهریه مورد استفاده قابل توجیه می باشد یا خیر (*Armani Da Silva v. the*

United Kingdom [GC], § 233). هر گونه نقص و کاستی در انجام تحقیقات که قابلیت آن در اثبات علت مرگ و یا توانایی شخص و یا اشخاص

مسئول در این رابطه را تضعیف سازد، خطر نقض این معیار (کفایت تحقیقات) را در پی خواهد داشت (*Al-Skeini and Others v. the United*

Kingdom [GC], § 166).

162. به ویژه، نتایج این تحقیقات می بایست مبتنی بر یک تحلیل کامل، عینی و بی طرفانه از همه عناصر مرتبط باشد. عدم پیروی از یک مسیر روشن و آشکار، قابلیت آن تحقیق را تا حد معینی در احراز شرایط و اوضاع و احوال پرونده و شناسایی افراد مسئول، تضعیف می سازد (*Mustafa v. Turkey* [GC], § 175).

163. دادگاه استراسبورگ انجام تحقیقات را ناکافی دانسته است، هنگامی که برای مثال:

- تحقیقات راجع به یک شلیک مرگبار توسط پلیس در حین تلاش برای دستگیری، بموجب نواقص ذیل مخدوش گردد: نظیر عدم انجام آزمایشات بروی دستان افسران به منظور یافتن آثار گلوله های شلیک شده، عدم اقدام به بازسازی صحنه، عدم بررسی سلاح ها و مهمات، فقدان گزارشات مصور کافی راجع به آسیب های شدید ایجاد شده بروی بدن قربانی ناشی از گلوله کشنده، عدم اقدام به جداسازی افراد درگیر در آن حادثه قبل از بازجویی (*Ramsahai and Others v. the Netherlands* [GC], §§ 326-332)؛

- تحقیقات پزشکی قانونی ناقص باشد (*Tanli v. Turkey*, § 153)؛

- مقامات متن راجع به اطلاعات ارائه شده توسط مامورین دولتی که متهم بودند را بدون استماع شاهدان دیگری پذیرفته باشند (*Ozlap and Others v. Turkey*, § 45)؛ یا به گزارش تهیه شده توسط آنها بسیار استناد نموده و اعتماد جدی داشته اند (*Ikincisoy v. Turkey*, § 78)؛

- هیچ گونه تحقیقی در مورد گزارش سفر هواپیما که مولفه ای کلیدی در شناسایی احتمالی و تعقیب کسانی که مسئول مباران روستاهای غیرنظامیان توسط هواپیماهای نظامی بودند انجام نشده باشد (*Benzer and Others v. Turkey*, § 196)؛

- تحقیقات در مورد قتل قراردادی یک روزنامه نگار تحقیقی تنها بر روی یک مسیر تحقیقی واحد بدون بررسی سایر ادعاها متمرکز باشد (*Mazepa and Others v. Russia*, §§ 77-79).

164. در مقابل، در موارد ذیل، دادگاه استراسبورگ هیچ گونه مسئله ای در خصوص کفایت انجام تحقیقات، با توجه به اقدامات مختلف اتخاذ شده توسط مقامات دولت های عضو متعاقد، احراز نمود:

- تحقیقات راجع به مرگ پسر و برادر خواهان ها در دوران خدمت سربازی (*Mustafa Tunc and Fecire Tunc v. Turkey* [GC], § 209)؛

- تحقیقات راجع به تیراندازی مرگبار به شخصی که به اشتباه به عنوان یک تروریست مظنون شناسایی شده بود (*Armani Da Silva v. the United Kingdom* [GC], § 286)؛

- تحقیقات راجع به تیراندازی کشنده به یک تظاهرکننده (معترض) توسط نیروهای امنیتی در جریان اجلاس "G8" (*Giuliani and Gaggio v. Italy* [GC], § 309)؛

- تحقیقات مربوط به ناپدید شدن شوهر خواهان در طول جنگ در بوسنی و هرزگوین (*Palic v. Bosnia and Herzegovina*, §§ 64-66)؛

3. فوریت و شتاب معقولانه

165. ماده 2 مستلزم این است که تحقیقات می بایست با فوریت شروع شود (*Armani Da Silva v. the United Kingdom* [GC], § 237)، و با سرعت و شتاب معقول و منطقی ادامه یابد (*Giuliani and Gaggio v. Italy* [GC], § 305).

166. دادگاه استراسبورگ می پذیرد که ممکن است موانع یا مشکلاتی وجود داشته باشد که مانع از پیشرفت در انجام تحقیقات در یک موقعیت خاص گردد، لیکن بر این باور است که واکنش فوری مقامات در تحقیقات مربوط به کاربرد قوه قهریه مرگبار، به طور کلی می تواند بمنظور حفظ اعتماد عمومی در پایداری آنها به حاکمیت قانون و به منظور جلوگیری از هر گونه اقدام به تبانی یا اغماض در اعمال غیرقانونی، ضروری تلقی گردد (*Armani Da Silva v. the United Kingdom* [GC], § 167؛ *Tahsin Acar v. Turkey* [GC], § 224؛ *Skeini and Others v. the United Kingdom* [GC], § 167). (*Kingdom* [GC], § 237).

167. دادگاه استراسبورگ خاطر نشان ساخت که گذشت زمان نه تنها موجب تضعیف تحقیقات می گردد، بلکه همچنین گذشت زمان به طور قطعی موجب از بین رفتن فرصت های تکمیل تحقیقات می شود (*Mocanu and Others v. Romania* [GC], § 337).

168. دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که از جمله در پرونده های ذیل، مقامات دولتی نتوانسته اند تحقیقات را با فوریت کافی و مناسب و با سرعت معقولی انجام دهند:

- در پرونده راجع به تحقیقات قضایی انجام شده در خصوص کشته شدن بستگان خواهان توسط نیروهای امنیتی در جریان یک عملیات نظامی، که هشت سال پس از مرگ وی آغاز شده بود (*Kelly and Others v. the United Kingdom*, § 136)؛

- در پرونده راجع به رسیدگی کیفی که با هدف روشن شدن حقایق، شناسایی و مجازات کسانی که مسئول مرگ بستگان خواهان در بازداشتگاه پلیس بودند و تقریباً 15 سال در جریان بود (Nafiye Cetin and Others v. Turkey, § 42)؛
- در پرونده ای در خصوص جلسه رسیدگی به تحقیقات راجع به کشته شدن آقای موناکو در جریان اعتراضات سال 1990 علیه رژیم رومانی، بطور کلی، بیش از 23 سال در حال بررسی بود (Mocanu and Others v. Romania [GC], § 348)؛
- در پرونده راجع به جلسه بازجویی که 13 سال پس از قتل بستگان خواهان ها توسط نیروهای امنیتی در ایرلند شمالی، آغاز شد (Hemsworth v. the United Kingdom, § 74).
- در پرونده راجع به تحقیقات در خصوص آدم ربایی و قتل همسر خواهان در سال 1991 که با تاخیرهای غیرقابل توضیح به ستوه آمده بود (Jelic v. Croatia, § 91).
- در پرونده راجع به انجام تحقیقات در مورد قتل قراردادی یک روزنامه نگار تحقیقی، به ویژه در خصوص هویت افرادی که این جنایت را مرتکب شده بودند، پس از 11 سال همچنان در حال بررسی بود (Mazepa and Others v. Russia, § 81).
169. با این حال، دادگاه استراسبورگ معتقد نیست که طول و مدت زمان تحقیقات و یا رسیدگی های کیفی متعاقب آن، در پرونده های مربوط به قتل های ارتكابی که ادعا می شود توسط حزب الله انجام شده، بی اثر باشد. با توجه به ماهیت این جنایت، ارتكاب یک قتل توسط یک فرد ناشناس و تلاش های مورد نیاز جهت برپیدن سازمان جنایی، دادگاه استراسبورگ معتقد است که تحقیقات انجام شده در این پرونده ها هر چند طولانی باشد بی اثر نبوده و نمی توان ادعا کرد که مقامات هیچ اقدامی در رابطه با قتل بستگان خواهان انجام نداده اند (Bayrak and Others v. Turkey, §§ 54-55; Adiyaman v. Turkey (dec); نظیر تحقیقات راجع به کشته شده ها و مفقود شده ها در جریان درگیری مسلحانه (Palic v. Bosnia and Herzegovina, §§ 91-94; Zdjelar and Others v. Croatia, §§ 70).

4. نظارت همگانی و مشارکت خویشاوندان

170. برای تضمین مسئولیت پذیری عملی و نظری می بایست مولفه ی نظارت عمومی و همگانی مناسب راجع به تحقیقات یا نتایج آن وجود داشته باشد، با این حال، این شرط الزامی تا بدانجا پیش نمی رود که مستلزم افشاء همه جنبه های رسیدگی پس از انجام تحقیقات راجع به مرگ خشونت آمیز برای عموم مردم باشد یا برای مثال، انتشار اطلاعات کسب شده از تحقیقات یا انتشار گزارشات پلیس که ممکن است شامل مسائل و موضوعات حساسی توأم با آثار مخرب احتمالی بر اشخاص یا سایر تحقیقات باشد. بنابراین، بموجب ماده 2 این کنوانسیون نمی توان این مقرر (نظارت همگانی) را به عنوان یک شرط الزامی غیر ارادی و خود به خودی تلقی نمود، از این رو، میزان نظارت همگانی لازم از یک پرونده به پرونده دیگر، ممکن است متفاوت باشد (Ramsahai and Others v. the Netherlands [GC], § 353; Giuliani and Gaggio v. Italy [GC], § 304).
171. با این حال، در همه ی موارد، نزدیک ترین خویشاوند قربانی می بایست تا آنجا که برای تضمین منافع قانونی او لازم است در این روند (نظارت عمومی بر تحقیقات) مشارکت داشته باشد (Al-Skeini and Others v. the United Kingdom [GC], § 167). این بدان معنا نیست که مقامات تحقیق می بایست در جریان انجام تحقیقات، همه تقاضاهای مطرحه توسط خویشاوندان قربانی جهت انجام یک اقدام تحقیقی خاص را محقق سازند (Ramsahai and Others v. the Netherlands [GC], § 348; Giuliani and Gaggio v. Italy [GC], § 304). علاوه بر این، فقدان نظارت عمومی بر تحقیقات پلیس ممکن است با فراهم نمودن امکان دسترسی لازم برای عموم مردم یا خویشاوندان قربانی در طول سایر مراحل این روند جبران شود (Hugh Jordan v. the United Kingdom, § 121).
172. دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که ممکن است تحقیقات در دسترس خویشاوند قربانی نباشد یا اینکه دادگاه اجازه انجام نظارت عمومی کافی را در موارد ذیل ندهد:
- در مواردی که خانواده قربانی دسترسی به تحقیقات یا اسناد دادگاه نداشتند (Ogur v. Turkey [GC], § 92)، یا از تحولات و پیشرفت های مهم در انجام تحقیقات مطلع نبودند (Betayev and Betayeva v. Russia, § 88)؛ همچنین، در موردی که به خواهان جایگاه و وضعیت قربانی اعطا نگردیده و هیچ مرحله ای از تحقیقات به وی اطلاع داده نشده بود (Boychenko v. Russia, § 99).
- به همسر قربانی هیچ اطلاعاتی راجع به پیشرفت تحقیقات ارائه نشده است، نتوانسته است پرونده را به درستی بررسی کند و هیچ گزارشی در رابطه با اظهارات شهود یا سایر اقدامات شکلی به هنگام رسیدگی به وی داده نشده است (Mezhiyeva v. Russia, § 75).
- پدر مقتول از تصمیم راجع به عدم پیگرد قانونی مطلع نبود (Gulec v. Turkey, § 82)؛
- مشارکت خویشاوندان قربانی در انجام تحقیقات مشروط است به اینکه آنها شکایت کیفی توأم با تقاضایی برای طرح دعوی حقوقی را مطرح نمایند (Slimani v. France, § 47)؛

- مقامات تعقیب سعی در منع خواهان ها در دسترسی به اسناد تحقیقات را داشتند (Benzer and Others v. Turkey, § 193)؛

- پدر متوفی به مدارک موجود در پرونده کیفری یا تحقیقات اداری دسترسی نداشت و تنها پس از کالبد شکافی انجام شده، از مرگ پسرش مطلع شده بود، هر چند جسد متوفی قبلاً شناسایی گردیده بود (Fountas v. Greece, § 96).

- عدم اطلاع رسانی همگانی و عدم دخالت خواهان ها در دو تحقیق داخلی انجام شده توسط وزارت امور داخله در مورد مرگ یکی از بستگانشان – افسر پلیس کشته شده توسط یک فرد خطرناک در جریان عملیات پلیسی – که بر امکان طرح دعوی آنها برای جبران خسارت تاثیر گذاشته بود (Ribcheva and Others v. Bulgaria, §§ 146-147).

173. دادگاه استراسبورگ در پرونده های ذیل مسئله ای راجع به امکان دسترسی خویشاوندان نزدیک قربانی یا عموم مردم به تحقیقات را احراز نمود: - در پرونده راجع به تحقیق در مورد تیراندازی مرگبار به یک تظاهرکننده توسط یک عضو نیروهای امنیتی در جریان اجلاس گروه "G8" (Giuliani and Gaggio v. Italy [GC], § 315)؛

- در پرونده راجع به تحقیق در مورد تیراندازی به برادر خواهان توسط افسران پلیس در آپارتمانش پس از محاصره دو ساعته (Bubbins v. the United Kingdom, § 161)؛

- در پرونده راجع به تحقیق در مورد ناپدید شدن شوهر خواهان در طول جنگ در بوسنی و هرزگوین (Palic v. Bosnia and Herzegovina, § 69).

- در پرونده راجع به محدودیت های قابل اعمال برای نزدیکان قربانی در رسیدگی کیفری مربوط به یک خردسال (Waresiak v. Poland, § 95).

ز. مسائل مربوط به تعقیب، مجازات و جبران خسارت

174. هیچ حقی برای کسب یک حکم تعقیب قانونی یا حکم محکومیت یا در واقع حکم به یک مجازات خاص بموجب ماده 2 مقرر نگردیده است و واقعیت خاتمه یک تحقیقات بدون نتایج مشخص و معین یا با نتایج صرفاً محدود، فی نفسه نشانگر هر گونه نقص یا شکست در انجام این تحقیقات نمی باشد (Giuliani and Gaggio v. Italy [GC], § 306). تا به امروز، دادگاه استراسبورگ تصمیم به پیگرد قانونی ناشی از تحقیقاتی که از همه جهات منطبق بر ماده 2 بوده باشد را تایید نموده است و همچنین محاکم ذیصلاح داخلی را ملزم به صدور دستور تعقیب نمی سازد، چنانچه آن دادگاه داخلی، این دیدگاه مورد بررسی را اتخاذ نموده باشد که با اعمال قانون کیفری مناسب نسبت به حقایق شناخته شده، منجر به محکومیت نمی گردید (Hanan v. Germany [GC], § 210).

175. با این حال، الزامات ماده 2 بموجب بخش شکلی آن فراتر از مرحله تحقیقات رسمی پیش می رود. بنابراین، چنانچه این تحقیقات منجر به اقامه دعوی در محاکم داخلی گردد، از این پس، در جریان این رسیدگی به طور کلی، از جمله در مرحله محاکمه می بایست الزامات راجع به تعهدات مثبت دولت ها در حمایت از حق حیات از طریق قانون محقق گردد (Oneriyildiz v. Turkey [GC], § 95؛ Ali and Ayse Duran v. Turkey, § 61).

176. در این خصوص، دادگاه استراسبورگ یادآوری می نماید که در روند عادی وقایع، یک رسیدگی کیفری با یک سیستم دادرسی ترافعی نزد یک قاضی بیطرف و مستقل می بایست بعنوان تامین کننده قوی ترین ضمانت اجراهای یک دادرسی موثر جهت یافتن حقایق و انتساب مسئولیت مجرمانه تلقی نمود (Mckerr v. the United Kingdom (dec.), § 134). با این وجود، نمی توان به طور مثال، نواقص در انجام این تحقیقات را نادیده انگاشت، چرا که ممکن است به طور بنیادی توانایی دادگاه را در تعیین مسئولیت راجع به مرگ تضعیف سازد (Agdas v. Turkey, § 102).

177. دادگاه استراسبورگ احترام قابل توجهی نسبت به اختیارات محاکم داخلی در انتخاب مجازات های مقتضی برای سوء رفتار و قتل توسط مامورین دولتی قائل است. با این حال، این دادگاه می بایست اختیارات معین بازنگری خود را در پرونده هایی که عدم تناسب بین جرم ارتكابی و مجازات تحمیلی آشکار است به کار برده و مداخله نماید (Armani Da Silva v. the United Kingdom [GC], § 285).

178. برای مثال، دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است در مواردی که تحقیقاتی بواسطه محدودیت قانونی راجع به مسئولیت کیفری ناشی از عدم فعالیت مقامات، خاتمه یافته باشد به سختی می توان تعهدات شکلی ناشی از مواد 2 و 3 این کنوانسیون را محقق شده دانست (Association "21" December 1989" and Others v. Romania, § 144).

179. به همین ترتیب، در خصوص مرگ ناشی از بدرفتاری مامورین دولتی، دادگاه مقرر داشته است که تعلیق اجرای مجازات حبس مامورین پلیس قابل مقایسه با یک عفو نسبی می باشد و چنین اقدامی را نمی توان به موجب رویه قضایی دادگاه استراسبورگ مجاز دانست، چرا که در نتیجه، افسران محکوم علیه محکومیت خود از بخشودگی واقعی برخوردار شده اند (Ali and Ayse Duran v. Turkey, § 69).

180. علاوه بر این، رسیدگی دادگاه استراسبورگ در این خصوص تنها محدود به بررسی شدت مجازات وضع شده توسط محاکم داخلی نمی باشد، بلکه همچنین شامل نحوه اجرای متعاقب آن مجازات نیز می گردد. بطور مثال، دادگاه استراسبورگ به دلیل ارفاق غیرمنطقی نشان داده شده نسبت به محکومان با آزادی زودهنگامشان، نقض بخش شکلی ماده 2 را احراز نمود (Enukidze and Girgvliani v. Georgia, §§ 269 and 275). این دادگاه همچنین نقض بخش شکلی ماده 2، در خصوص تاخیرهای ناموجه در اجرای مجازات حبس را احراز نمود (Kitanovska Stanojkovic and Others v. Former Yugoslav Republic of Macedonia, § 33). در این رابطه، دادگاه استراسبورگ تأکید نموده است که شرط موثر بودن تحقیقات کیفری به موجب ماده 2 را نیز می توان به عنوان تحمیل تکلیف بر دولت ها برای اجرای احکام قطعی خود بدون تاخیر بی مورد، تعبیر نمود، چرا که به باور این دادگاه، اجرای حکم صادر شده در زمینه حق حیات را می بایست به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از تعهدات شکلی دولت ها بموجب مفاد این ماده تلقی نمود (Kitanovska Stanojkovic and Others v. the former Yugoslav Republic of Macedonia, § 32)؛ Akeliene v. Lithuania, § 85. در این پرونده، دادگاه استراسبورگ با توجه به اقدامات دولت برای یافتن محکوم فراری پس از محکومیت و استرداد وی، نقض بخش شکلی ماده 2 را احراز نمود.

181. دادگاه استراسبورگ بر این باور است که اعطای عفو در رابطه با کشتن یا بدرفتاری با غیرنظامیان مغایر با تعهدات دولت بموجب مفاد مواد 2 و 3 کنوانسیون خواهد بود، زیرا این اقدام، تحقیقات در مورد چنین اعمالی را مختل می سازد و لزوماً منجر به مصونیت افراد مسئول از مجازات می گردد (Margus v. Croatia [GC], § 127). به همین ترتیب، به عنوان یک اصل، این اقدام کاملاً نامناسب خواهد بود و عموم مردم را به این باور اشتباه می رساند که برای ارتکاب جرم سنگین می بایست سعی در کسب صلاحیت تصدی سمت های دولتی در آینده را داشت (Makuchyan and Minasyan v. Azerbaijan and Hungary, § 171).

182. در یک پرونده اخیر، که مسئله تعهدات مربوط به دولت ها در زمینه انتقال محکومین را مطرح می نمود، دادگاه استراسبورگ بر این باور بود که در حالیکه کشور محکوم کننده (مجارستان) تمام تلاش خود را بکار برده بود تا مطمئن شود که حکم یک زندانی بطور کامل پس از انتقال به کشور دیگر (آذربایجان) اجرا می شود، کشور دیگر (آذربایجان) در عمل نسبت به اعطای عفو به آن زندانی اقدام می نماید که این رویکرد با تعهدات آن دولت بموجب مفاد ماده 2 برای جلوگیری موثر از ارتکاب جرایم علیه جان افراد سازگار نبود (Makuchyan and Minasyan v. Azerbaijan and Hungary, §§ 195-197 and §§ 163-173).

183. سرانجام، در یک پرونده اخیر که محاکم داخلی از پیوستن خواهان به یک دعوی مدنی در رسیدگی کیفری مربوط به قتل برادرش توسط شخص حقیقی و دریافت غرامت امتناع نموده بودند، دادگاه استراسبورگ معتقد بود که تعهد دولت به ایجاد یک سیستم قضایی که قادر به ارائه جبران خسارت مناسب در راستای اهداف مفاد ماده 2 باشد، مستلزم جبران خسارتی است که خواهان را به عنوان تنها عضو خانواده و تنها وارث برادر متوفی اش، که با وی رابطه نزدیکی داشته است، قادر به مطالبه غرامت برای خسارات غیر مالی (معنوی) سازد که وی ممکن است با فوت برادرش متحمل شده باشد (Vanyo Todorov v. Bulgaria, § 66).

ح. تجدید تعهدات شکلی

184. این تعهدات شکلی (رویه ای)، دولت ها را ملزم می سازد تا بوسیله مقامات دولتی در تمام مدتی که از آنان به طور منطقی انتظار می رود اقدام به اتخاذ تدابیری با هدف روشن شدن شرایط یک مرگ و احراز مسئولیت در قبال آن نمایند (Silih v. Slovenia [GC], § 157). با این حال، در برخی موارد، اطلاعاتی که ظاهراً نور جدیدی را بر اوضاع و احوال وقوع یک قتل می افکند ممکن است منجر به افشا و آشکار نمودن مراحل دیگر آن قتل گردد. سپس این مسئله مطرح می شود که آیا و به چه شکلی این تعهدات شکلی جهت انجام تحقیقات تجدید می گردد. بدین منظور، دادگاه مقرر داشته است در مواردی که ادعا، مدرک یا ادله ای یا اطلاعات معتبر و موثقی راجع به شناسایی و تعقیب یا مجازات احتمالی مرتکب یک قتل غیرقانونی وجود داشته باشد، مقامات دولتی متعهد به اتخاذ اقدامات تحقیقاتی بیشتری می باشند (Brecknell v. the United Kingdom, § 71).

185. ماهیت و وسعت هر گونه تحقیقات بعدی، مستلزم تعهدات شکلی است که به طور اجتناب پذیری مبتنی بر شرایط و اوضاع و احوال هر پرونده می باشد و ممکن است با آنچه که بلافاصله پس از وقوع مرگ انتظار می رود متفاوت باشد (Harrison and Others v. the United Kingdom, § 51). گذشت زمان، به طور اجتناب ناپذیری مانعی خواهد بود در خصوص به طور مثال مکان شهود (محل سکونت) و توانایی شهود در بیان موثق وقایع، حال چنین تحقیقاتی ممکن است در برخی موارد، به طور معقولی به تأیید اعتبار منبع یا شواهد و مدارک جدید ادعا شده، محدود شود (Cerf v. Turkey, § 65). علاوه بر این، معیار سرعت انجام تحقیقات در چنین پرونده هایی با معیار قابل اعمال در حوادث اخیر بسیار متفاوت

می باشد؛ چرا که در موارد اخیر اغلب زمان در حفظ ادله و شواهد حیاتی در محل وقوع جنایت و به هنگام تحقیق از شاهدانی که حافظه شان تازه و با جزئیات است مولفه ای اساسی می باشد (Gurtekin and Others v. Cyprus (dec.), § 21) با ارجاعات بیشتر).

186. با توجه به هدف اولیه هر گونه اقدام به تجدید تحقیقات، مقامات این حق را دارند که جنبه های موفقیت آمیز در هر پیگرد قانونی را مورد توجه قرار دهند (Brecknell v. the United Kingdom, § 71).

187. با این حال، موجبات چندانی برای تجویز و تاکید بسیار بر امکان الزام به انجام تحقیقات راجع به قتل های غیر قانونی که سالهاست از آن می گذرد، وجود ندارد، مگر آنکه منفعت عمومی، انجام تعقیب و محکومیت مرتکبین را ایجاب نماید، بویژه چنانچه در زمینه جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت باشد که بطور قاطعانه این حقیقت به رسمیت شناخته شده است (Jelic v. Croatia, § 52).

ط. انجام تحقیقات پیرامون جرایم نفرت بار و خشونت مبتنی بر جنسیت

188. در مواردی که شرایط و احوال یک حمله واجد نشانه هایی دال بر خشونت مبتنی بر جنسیت باشد، مقامات می بایست با احتیاط لازم و دقت نظر خاصی نسبت به انجام اقدامات تحقیقاتی واکنش نشان دهند. در واقع، هر زمان که سوء ظن وجود دارد که یک حمله ممکن است انگیزه جنسیتی داشته باشد، بطور ویژه مهم است که این تحقیقات با تمام توان دنبال شود (Tershana v. Albania, § 160).

189. در مواردی که ادعای خشونت با انگیزه نژاد پرستانه همراه باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است که تحقیقات به روی آن با توجه به جدیت و بیطرفی توأم با نیاز به تاکید مجدد و همیشگی بر محکوم نمودن اجتماعی نژاد پرستی و ایجاد اطمینان میان اقلیت ها در توانایی مقامات برای محافظت از آنها در برابر تهدید به خشونت نژاد پرستانه- دنبال شود (Menson v. the United Kingdom (dec.)؛ Gjikondi and Others v. Greece, § 118).

190. دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که برخورد با خشونت و وحشی گری های ناشی از نژاد پرستی در شرایطی برابر با مواردی که هیچ گونه شکل و مضمونی نژاد پرستانه ندارند، در واقع، نوعی چشم پوشی از ماهیت خاص اعمالی است که بطور خاص مخرب حقوق بنیادی افراد می باشد. عدم ایجاد تمایز در نحوه برخورد با موقعیت هایی که اساسا با یکدیگر متفاوتند ممکن است رفتار غیر موجهی محسوب شود که در تناقض با ماده 14 این کنوانسیون در ارتباط با ماده 2 می باشد (Nachova and Others v. Bulgaria [GC], § 160).

ی. تعهدات شکلی در زمینه های فرامرزی

191. دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که به طور کلی، تعهدات شکلی بر عهده دولت متعادی است که قربانی در زمان مرگ در حوزه صلاحیت قضایی آن بوده است (Emin and Others v. Cyprus (dec.)، Greece and the United Kingdom (dec.)). مگر اینکه مشخصه ها یا ویژگی های خاصی وجود داشته باشد که مستلزم خروج و انحراف از این رویکرد کلی است (Rantsev v. Cyprus and Russia, §§ 241-242).

192. علاوه بر این، ماده 2 این کنوانسیون قوانین کیفری کشورهای عضو را ملزم به لحاظ صلاحیت جهانی در پرونده های مربوط به مرگ یکی از اتباع یکدیگر نمی نماید (Rantsev v. Cyprus and Russia, § 244).

193. با این وجود، حتی در صورت فقدان ویژگی های خاص، دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که لازمه منطقی تعهد بر تحقیق جهت تامین مدارک و شواهدی که در سایر حوزه های قضایی واقع شده است وظیفه دولتی است که مدارک در حوزه آن وجود دارد تا هر گونه کمکی را که در حوزه صلاحیتش می باشد انجام داده و هر گونه ابزار و امکاناتی که بموجب تقاضای معاضدت حقوقی خواسته شده است فراهم نماید (Rantsev v. Cyprus and Russia, § 245).

194. به ویژه، در مواردی که مولفه های فرامرزی در بروز یک حادثه خشونت آمیز غیرقانونی که منجر به گرفتن جان شخصی می گردد، وجود داشته باشد، دادگاه استراسبورگ اظهار داشته است که مقامات آن کشوری که مرتکبین به آن گریخته اند و مدارک و شواهد جرم می تواند در آن یافت شود به موجب ماده 2 می بایست نسبت به اتخاذ تدابیری موثر در این خصوص و در صورت ضرورت بنا به پیشنهاد و نظر خودشان اقدام نمایند (Cummins and Others v. the United Kingdom (dec.)؛ O'Loughlin and Others v. the United Kingdom (dec.)).

195. در مواردی که انجام یک تحقیقات موثر راجع به قتلی غیرقانونی در حوزه قضایی یک دولت متعاقد، مستلزم دخالت بیش از یک دولت متعاقد باشد، ماهیت خاص کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به عنوان یک معاهده اجرایی جمعی، اصولا ایجاب می نماید که دولت های مربوطه نسبت به همکاری موثر با یکدیگر بمنظور روشن شدن شرایط قتل و محاکمه مرتکبان آن اقدام نمایند. بنابراین، ماده 2 ممکن است از هر دو طرف بخواهد که بطور دو جانبه متعهد به همکاری با یکدیگر باشند، به نحوی که همزمان این همکاری متضمن تعهد به درخواست کمک و تعهد به قبول کمک باشد. با این حال، ماهیت و گستره این تعهدات به شرایط و احوال هر مورد خاص بستگی دارد (Guzelyurtlu and Others v. Cyprus and ...).

196. برای مثال، در یک مورد اخیر، مقرر شد که یک کشور عضو اتحادیه اروپا می بایست با یک کشور دیگر عضو در چارچوب سیستم حکم بازداشت اروپایی (EAW) همکاری کند و به طور مقتضی بررسی نماید که آیا می بایست یک متهم تروریستی فراری را بمنظور پیگرد قانونی تسلیم کند یا خیر (Romeo Castano v. Belgium, §§ 41-42 and 79-82).

196. در این رابطه، دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که این تعهد به همکاری، تنها می تواند یک تعهد به وسیله باشد، نه تعهد به نتیجه. این بدان معناست که دولت های مربوطه می بایست هر گونه اقدام معقولی را که می توانند برای همکاری با یکدیگر اتخاذ نمایند و با حسن نیت تمامی امکانات موجود نزد خود را در راستای مساعدت های حقوقی متقابل و همکاری در زمینه امور کیفری بموجب اسناد بین المللی قابل اجرا بکار گیرند. بنابراین، تعهد شکلی برای همکاری در این زمینه، تنها در مورد کشوری که ملزم به همکاری می باشد نقض می گردد چنانچه آن کشور نتواند مکانیسم مناسبی برای همکاری تحت معاهدات بین المللی مربوطه ایجاد کند، و در رابطه با دولت درخواست کننده در صورتی است که واکنش مناسبی نشان نداده باشد یا نتوانسته باشد دلیل مشروعی برای رد همکاری درخواست شده بموجب آن اسناد (معاهدات بین المللی) ارائه نماید (Guzelyurtlu and Others v. Cyprus and Turkey [GC], §§ 235-236). به عنوان مثال، در رابطه با شخصی که تسلیم او از طریق مکانیزم حکم جلب اروپایی (EAW) درخواست شده است، نظر محاکم دولت مجری آن است که شرایط بازداشت در کشور درخواست کننده غیر انسانی و تحقیرآمیز بوده لیکن این ادعا مبتنی است بر مطالب و مسائل ناقص و قدیمی که فاقد دلیلی مشروع برای امتناع از همکاری می باشد (Romeo Castano v. Belgium, §§ 85-90). در مواردی که تعهد به همکاری بین یک دولت متعاقد و نهادی که عملاً تحت کنترل موثر دولت متعاقد دیگری می باشد، این وظیفه همکاری، در فقدان روابط رسمی دیپلماتیک را می توان از طریق کانال های غیر رسمی یا غیر مستقیم دیگر برای همکاری برای مثال از طریق کشورهای ثالث یا سازمان های بین المللی بکار برد. در چنین شرایطی، دادگاه استراسبورگ این موضوع را مورد توجه قرار می دهد که آیا دولت های مربوطه از همه کانال های همکاری غیر رسمی یا موقتی خارج از مکانیسم های همکاری پیش بینی شده توسط معاهدات بین المللی مربوطه، استفاده می کنند یا خیر، در عین حال، مفاد آن معاهدات را به عنوان بیان هنجارها و اصول اعمال شده در حقوق بین الملل مورد استفاده قرار می دهند یا خیر (Guzelyurtlu and Others v. Cyprus and Turkey [GC], §§ 237-238).

ک. تعهدات شکلی در زمینه منازعات مسلحانه

197. دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که تعهدات شکلی بموجب ماده 2 همچنان در شرایط دشوار امنیتی از جمله در زمینه درگیری های مسلحانه اعمال می شود. از این نظر، واضح است که در مواردی که مرگ مورد بررسی بموجب ماده 2 در شرایط خشونت گسترده، درگیری های مسلحانه یا شورش رخ می دهد، ممکن است موانعی بر سر راه بازرسان قرار گیرد و محدودیت های مشخص و جدی می تواند موجب استفاده از اقدامات کمتر موثر در خصوص تحقیقات گردیده و یا باعث تاخیر در این تحقیقات شوند. با این وجود، این تعهد به موجب ماده 2 مستلزم آن است که حتی در شرایط دشوار امنیتی، تمام اقدامات معقول می بایست انجام شود تا اطمینان حاصل گردد که یک تحقیق موثر و مستقل در مورد ادعای نقض حق حیات انجام گردیده است (Hanan v. Germany [GC], § 204; Georgia v. Russia (II) [GC] (merits), § 326).

198. با این حال، دادگاه استراسبورگ تصریح نموده است که در چارچوب تحقیقات راجع به مرگ هایی که در درگیری های مسلحانه رخ داده است، تعهدات شکلی به موجب ماده 2 می بایست بطور واقع بینانه ای اعمال شود (Georgia v. Russia (II) [GC] (merits), § 327). بنابراین، زمانی که چالش ها و محدودیت های مقامات تحقیق (ناشی از واقعیت وقوع این مرگ ها بموجب عملیات جنگی در درگیری های مسلحانه فرا مرزی) به فرایند تحقیقات به عنوان یک کل و همچنین بر ادامه امکان سنجی تاثیر اقدامات تحقیقاتی در سرتاسر جریان آن، مربوط باشد (از جمله اقدامات تحقیقاتی انجام شده توسط مقامات غیرنظامی در قلمرو کشور عضو)، دادگاه استراسبورگ مقرر می دارد که معیارهای اعمال شده نسبت به تحقیقات انجام شده توسط مقامات دادستانی غیرنظامی در کشور عضو بر اساس معیارهای مقرر در رابطه با تحقیقات راجع به مرگ هایی که در یک درگیری مسلحانه فرا سرزمینی وقوع یافته است، تعیین می شود (Hanan v. Germany [GC], § 200).

ل. تعهدات شکلی در خصوص مرگ ها یا صدمات جدی واقع شده ی ناشی از سهل انگاری

199. همانطور که در بالا ذکر شد، دادگاه استراسبورگ به موجب ماده 2، گستره ی تعهدات شکلی دولت های عضو را در خصوص شرایط و اوضاع و احوالی که افراد صدمات جسمی را متحمل شده اند یا به دلیل سهل انگاری جان خود را از دست داده اند، گسترش داده است. در انجام این کار، اصول کلی، به ویژه معیارهای تحقیقاتی که در بالا به آن اشاره شده است، هر چند متناسب با اوضاع و احوال چنین پرونده هایی، جابجا شده اند (مقدم و موخر کردن).

1. اصول کلی

200. دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که مسئله مسئولیت دولت به موجب ماده 2 این کنوانسیون در صورت ناتوانی نظام حقوقی داخلی به هنگام پاسخگویی در قبال اقدامات سهل انگارانه ای که جان انسان ها را به خطر می اندازد و یا منجر به از بین رفتن آن می شود، مطرح می گردد (Banel v. Lithuania, § 70).

201. بنابراین، دادگاه استراسبورگ مقرر نموده است، در مواردی که سهل انگاری شخصی منجر به مرگ قربانی یا جراحی جدی به وی شده است، دولت ها وظیفه دارند که اقدامات مقتضی جهت تضمین جان افرادی که در قلمرو قضایی آن ها قرار دارند اتخاذ نمایند؛ از جمله این اقدامات مقتضی ایجاد یک نظام قضایی مستقل و موثری است که دسترسی به ابزارهای قانونی احراز و اثبات وقایع را تضمین نمایند، موجب پاسخگویی افراد مقصر گردد و نسبت به جبران خسارت مقتضی به قربانی اقدام نماید؛ به طور مثال، در پرونده راجع به رسیدگی مربوط به انفجار یک نارنجک در سالن یک پیتزا فروشی (Fergec v. Croatia, § 32)؛ همچنین در پرونده راجع به رسیدگی در مورد مرگ شوهر خواهان پس از برخورد با یک درخت در یک مرکز بهداشتی و خدمات زیبایی (Ciechonska v. Poland, § 66)؛ در پرونده راجع به دادرسی در مورد فوت پسر خواهان در یک سانحه رانندگی (Anna Todorova v. Bulgaria, § 72)؛ در پرونده راجع به مرگ پسر هفت ساله خواهان که به هنگام تلاش برای رفتن به سمت خانه در یک کولاک یخ زد و جان خود را از دست داد (Ilbeyi Kemaloglu and Meriye Kemaloglu v. Turkey, § 38)؛ در پرونده راجع به خواهان که در یک سانحه رانندگی به طور جدی مجروح شد (Kotelnikov v. Russia, §§ 99-101).

202. در زمینه مراقبت های بهداشتی درمانی، دادگاه استراسبورگ تعهدات شکلی ماده 2 را این گونه تفسیر نموده است که دولت ها ملزم به ایجاد یک سیستم قضایی موثر و مستقل می باشند به نحوی که بتواند علت مرگ بیماران تحت سرپرستی پزشکان، چه در بخش عمومی (دولتی) و چه در بخش خصوصی را تعیین نماید و افراد مسئول در این سیستم قضایی را پاسخگو سازد (Silih v. Slovenia [GC], § 192)؛ Lopes De Sousa Fernandes v. Portugal [GC], § 214).

203. در این رابطه، دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که چنانچه نقض حق حیات یا تمامیت فیزیکی یک فرد به طور عمدی ایجاد نشده باشد، تعهد مثبت به ایجاد یک نظام قضایی موثر محقق خواهد شد، چنانچه این نظام حقوقی بتواند چه صرفا در محاکم حقوقی و چه همراه با جبران خسارت در محاکم کیفری، خسارتی به قربانی اعطا نماید و قادر به احراز هر گونه مسئولیت و پرداخت هر گونه جبران مدنی مناسب باشد (Calvelli and Ciglio v. Italy [GC], § 51)؛ Mastromatteo v. Italy [GC], § 90)؛ Vo v. France [GC], § 90)؛ Anna Todorova v. Bulgaria, § 73)؛ Cevrioglu v. Turkey, § 54)؛ Lopez De Sousa Fernandes v. Portugal [GC], §§ 137 and 215)؛ در مواردی که مامورین دولت یا اعضای برخی مشاغل خاص درگیر این گونه مسائل باشند، اقدامات انضباطی نیز ممکن است در نظر گرفته شود (Nicolae Virgiliu v. Romania [GC], § 159)؛ Zinatullin v. Russia, § 32).

204. دادگاه استراسبورگ در این رابطه تاکید بیشتری نموده است که انتخاب ابزار و روش تضمین رعایت تعهدات مثبت بموجب ماده 2 در اصل موضوعی است که در حاشیه اختیارات صلاحیتهای دولت های متعاقد قرار می گیرد. راههای مختلفی برای تضمین حقوق مندرج در این کنوانسیون وجود دارد و حتی چنانچه این دولت ها نتوانند یک اقدام خاص مقرر شده در قوانین داخلی خود را اعمال نمایند، می توانند از طریق روش های دیگری به تعهدات مثبت خود عمل نمایند. با این حال، برای تحقق و اجرای این تعهد، چنین اقداماتی می بایست نه تنها بلحاظ نظری وجود داشته باشد، بلکه در عمل نیز می بایست موثر باشد (Cevrioglu v. Turkey, §§ 53 and 55)؛ Lopez De Sousa Fernandes v. Portugal [GC], § 216).

205. بنابراین، از دادگاه استراسبورگ خواسته شده است تا بررسی نماید که آیا با توجه به راههای جبران خسارت قانونی موجود، روی هم رفته، آنگونه که در قانون مقرر گردیده و در عمل بکار رفته است، می توان گفت که ابزارها و روش های قانونی برای اثبات حقایق پرونده، پاسخگویی شخص مقصر و مقرر نمودن جبران خسارت مناسب ایجاد گردیده است. عبارت دیگر، در عوض ارزیابی انتزاعی (نظری) نظام حقوقی، دادگاه استراسبورگ می بایست بررسی نماید که آیا یک نظام حقوقی بطور کلی، پرونده مورد بحث را به اندازه کافی مورد رسیدگی قرار داده است یا خیر؟ (Valeriy Fuklev v. Ukraine, § 67).

206. با این وجود، حتی در زمینه نقض های غیرعمدی راجع به حق حیات، ممکن است شرایط استثنایی وجود داشته باشد که در آن شرایط نیز یک تحقیق کیفری موثر برای تحقق الزامات مندرج در ماده 2 این کنوانسیون ضروری باشد (Cevrioglu v. Turkey, § 54)؛ Lopez De Sousa Fernandes v. Portugal [GC], § 215). دادگاه استراسبورگ این شرایط استثنایی را به منظور طرح در پرونده هایی که سهل انگاری منجر به نقض حق حیات از جمله فراتر از یک خطای قضایی صرف یا بی احتیاطی باشد را نظیر موارد ذیل احراز نموده است:

- در زمینه فعالیت های صنعتی خطرناک (Oneryildiz v. Turkey [GC], § 71)؛

- در زمینه محرومیت از مراقبت های بهداشتی درمانی (Asiye Genc v. Turkey, § 73)؛

- در زمینه عملیات های نظامی (Oruk v. Turkey, §§ 50 and 65)؛

- در زمینه حمل و نقل کالاهای خطرناک (Sinim v. Turkey, §§ 62-64)؛

- در زمینه ایمنی راه ها (Smiljanic v. Croatia, § 93)؛

- در زمینه عدم اقدام پلیس در یک پرونده خشونت خانگی (*Tkheldidze v. Georgia*, §§ 59-60): همچنین نگاه کنید به پرونده *Penati v. Italy*, §§ 158-162، که در آن دادگاه استراسبورگ همچنین انجام تحقیقات جنایی در مورد قتل یک کودک توسط پدرش در جریان یک جلسه تماس و ملاقات ترتیب داده شده توسط سازمان تامین اجتماعی، ضروری دانسته است.
207. به همین ترتیب، دادگاه استراسبورگ اذعان داشته است در پرونده هایی که از ابتدا کاملا احراز نگردیده است که مرگ ناشی از یک حادثه یا یک عمل غیرعمدی دیگری بوده است و در مواردی که فرضیه قتل غیرقانونی حداقل بر اساس واقعیت های موجود در پرونده قابل بحث و بررسی باشد، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر انجام تحقیقاتی که تحقق حداقل آستانه اثر بخشی و کارایی را که می بایست به منظور روشن نمودن شرایط و اوضاع و احوال قتل انجام شود، مقرر می دارد. این واقعیت که تحقیقات در نهایت فرضیه یک حادثه (اتفاق) را می پذیرد هیچ تاثیری بر این مسئله ندارد؛ چرا که تعهد به تحقیق به طور خاص برای رد یا تایید یک یا چند فرضیه دیگر در نظر گرفته شده است (*Mustafa Tunc and Fecire Tunc v. Turkey* [GC], § 133؛ بطور مثال، دادگاه استراسبورگ در پرونده *Nicolae Virgiliu Tanase v. Romania* [GC], §§ 160-164 به طور گسترده در مورد این موضوع توضیح داده است.
208. هنگامی که در تحقیقات اولیه مشخص گردد که آسیب جانی وارده عمدی نمی باشد، به طور معمول یک طریق جبران خسارت حقوقی کافی دانسته می شود، مگر در مواردی که شرایط و اوضاع و احوالی خاص و استثنایی حاکم باشد که در آن انجام یک تحقیقات کیفری، ضروری تلقی می گردد (*Nicolae Virgiliu Tanase v. Romania* [GC], § 163; *Zinatullin v. Russia*, § 35).
209. در زمینه مراقبت های بهداشتی و درمانی، دادگاه استراسبورگ به طور ضمنی به ضرورت استقلال سیستم داخلی که بمنظور تعیین علت مرگ بیماران تحت مراقبت های پزشکی ایجاد شده، اشاره نموده است. این ضرورت استقلال سیستم داخلی، مستلزم نه تنها فقدان رابطه نهادی یا سلسله مراتبی می باشد، بلکه همچنین همه طرف هایی که وظیفه انجام ارزیابی به هنگام رسیدگی برای تعیین علت مرگ بیماران را دارند می بایست از استقلال رسمی و عملی (دو فاکتو) از کسانی که در این حادثه مشارکت داشته اند، برخوردار باشند (*Bajic v. Croatia*, § 90). این الزام، به ویژه هنگام دریافت گزارش های پزشکی از شاهدان متخصص بسیار مهم می باشد (*Karpisiewicz v. Poland* (dec.))، چرا که چنین گزارش هایی به احتمال زیاد ارزش و اهمیت بسیاری به ارزیابی های دادگاه راجع به مسائل بسیار پیچیده در خصوص سهل انگاری های پزشکی می دهد و این گونه مسائل به هنگام رسیدگی در این خصوص (استقلال سیستم داخلی)، نقش مهمی ایفا می کنند (*Bajic v. Croatia*, § 95؛ *Lopez De Sousa Fernandes v. Portugal* [GC], § 217).
210. رسیدگی های مربوط در زمینه سهل انگاری می بایست در مدت زمان معقولی انجام شود (*Silih v. Slovenia* [GC], § 196؛ *Cavit Fergec v. Croatia*, § 38؛ *Tinarlioglu v. Turkey*, § 115).
211. به طور خاص، دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که بموجب ماده 2، در پرونده های مربوط به رسیدگی های راجع به روشن شدن شرایط وقوع مرگ یک فرد، طولانی شدن روند دادرسی نشانه ای بسیار مهم مبنی بر مخدوش بودن این دادرسی و نقض تعهدات مثبت دولت خوانده بموجب ماده 2 این کنوانسیون می باشد؛ مگر اینکه آن دولت دلایل کاملا قانع کننده و قابل قبولی برای توجیه این مدت طولانی ارائه دهد (*Bilbija Lopez De Sousa Fernandes v. Portugal* [GC], § 219؛ *and Blazevic v. Croatia*, § 107).
212. در زمینه مراقبت های بهداشتی درمانی، دادگاه استراسبورگ در این رابطه تاکید نموده است که صرف نظر از اهمیت احترام و رعایت حقوق ذاتی مندرج در ماده 2 این کنوانسیون نسبت به هر شخص بطور جداگانه، ملاحظات عمومی انجام بررسی های فوری راجع به موضوعاتی نظیر سهل انگاری های پزشکی در یک مرکز بیمارستانی را می طلبد. اطلاع و آگاهی از حقایق و خطاهای احتمالی ارتكابی در جریان مراقبت های پزشکی بمنظور توانمند سازی موسسات و پرسنل پزشکی مربوطه جهت رفع نواقص احتمالی و جلوگیری از خطاهای مشابه، ضروری می باشد. بررسی و رسیدگی فوری چنین مواردی برای ایمنی و سلامت همه استفاده کنندگان از خدمات مراقبت های بهداشتی - درمانی مهم می باشد (*Oyal v. Turkey*, § 76).
213. برخلاف پرونده های راجع به کاربرد قوه قهریه مرگبار توسط مامورین دولتی یا در موارد مربوط به حوادث که مقامات ذیصلاح می بایست بر اساس نظر و تصمیم خود، تحقیقات را آغاز نمایند، در پرونده های راجع به سهل انگاری های پزشکی که منجر به مرگ غیرعمدی می گردد، تعهدات شکلی دولت ها ممکن است منوط به طرح دعوی از سوی بستگان متوفی شود (*Silih v. Slovenia* [GC], § 156؛ *Lopes De Sousa Fernandes v. Portugal* [GC], § 220).
214. همچنین در این زمینه، دادگاه استراسبورگ تاکید کرده است که این تعهدات شکلی، تعهد به نتیجه نمی باشد، بلکه صرفا تعهد به وسیله است (*Banel v. Lithuania*, § 66؛ *Lopes De Sousa Fernandes v. Portugal* [GC], § 221). بنابراین، صرف این واقعیت که رسیدگی های داخلی به طور نامطلوبی برای شخص مورد نظر به پایان رسیده است به خودی خود به این معنا نمی باشد که دولت خوانده به تعهدات مثبت خود بموجب ماده 2 عمل نکرده است (*E.M. and Others v. Romania* (dec.); *ibid.*, § 221).

2. مصداق ها

الف. پرونده های راجع به سهل انگاری های پزشکی مورد ادعا

215. دادگاه استراسبورگ بر این عقیده است که نظام های حقوقی در مواردی نتوانسته اند واکنشی کافی و به موقع مطابق با تعهدات شکلی دولت هایشان به موجب ماده 2 ارائه دهند، از جمله در موارد:

- در مواردی که رسیدگی های داخلی بیش از حد طولانی باشد (Silih v. Slovenia [GC], §§ 114-116; Byrzykowski v. Poland, §§ 202-210; Bilbija and Blazevic v. Croatia, §§ 105-107; Zafer Ozturk v. Turkey, §§ 56-57):

- در مواردی که رابطه شغلی کادر پزشکی با متهم به گونه ای باشد که این پرسنل را نتوان عینا بیطرف دانست (Bajic v. Croatia, §§ 98-102) و برخلاف آن در پرونده (Karpisiewicz v. Poland (dec.)):

- در مواردی که همکاری بین متخصصان پزشکی قانونی و نهادهای تحقیق وجود نداشته باشد و نظرات این متخصصان مستدل و منطقی نباشد (Eugenia Lazar v. Romania, §§ 81-85):

- در مواردی که نظام حقوقی داخلی به بازماندگان نزدیک متوفی، امکان مطالبه و دریافت خسارت غیر مادی را نمی دهد (Sarishvili v. Georgia, §§ 90-98):

- در مواردی که میزان غرامت اعطا شده بابت سهل انگاری پزشکی در محاکم حقوقی ناکافی باشد (Scripnic v. the Republic of Moldova, §§ 43-48).

216. در مقابل، دادگاه استراسبورگ معتقد است که هیچ نقصی در مکانیزم احراز مسئولیت کیفری، انتظامی یا حقوقی افراد در پرونده های ذیل وجود ندارد:

- در پرونده راجع به خاتمه غیرارادی بارداری (Vo v. France [GC], § 95):

- در پرونده راجع به مرگ ناشی از ایست قلبی (Ursu v. Romania (dec.)):

- در پرونده راجع به فوت یک کودک در طی یک عمل جراحی قلب (Maruseva v. Russia (dec.)):

- در پرونده راجع به مرگ یک بیمار سالخورده ناشی از بیماری التهاب ریه در بیمارستان (Sevim Gungor v. Turkey (dec.)):

- در پرونده راجع به فوت مادر خواهان پس از عمل جراحی (Besen v. Turkey (dec.)):

- در پرونده راجع به مرگ ناشی از نارسایی حاد قلبی و عروقی و تنفسی (Vakrilov v. Bulgaria (dec) § 41):

- در پرونده راجع به مرگ در بیمارستان به دلیل عفونت باکتریایی پس از عمل جراحی (E.M. and Others v. Romania (dec), § 56):

- در پرونده راجع به فوت یک کودک به دلیل تومور خوش خیم غیرقابل تشخیص شکمی در کبد او (Buksa v. Poland (dec.), §§ 15-16):

ب. پرونده های راجع به حوادث

217. دادگاه استراسبورگ اظهار داشته است که دولت نتوانسته است پاسخ قضایی موثری در رابطه با کشته شدن یک فرد در یک تصادف ارائه دهد، از جمله:

- در مواردی که رسیدگی ها در محاکم داخلی به دلیل عدم تلاش و کوشش کافی از سوی مقامات ملی بسیار طولانی شدند (Anna Todorova v. Bulgaria, § 83; Igor Shevchenko v. Ukraine, § 61; Starcevic v. Croatia, § 67; Sidika Imren v. Mucibabic v. Serbia, § 135; Fergec v. Croatia, §§ 41-42; Turkey, § 67):

- در مواردی که نواقص و کاستی هایی در نحوه به دست آوردن شواهد و ادله وجود داشت که بر هر گونه احتمال اثبات حقایق این پرونده و احراز مسئولیت متهم در رسیدگی های بعدی تاثیر منفی می گذاشت (Antonov v. Ukraine, § 50; Ciechonska v. Poland, § 75; Vovk and Bogdanov v. Russia, § 77):

218. در مقابل، دادگاه اظهار داشت که هیچ نقصی در مکانیزم احراز مسئولیت کیفری، انتظامی یا حقوقی اشخاص مسئول در پرونده های ذیل وجود ندارد:

- در پرونده راجع به یک کوهنورد (Furdik v. Slovakia (dec.)):

- در پرونده راجع به فوت یک کودک در زمین بازی هنگامی که ستون های بتنی سنگینی بروی او افتادند ([Koceski v. the Former Yugoslav Republic of Macedonia](#) (dec.), § 28)؛

- در پرونده راجع به صدمات جدی وارده به خواهان هنگامی که یک قایق موتوری به وی برخورد کرد در حالیکه وی در منطقه ی مجاز شنا می کرد و از خط تعیینی شنا خارج نشده بود ([Cavit Tinarlioglu v. Turkey](#), § 125)؛

- در پرونده راجع به سقوط هواپیمایی نظامی که موجب کشته شدن تماشاگران در یک نمایشگاه هوایی برای عموم، گردید ([Mikhno v. Ukraine](#), § 151)؛

- در پرونده راجع به برق گرفتگی بستگان خواهان ها به هنگام چیدن میوه درخت کاج از یک درخت در باغ یک مدرسه ابتدایی ([Cakmak v. Turkey](#) (dec.), § 34)؛

- در پرونده راجع به مرگ پسر خواهان به هنگام برخورد موتورسیکلت وی با یک دستگاه وانت ([Aktas v. Turkey](#) (dec.), § 29)؛

فهرست پرونده های مورد استناد

رویه قضایی مورد استناد در این راهنما به احکام یا تصمیمات صادر شده توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر و به تصمیمات یا گزارش های کمیسیون اروپایی حقوق بشر اشاره دارد.

مگر اینکه خلاف آن ذکر شده باشد، همه ارجاعات مربوط به حکمی است که ماهیتاً توسط یک شعبه دادگاه صادر شده است. مخفف "(dec.)" نشان می دهد که استناد به یک تصمیم دادگاه است و "[GC]" نشان دهنده آن است که پرونده توسط شعبه عالی رسیدگی شده است.

احکام شعبه دادگاه که در راستای مفاد ماده 44 کنوانسیون تا انجام این بروز رسانی قطعی نمی باشند در فهرست زیر با ستاره مشخص می شوند. بند دوم ماده 44 کنوانسیون مقرر می دارد: «حکم یک شعبه قطعی می شود (الف) زمانی که طرفین اعلام کنند که درخواست ارجاع پرونده به شعبه عالی را ندارند؛ یا (ب) سه ماه پس از تاریخ صدور رأی، در صورتی که ارجاع پرونده به شعبه عالی درخواست نشده باشد؛ یا (ج) زمانی که هیأت شعبه عالی (هیأت عمومی) درخواست ارجاع را طبق ماده 43 رد نماید. در مواردی که درخواست ارجاع توسط هیأت شعبه عالی پذیرفته شود، رأی شعبه قطعی تلقی نمی شود و در نتیجه اثر قانونی ندارد. رأی بعدی صادره توسط شعبه عالی، نهایی تلقی می شود.

پیوندهای مربوط به پرونده های ذکر شده در نسخه الکترونیکی این راهنما به پایگاه داده (<http://hudoc.echr.coe.int>) هدایت می شود که دسترسی به رویه قضایی این دادگاه (احکام و تصمیمات، پرونده های ابلاغ شده و نظرات مشورتی شعب عالی، شعب بدوی و کمیته و تخلیص اطلاعات حقوقی راجع به رویه قضایی) و رویه قضایی کمیسیون (تصمیمات و گزارشات) و مصوبات کمیته وزیران را فراهم می سازد.

دادگاه احکام و تصمیمات خود را به زبان انگلیسی و/یا فرانسوی، دو زبان رسمی خود، صادر می نماید. "HUDOC" همچنین شامل ترجمه بسیاری از پرونده های مهم به بیش از 30 زبان غیر رسمی و پیوندهایی به حدود یکصد مجموعه رویه قضایی آنلاین می باشد که توسط اشخاص ثالث تهیه شده است. تمام نسخه های زبانی موجود برای پرونده های ذکر شده از طریق برگه «نسخه های زبان» در پایگاه داده HUDOC قابل دسترسی هستند، برگه ای که پس از کلیک بر روی لینک برجسته پرونده، قابل مشاهده می باشد.

_ A _

[A and B v. Romania](#), nos. 48442/16 and 48831/16, 2 June 2020

[Abuyeva and Others v. Russia](#), no. 27065/05, 2 December 2010

[Adiyaman v. Turkey](#) (dec.), no. 58933/00, 9 February 2010

[Aftanache v. Romania](#), no. 999/19, 26 May 2020

[Agdas v. Turkey](#), no. 34592/97, 27 July 2004

[Ahmet Ozkan and Others v. Turkey](#), no. 21689/93, 6 April 2004

[Akdeniz and Others v. Turkey](#), no. 23954/94, 31 May 2001

[Akdogdu v. Turkey](#), no. 46747/99, 18 October 2005

[Akeliene v. Lithuania](#), no. 54917/13, 16 October 2018

[Akkum and Others v. Turkey](#), no. 21894/93, ECHR 2005 – II (extracts)

[Aktas v. Turkey](#), no. 24351/94, ECHR 2003- V (extracts)

[Al Nashiri v. Poland](#), no. 28761/11, 24 July 2014

[Al-Saadoon and Mufdhi v. the United Kingdom](#), no. 61498/08, ECHR 2010

[Al-Skeini and Others v. the United Kingdom](#) [GC], no. 55721/07, ECHR 2011

[Albekov and Others v. Russia](#), no. 68216/01, 9 October 2008

[Ali and Ayse Duran v. Turkey](#), no. 42942/02, 8 April 2008

[Alkin v. Turkey](#), no. 75588/01, 13 October 2009

[Altug and Others v. Turkey](#), no. 32086/07, 30 June 2015

[Amuyeva and Others v. Russia](#), no. 17321/06, 25 November 2010

[Andronicou and Constantinou v. Cyprus](#), 9 October 1997, Reports of Judgments and Decisions 1997-VI

[Anguelova v. Bulgaria](#), no. 38361/97, ECHR 2002-IV
[Anna Todorova v. Bulgaria](#), no. 23302/03, 24 May 2011
[Antonov v. Ukraine](#), no. 28096/04, 3 November 2011
[Armani Da Silva v. the United Kingdom](#) [GC], no. 5878/08, 30 March 2016
[Arskaya v. Ukraine](#), no. 45076/05, 5 December 2013
[Asiye Genç v. Turkey](#), no. 24109/07, 27 January 2015
[Aslakhanova and Others v. Russia](#), nos. 2944/06 and 4 others, 18 December 2012
[Association "21 December 1989" and Others v. Romania](#), nos. 33810/07 and 18817/08, 24 May 2011
[Ataman v. Turkey](#), no. 46252/99, 27 April 2006
[AvŞar v. Turkey](#), no. 25657/94, ECHR 2001-VII (extracts)
[Aydoğdu v. Turkey](#), no. 40448/06, 30 August 2016

_ B _

[Babar Ahmad and Others v. the United Kingdom](#) (dec.), nos. 24027/07 and 4 others, 6 July 2010
[Bajić v. Croatia](#), no. 41108/10, 13 November 2012
[Bakan v. Turkey](#), no. 50939/99, 12 June 2007
[Banel v. Lithuania](#), no. 14326/11, 18 June 2013
[Barbu Anghelescu v. Romania](#), no. 46430/99, 5 October 2004
[Bayrak and Others v. Turkey](#), no. 42771/98, 12 January 2006
[Baysayeva v. Russia](#), no. 74237/01, 5 April 2007
[Bazorkina v. Russia](#), no. 69481/01, 27 July 2006
[Beker v. Turkey](#), no. 27866/03, 24 March 2009
[Beksultanova v. Russia](#), no. 31564/07, 27 September 2011
[Bektaş and Özalp v. Turkey](#), no. 10036/03, 20 April 2010
[Benzer and Others v. Turkey](#), no. 23502/06, 12 November 2013
[Besen v. Turkey](#) (dec.), no. 48915/09, 19 June 2012
[Betayev and Betayeva v. Russia](#), no. 37315/03, 29 May 2008
[Bilbija and Blažević v. Croatia](#), no. 62870/13, 12 January 2016
[Binnur Uzun and Others v. Turkey](#), no. 28678/10, 19 September 2017
[BiŞar Ayhan v. Turkey](#), nos. 42329/11 and 47319/11, 18 May 2021
[Bljakaj and Others v. Croatia](#), no. 74448/12, 18 September 2014
[Boso v. Italy](#) (dec.), no. 50490/99, 5 September 2002
[Boukrourou and Others v. France](#), no. 30059/15, 16 November 2017
[Boychenko v. Russia](#), no. 8663/08, 12 October 2021
[Branko Tomašić and Others v. Croatia](#), no. 46598/06, 15 January 2009
[Brecknell v. the United Kingdom](#), no. 32457/04, 27 November 2007
[Brincat and Others v. Malta](#), nos. 60908/11 and 4 others, 24 July 2014
[Bubbins v. the United Kingdom](#), no. 50196/99, ECHR 2005-II (extracts)
[Budayeva and Others v. Russia](#), nos. 15339/02 and 4 others, ECHR 2008 (extracts)
[Buksa v. Poland](#) (dec.), no. 75749/13, 31 May 2016
[Buldan v. Turkey](#), no. 28298/95, 20 April 2004
[Byrzykowski v. Poland](#), no. 11562/05, 27 June 2006

_ C _

[Çakmak v. Turkey](#) (dec.), no. 34872/09, 21 November 2017
[Çakmakçı v. Turkey](#) (dec.), no. 3952/11, 2 May 2017
[Calvelli and Ciglio v. Italy](#) [GC], no. 32967/96, ECHR 2002-I
[Carter v. Russia](#), no. 20914/07, 21 September 2021
[Cavit Tınarlıoğlu v. Turkey](#), no. 3648/04, 2 February 2016
[Cecilia Pereira Henriques and Others v. Luxembourg](#) (dec.), no. 60255/00, 26 August 2003
[Centre for Legal Resources on behalf of Valentin Câmpeanu v. Romania](#) [GC], no. 47848/08, ECHR 2014
[Cerf v. Turkey](#), no. 12938/07, 3 May 2016
[Cevrioğlu v. Turkey](#), no. 69546/12, 4 October 2016
[Choreftakis and Choreftaki v. Greece](#), no. 46846/08, 17 January 2012
[Ciechońska v. Poland](#), no. 19776/04, 14 June 2011
[Cummins and Others v. the United Kingdom](#) (dec.), no. 27306/05, 13 December 2005
[Cyprus v. Turkey](#) [GC], no. 25781/94, ECHR 2001-IV

— D —

[De Donder and De Clippel v. Belgium](#), no. 8595/06, 6 December 2011
[Denizci and Others v. Cyprus](#), nos. 25316-25321/94 and 27207/95, ECHR 2001-V
[Derenik Mkrtchyan and Gayane Mkrtchyan v. Armenia](#), no. 69736/12, 30 November 2021
[Dodov v. Bulgaria](#), no. 59548/00, 17 January 2008 پ
[Dumpe v. Latvia](#) (dec.), no. 71506/13, 16 October 2018
[Dzieciak v. Poland](#), no. 77766/01, 9 December 2008

— E —

[E.M. and Others v. Romania](#) (dec.), no. 20192/07, 3 June 2014
[Edwards v. the United Kingdom](#), 16 December 1992, Series A no. 247-B
[Emars v. Latvia](#), no. 22412/08, 18 November 2014
[Emin and Others v. Cyprus, Greece and the United Kingdom](#) (dec.), nos. 59623/08 and 6 others, 3 June 2010
[Enukidze and Girgvliani v. Georgia](#), no. 25091/07, 26 April 2011
[Enzile Özdemir v. Turkey](#), no. 54169/00, 8 January 2008
[Erdoğan and Others v. Turkey](#), no. 19807/92, 25 April 2006
[Eremiášová and Pechová v. the Czech Republic](#) (revision), no. 23944/04, 20 June 2013
[Ergi v. Turkey](#), 28 July 1998, Reports of Judgments and Decisions 1998-IV
[Estamirov and Others v. Russia](#), no. 60272/00, 12 October 2006
[Estemirova v. Russia*](#), no. 42705/11, 31 August 2021
[Eugenia Lazăr v. Romania](#), no. 32146/05, 16 February 2010
[Evans v. the United Kingdom](#) [GC], no. 6339/05, ECHR 2007-I
[Evrin Öktem v. Turkey](#), no. 9207/03, 4 November 2008

— F —

[F.G. v. Sweden](#) [GC], no. 43611/11, 23 March 2016
[Fergec v. Croatia](#), no. 68516/14, 9 May 2017

[Fernandes de Oliveira v. Portugal](#) [GC], no. 78103/14, 31 January 2019
[Finogenov and Others v. Russia](#) (dec.), nos. 18299/03 and 27311/03, 18 March 2010
[Finogenov and Others v. Russia](#), nos. 18299/03 and 27311/03, ECHR 2011 (extracts)
[Fountas v. Greece](#), no. 50283/13, 3 October 2019
[Furdík v. Slovakia](#) (dec.), no 42994/05, 2 December 2008

—G—

[G.N. and Others v. Italy](#), no. 43134/05, 1 December 2009
[Gard and Others v. the United Kingdom](#) (dec.), no. 39793/17, 27 June 2017
[Georgia v. Russia \(II\)](#) [GC] (merits), no. 38263/08, 21 January 2021
[Gheorghe v. Romania](#) (dec.), no. 19215/04, 22 September 2005
[Giuliani and Gaggio v. Italy](#) [GC], no. 23458/02, ECHR 2011 (extracts)
[Gjikondi and Others v. Greece](#), no. 17249/10, 21 December 2017
[Glass v. the United Kingdom](#) (dec.), no. 61827/00, 18 March 2003
[Gökdemir v. Turkey](#) (dec.), no. 66309/09, 19 May 2015
[Gongadze v. Ukraine](#), no. 34056/02, ECHR 2005-XI
[Gorovenky and Bugara v. Ukraine](#), nos. 36146/05 and 42418/05, 12 January 2012
[Güleç v. Turkey](#), 27 July 1998, Reports of Judgments and Decisions 1998-IV
[Gurtekin and Others v. Cyprus](#) (dec.), nos. 60441/13 and 2 others, 11 March 14
[Güzelyurtlu and Others v. Cyprus and Turkey](#) [GC], no. 36925/07), 29 January 2019

—H—

[Haas v. Switzerland](#), no. 31322/07, ECHR 2011
[Hassan v. the United Kingdom](#) [GC], no. 29750/09, ECHR 2014
[Hanan v. Germany](#) [GC], no. 4871/16, 16 February 2021
[Harrison and Others v. the United Kingdom](#) (dec.), no. 44301/13, 25 March 2014
[Hemsworth v. the United Kingdom](#), no. 58559/09, 16 July 2013
[Hiller v. Austria](#), no. 1967/14, 22 November 2016
[Hristozov and Others v. Bulgaria](#), nos.47039/11 and 358/12, ECHR 2012 (extracts)
[Hugh Jordan v. the United Kingdom](#), no. 24746/94, 4 May 2001
[Huohvanainen v. Finland](#), no. 57389/00, 13 March 2007

—I—

[Igor Shevchenko v. Ukraine](#), no. 22737/04, 12 January 2012
[İkincisoğlu v. Turkey](#), no. 26144/95, 27 July 2004
[İlbeyi Kemaloğlu and Meriye Kemaloğlu v. Turkey](#), no. 19986/06, 10 April 2012
[İlhan v. Turkey](#) [GC], no. 22277/93, ECHR 2000-VII
[Iorga v. Moldova](#), no. 12219/05, 23 March 2010
[İpek v. Turkey](#), no. 25760/94, ECHR 2004-II (extracts)
[Isayeva and Others v. Russia](#), nos. 57947/00 and 2 others, 24 February 2005

—J—

[Jaloud v. the Netherlands](#) [GC], no. 47708/08, ECHR 2014
[Jelić v. Croatia](#), no. 57856/11, 12 June 2014

[Jeanty v. Belgium](#), no. 82284/17, 31 March 2020

—K—

[Kagirov v. Russia](#), no. 36367/09, 23 April 2015

[Kakoulli v. Turkey](#), no. 38595/97, 22 November 2005

[Kalender v. Turkey](#), no. 4314/02, 15 December 2009

[Karpisiewicz v. Poland](#) (dec.), no. 14730/09, 11 December 2012

[Kats and Others v. Ukraine](#), no. 29971/04, 18 December 2008

[Kaya v. Turkey](#), 19 February 1998, Reports of Judgments and Decisions 1998-I

[Keenan v. the United Kingdom](#), no. 27229/95, ECHR 2001-III

[Keller v. Russia](#), no. 26824/04, 17 October 2013

[Kelly and Others v. the United Kingdom](#), no. 30054/96, 4 May 2001

[Ketreb v. France](#), no. 38447/09, 19 July 2012

[Khashiyev and Akayeva v. Russia](#), nos. 57942/00 and 57945/00, 24 February 2005

[Khayrullina v. Russia](#), no. 29729/09, 19 December 2017

[KILIÇ v. Turkey](#), no. 22492/93, ECHR 2000-III

[KILIInç and Others v. Turkey](#), no. 40145/98, 7 June 2005

[Kişmir v. Turkey](#), no. 27306/95, 31 May 2005

[Kitanovska Stanojkovic and Others v. the former Yugoslav Republic of Macedonia](#), no. 2319/14, 13 October 2016

[Klaas v. Germany](#), 22 September 1993, Series A no. 269

[Koceski v. the former Yugoslav Republic of Macedonia](#) (dec.), no. 41107/07, 22 October 2013

[Koku v. Turkey](#), no. 27305/95, 31 May 2005

[Kolevi v. Bulgaria](#), no. 1108/02, 5 November 2009

[Kolyadenko and Others v. Russia](#), nos. 17423/05 and 5 others, 28 February 2012

[Koseva v. Bulgaria](#) (dec.), no. 6414/02, 22 June 2010

[Kotelnikov v. Russia](#), no. 45104/05, 12 July 2016

[Kotilainen and Others v. Finland](#), no. 62439/12, 17 September 2020

[Krastanov v. Bulgaria](#), no. 50222/99, 30 September 2004

[Kudra v. Croatia](#), no. 13904/07, 18 December 2012

[Kukhalashvili and Others v. Georgia](#), nos. 8938/07 and 41891/07, 2 April 2020.

[Kurt v. Austria](#) [GC], no. 62903/15, 15 June 2021

[Kushtova and Others v. Russia \(no. 2\)](#), no. 60806/08, 21 February 2017

—L—

[L.C.B. v. the United Kingdom](#), 9 June 1998, Reports of Judgments and Decisions 1998-III

[Leray and Others v. France](#) (dec.), no. 44617/98, 16 January 2001

[Lopes de Sousa Fernandes v. Portugal](#) [GC], no. 56080/13, 19 December 2017

[Lambert and Others v. France](#) [GC], no. 46043/14, ECHR 2015 (extracts)

[Lapshin v. Azerbaijan](#), no. 13527/18, 20 May 2021

—M—

[M. Özel and Others v. Turkey](#), nos. 14350/05 and 2 others, 17 November 2015

[Magomadov v. Russia](#), no. 68004/01, 12 July 2007

[Mahmut Kaya v. Turkey](#), no. 22535/93, ECHR 2000-III

[Maiorano and Others v. Italy](#), no. 28634/06, 15 December 2009
[Makaratzis v. Greece](#) [GC], no. 50385/99, ECHR 2004-XI
[Makharadze and Sikharulidze v. Georgia](#), no. 35254/07, 22 November 2011
[Makuchyan and Minasyan v. Azerbaijan and Hungary](#), no. 17247/13, 26 May 2020
[Malik Babayev v. Azerbaijan](#), no. 30500/11, 1 June 2017
[Mansuroğlu v. Turkey](#), no. 43443/98, 26 February 2008
[Marguš v. Croatia](#) [GC], no. 4455/10, ECHR 2014 (extracts)
[Marius Alexandru and Marinela Ștefan v. Romania](#), no. 78643/11, 24 March 2020
[Maruseva v. Russia](#) (dec.), no. 28602/02, 1 June 2006
[Mastromatteo v. Italy](#) [GC], no. 37703/97, ECHR 2002-VIII
[Mazepa and Others v. Russia](#), no. 15086/07, 17 July 2018
[McCann and Others v. the United Kingdom](#), 27 September 1995, Series A no. 324
[McKerr v. the United Kingdom](#) (dec.), no. 28883/95, 4 April 2000
[Medova v. Russia](#), no. 25385/04, 15 January 2009
[Mehmet Şentürk and Bekir Şentürk v. Turkey](#), no. 13423/09, ECHR 2013
[Mendy v. France](#) (dec.), no. 71428/12, 4 September 2018
[Menson v. the United Kingdom](#) (dec.), no. 47916/99, ECHR 2003-V
[Meryem Çelik and Others v. Turkey](#), no. 3598/03, 16 April 2013
[Mezhiyeva v. Russia](#), no. 44297/06, 16 April 2015
[Mikayil Mammadov v. Azerbaijan](#), no. 4762/05, 17 December 2009
[Mikhno v. Ukraine](#), no. 32514/12, 1 September 2016
[Mikiyeva and Others v. Russia](#), nos. 61536/08 and 4 others, 30 January 2014
[Mitić v. Serbia](#), no. 31963/08, 22 January 2013
[Mocanu and Others v. Romania](#) [GC], nos. 10865/09 and 2 others, ECHR 2014 (extracts)
[Mojsiejew v. Poland](#), no. 11818/02, 24 March 2009
[Molie v. Romania](#) (dec.), no. 13754/02, 1 September 2009
[Mosendz v. Ukraine](#), no. 52013/08, 17 January 2013
[Mučibabić v. Serbia](#), no. 34661/07, 12 July 2016
[Musayeva and Others v. Russia](#), no. 74239/01, 26 July 2007
[Mustafa Tunç and Fecire Tunç v. Turkey](#) [GC], no. 24014/05, 14 April 2015

_ N _

[Nachova and Others v. Bulgaria](#) [GC], nos. 43577/98 and 43579/98, ECHR 2005-VII
[Nafiye Çetin and Others v. Turkey](#), no. 19180/03, 7 April 2009
[Nencheva and Others v. Bulgaria](#), no. 48609/06, 18 June 2013
[Nesibe Haran v. Turkey](#), no. 28299/95, 6 October 2005
[Nicolae Virgiliu Tănase v. Romania](#) [GC], no. 41720/13, 25 June 2019
[Nitecki v. Poland](#) (dec.), no. 65653/01, 21 March 2002
[Nuray Şen v. Turkey \(no. 2\)](#), no. 25354/94, 30 March 2004

— O —

[O’Loughlin and Others v. the United Kingdom](#) (dec.), no. 23274/04, 25 August 2005
[Oğur v. Turkey](#) [GC], no. 21594/93, ECHR 1999-III
[Olewnik-Cieplińska and Olewnik v. Poland](#), no. 20147/15, 5 September 2019

[Öneryıldız v. Turkey](#) [GC], no. 48939/99, ECHR 2004-XII

[Opuz v. Turkey](#), no. 33401/02, ECHR 2009

[Orhan v. Turkey](#), no. 25656/94, 18 June 2002

[Oruk v. Turkey](#), no. 33647/04, 4 February 2014

[Osman v. the United Kingdom](#), 28 October 1998, Reports of Judgments and Decisions 1998-VIII [Osmanoğlu v. Turkey](#), no. 48804/99, 24 January 2008

[Oyal v. Turkey](#), no. 4864/05, 23 March 2010

[Özalp and Others v. Turkey](#), no. 32457/96, 8 April 2004

_ P _

[Palić v. Bosnia and Herzegovina](#), no. 4704/04, 15 February 2011

[Parfitt v. the United Kingdom](#) (dec.), no. 18533/21, 20 April 2021

[Paşa and Erkan Erol v. Turkey](#), no. 51358/99, 12 December 2006

[Paul and Audrey Edwards v. the United Kingdom](#), no. 46477/99, ECHR 2002-II

[Penati v. Italy](#), no. 44166/15, 11 May 2021

[Pentiacova and Others v. Moldova](#) (dec.), no. 14462/03, ECHR 2005-I

[Pereira Henriques v. Luxembourg](#), no. 60255/00, 9 May 2006

[Perevedentsev v. Russia](#), no. 39583/05, 24 April 2014

[Perk and Others v. Turkey](#), no. 50739/99, 28 March 2006

[Pitalev v. Russia](#), no. 34393/03, 30 July 2009

[Powell v. the United Kingdom](#) (dec.), no. 45305/99, ECHR 2000-V

[Pretty v. the United Kingdom](#), no. 2346/02, ECHR 2002-III

— R —

[R.R. and Others v. Hungary](#), no. 19400/11, 4 December 2012

[Rajkowska v. Poland](#) (dec.), no. 37393/02, 27 November 2007

[Ramsahai and Others v. the Netherlands](#) [GC], no. 52391/99, ECHR 2007-II

[Rantsev v. Cyprus and Russia](#), no. 25965/04, ECHR 2010 (extracts)

[Renolde v. France](#), no. 5608/05, ECHR 2008 (extracts)

[Reynolds v. the United Kingdom](#), no. 2694/08, 13 March 2012

[Ribcheva and Others v. Bulgaria](#), nos. 37801/16 and 2 others, 30 March 2021

[Romeo Castaño v. Belgium](#), no. 8351/17, 9 July 2019

[Rupa v. Romania \(no. 1\)](#), no. 58478/00, 16 December 2008

— S —

[Salman v. Turkey](#) [GC], no. 21986/93, ECHR 2000-VII

[Şandru and Others v. Romania](#), no. 22465/03, 8 December 2009

[Saoud v. France](#), no. 9375/02, 9 October 2007

[Sarishvili-Bolkvadze v. Georgia](#), no. 58240/08, 19 July 2018

[Sašo Gorgiev v. the former Yugoslav Republic of Macedonia](#), no. 49382/06, ECHR 2012 (extracts) [Scavuzzo-Hager and Others v. Switzerland](#), no. 41773/98, 7 February 2006

[Scripnic v. the Republic of Moldova](#), no. 63789/13, 13 April 2021

[Selahattin Demirtaş v. Turkey](#), no. 15028/09, 23 June 2015

[Semache v. France](#), no. 36083/16, 21 June 2018
[Sergey Shevchenko v. Ukraine](#), no. 32478/02, 4 April 2006
[Sevim Güngör v. Turkey](#) (dec.), no. 75173/01, 14 April 2009
[Seyhan v. Turkey](#), no. 33384/96, 2 November 2004
[S.F. v. Switzerland](#), no. 23405/16, 30 June 2020
[Shafiyeva v. Russia](#), no. 49379/09, 3 May 2012
[Sıdıka İmren v. Turkey](#), no. 47384/11, 13 September 2016
[Šilih v. Slovenia](#) [GC], no. 71463/01, 9 April 2009
[Şimşek and Others v. Turkey](#), nos. 35072/97 and 37194/97, 26 July 2005
[Sinim v. Turkey](#), no. 9441/10, 6 June 2017
[Şirin Yılmaz v. Turkey](#), no. 35875/97, 29 July 2004
[Slimani v. France](#), no. 57671/00, ECHR 2004-IX (extracts)
[Smiljanić v. Croatia](#), no. 35983/14, 25 March 2021
[Soare and Others v. Romania](#), no. 24329/02, 22 February 2011
[Soares Campos v. Portugal](#), no. 30878/16, 14 January 2020
[Solska and Rybicka v. Poland](#), nos. 30491/17 and 31083/17, 20 September 2018
[Starčević v. Croatia](#), no. 80909/12, 13 November 2014
[Stoyanovi v. Bulgaria](#), no. 42980/04, 9 November 2010

—T—

[Tagayeva and Others v. Russia](#), nos. 26562/07 and 6 others, 13 April 2017
[Tahsin Acar v. Turkey](#) [GC], no. 26307/95, ECHR 2004-III
[TanIŞ and Others v. Turkey](#), no. 65899/01, ECHR 2005-VIII
[TanII v. Turkey](#), no. 26129/95, ECHR 2001-III (extracts)
[Tarariyeva v. Russia](#), no. 4353/03, ECHR 2006-XV (extracts)
[TekIn and Arslan v. Belgium](#), no. 37795/13, 5 September 2017
[Tërshana v. Albania](#), no. 48756/14, 4 August 2020
[Timurtaş v. Turkey](#), no. 23531/94, ECHR 2000-VI
[Tkheldze v. Georgia](#), no. 33056/17, 8 July 2021
[TrÉvalec v. Belgium](#), no. 30812/07, 14 June 2011
[Trubnikov v. Russia](#), no. 49790/99, 5 July 2005
[Turluyeva v. Russia](#), no. 63638/09, 20 June 2013

—U—

[Ursu v. Romania](#) (dec.), no. 58670/00, 3 May 2005

—V—

[Van Colle v. the United Kingdom](#), no. 7678/09, 13 November 2012
[Vakrİlov v. Bulgaria](#) (dec.), no. 18698/06, 9 October 2012
[Valeriy Fuklev v. Ukraine](#), no. 6318/03, 16 January 2014
[Vanyo Todorov v. Bulgaria](#), no. 31434/15, 21 July 2020
[Vardosanidze v. Georgia](#), no. 43881/10, 7 May 2020

[Varnava and Others v. Turkey](#) [GC], nos. 16064/90 and 8 others, ECHR 2009
[Vasîlca v. the Republic of Moldova](#), no. 69527/10, 11 February 2014
[Velikova v. Bulgaria](#), no. 41488/98, ECHR 2000-VI
[Vilnes and Others v. Norway](#), nos. 52806/09 and 22703/10, 5 December 2013
[Vo v. France](#) [GC], no. 53924/00, ECHR 2004-VIII
[Volk v. Slovenia](#), no. 62120/09, 13 December 2012
[Vovk and Bogdanov v. Russia](#), no. 15613/10, 11 February 2020

—W—

[Wasilewska and Kałucka v. Poland](#), nos. 28975/04 and 33406/04, 23 February 2010
[Waresiak v. Poland](#) (dec.), no. 58558/13, 10 March 2020.
[Wiater v. Poland](#) (dec.), no. 42290/08, 15 May 2012

—Y—

[Yabansu and Others v. Turkey](#), no. 43903/09, 12 November 2013
[Yotova v. Bulgaria](#), no. 43606/04, 23 October 2012
[Younger v. the United Kingdom](#) (dec.), no. 57420/00, ECHR 2003-I
[Yukhymovych v. Ukraine](#), no. 11464/12, 17 December 2020
[Yüksel Erdoğan and Others v. Turkey](#), no. 57049/00, 15 February 2007

—Z—

[Z v. Poland](#), no. 46132/08, 13 November 2012
[Zafer Öztürk v. Turkey](#), no. 25774/09, 21 July 2015
[Zdjelar and Others v. Croatia](#), no. 80960/12, 6 July 2017
[Zengin v. Turkey](#), no. 46928/99, 28 October 2004
[Zinatullin v. Russia](#), no. 10551/10, 28 January 2020